

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیر هنر در تاریخ (۱)

۷۰۹ تسلیمی، نصرالله
س ۹۳۵ ت/
۱۳۹۱ سیر هنر در تاریخ (۱) مؤلف: نصرالله تسلیمی - تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های

فهرست مطالب

		مقدمه	
۶	پیدایش هنر و تمدن	فصل ۱	
۱۴	هنر و تمدن ایران باستان	فصل ۲	
۴۴	هنر و تمدن میان رودان (بین النهرین)	فصل ۳	
۶۰	هنر و تمدن مصر	فصل ۴	
۷۶	هنر و تمدن هند	فصل ۵	
۹۰	هنر و تمدن چین و ژاپن	فصل ۶	
۱۱۲	هنر و تمدن ایران اسلامی – معماری مساجد کشورهای اسلامی	فصل ۷	
۱۷۲	منابع و مآخذ		

مقدمه

آشنایی با تمدن های باستانی و حوزه های فرهنگی کهن شاید از ضروری ترین دانش های بشری محسوب شود، چرا که هنر آیینی تمام نمای هویت فرهنگی انسان ها در هر جامعه و هر عصر است و انسان برای شناخت خود و آگاهی به تحولاتی که از ابتدایی ترین نوع زیست تاکنون سپری نموده به این دانش نیاز دارد. امروزه ما در کشورهای متعدد و جوامع گوناگون با فرهنگ ها و آداب و رسوم متنوع و گسترده ای روبه رو هستیم که هر یک از آن فرهنگ ها بر یک یا چند تمدن کهن استوار است. شناخت این تمدن ها تنها از راه مطالعه ی آثار هنری به جای مانده از آن ها میسر است.

در این کتاب به معرفی چند تمدن شاخص و بحث پیرامون آثار هنری و نحوه ی شکل گیری آن ها پرداخته شده است. انتظار می رود که هنرجویان ، پس از مطالعه ی این کتاب، با کسب دانش اجمالی نسبت به هنرهای ادوار باستان بتوانند به تجزیه و تحلیل آثار و درک ارتباط آن ها با خاستگاهشان دست یابند. از آنجا که بودجه بندی زمانی در ترم دوم تدریس و تفهیم کتاب سیر هنر در تاریخ ۲ را تحت تاثیر قرار می دارد ، فصل هفتم ، هنر اسلامی به این کتاب منتقل شده است . هنر جویان هر چند تاریخ هنر ایران و جهان را گذرانده یا بصورت پیش نیاز داشته اند ، اما بعد از گذراندن واحدهای اصلی و تخصصی با نگاهی دوباره و متفاوت به قیاس تمدن ها و فرهنگ های گذشته با فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی آگاهی بیش تری به هویت خویش پیدا خواهد کرد چرا که اصل هویت در تفکر هنرمند انکار نا پذیر است .

هدف کلی: آشنایی با سیر تحول هنر در تاریخ

فصل اول

پیدایش هنر و تمدن



ح ۶۰۰ ق. م
عصر آهن

ح ۱۰۰۰ ق. م
عصر مفرغ
نوسنگی اروپا

ح ۲۰۰۰ ق. م
عصر مس و سنگ نو
نوسنگی اروپا

ح ۴۰۰۰ ق. م
عصر مس و سنگ قدیم

ح ۶۰۰۰ ق. م
دوران نوسنگی

ح ۸۰۰۰ ق. م
دوران میان سنگی

ح ۱۰۰۰۰ ق. م
دوران پارینه سنگی

PREHISTORIC EUROPE AND THE NEAR EAST





اهداف رفتاری :

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می رود :

- ۱- هنرپیش از تاریخ را توصیف کند.
- ۲- به تصویر روشنی از چگونگی شکل‌گیری آثار هنری در پیش از تاریخ دست یابد و آن را توضیح دهد.
- ۳- انگیزه و هدف خلق آثار هنری را در ابتدایی‌ترین ادوار توصیف کند.
- ۴- مفهوم و تعریف تمدن را بیان کند.
- ۵- منابع ارزشمندی را برای باستان‌شناسی توصیف کند.

اهمیت مطالعه در هنر

مطالعه هنر در دوره‌های پیش از تاریخ و تاریخی ضرورت دارد، چرا که تعریف هنر همواره مورد بحث متفکران بوده و بی شک شناخت هنر به عنوان پدیده‌ای گویا و واسطه انتقال مفاهیم و اطلاعات مورد توجه است و به چنین مطالعه‌ای نیاز دارد. از سوی دیگر، در معنای تاریخی نیز نظری قطعی وجود ندارد. در فرآیند تدوین تاریخ هر قدر به عقب‌تر باز می‌گردیم از حجم منابع مکتوب کاسته می‌شود و سرانجام به ادواری می‌رسیم که از آنها هیچگونه اطلاعات نوشتاری به دست نیامده است. به راستی تاریخ در کجا و از چه زمانی آغاز می‌شود و تفاوت میان رخدادهای پیش یا پس از تاریخ چیست؟

اساساً قبل یا بعد از تاریخ به چه معناست؟ در پاسخ به این پرسش باید بگوئیم که بشر برای آگاهی از

ویژگی‌های هر دوره همواره به نوشته‌های به جای مانده از آن عهد رجوع می‌کرده و بر اساس آن، تاریخ و پیشینه‌ی خود را مدون کرده است. از همین جاست که مفهوم تاریخ شکل می‌گیرد و پیش از تاریخ شامل دوره‌ایی می‌گردد که آثار مکتوب از آنها به جای نمانده است.

با گذشت زمان، دانش بشری نیز گرایش‌های متعدد و متنوعی یافت. یکی از این گرایش‌ها "باستان‌شناسی" است که در کشف آثار به جا مانده از تمدن‌های کهن نقش اساسی دارد. باستان‌شناسی روزنه‌ای است که انسان توانست از طریق آن به گذشته خویش بنگرد و بر آن بخش از تاریخ، که در زیر خروارها خاک یا در عمق غارهای تاریک پنهان گشته بود، نظر افکند.

باستان‌شناسی علمی است که هدف آن کشف و بررسی آثار مربوط به ادوار پیش از تاریخ و تاریخی است. هدف این اکتشافات و مطالعات، درک تقدم و تأخر وقایع و سیر تحول فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در یک روند منطقی و صحیح است.

این علم از یک سو با انسان‌شناسی و قوم‌شناسی و از سوی دیگر با علم تاریخ، خط‌شناسی و فرهنگ‌های بومی مرتبط است و لذا گستره‌ی وسیعی را تحت پوشش قرار می‌دهد. علم باستان‌شناسی بر اشیاء و آثار به جای مانده و یافت شده از ادوار کهن اتکا دارد. آثاری از سنگ، استخوان، سفال، بقایای معابد و آتشگاه‌ها، قبرها و ویرانه‌های برجای مانده از دهکده‌ها، شهرها، کتیبه‌ها و... ابزار و منابعی هستند که باستان‌شناسان نظریه‌های خود را بر آنها بنا می‌کنند. حتی فسیل‌ها، بقایای برگ‌ها و دانه‌ی گیاهان می‌توانند باستان‌شناسان را در پی بردن به آثار زیست‌انسان‌ها و کشف اشیاء و مصنوعات در آن حوالی یاری کنند.

یافته‌های باستان‌شناسان، به حلقه‌های زنجیری می‌ماند که می‌تواند از یک سو، انسان امروزی را با گذشته‌اش مرتبط سازد و از سوی دیگر پرده از وجود ارتباط میان اقوام مختلف بشری در گذشته‌های دور بردارد، اقوامی که ممکن است در طول تاریخ چنان از یکدیگر جدا شده باشند که امروز تصور هر نوع قرابت و انس دیرینه‌ای را در میان خود باور نداشته باشند. اما این آثار بدون دستیابی به معنا و مفهوم و رمز و رازهایشان همچون کتاب‌هایی خواهند بود که به زبانی بیگانه نگاشته شده باشند. لذا تا انسان با زبان هنر هر دوره‌ای آشنا نشود نمی‌تواند معانی و ویژگی‌هایی را که در لابلای خطوط، رنگ‌ها، شکل‌ها و... نهفته است در یابد.

پیدایش تخصص‌های مختلف هنری حکایت از نیاز انسان به حفظ میراث فرهنگی دارد. هر چه زمان به جلو می‌رود، احساس نیاز بشر نسبت به حفظ هویت خود بیشتر می‌شود. هر چه بشر در مورد هویت خود عمیق‌تر می‌اندیشد آثار هنری را صادق‌ترین آئینه‌ی هویت خود می‌یابد. این آثار هنری هستند که جوهره‌ی

هویت انسان را در طول دوران با خود حمل کرده اند. انسان امروز ارزش این گنجینه را که با تاریخ تفکر، فطرت و هویت او مرتبط است، دریافته و قصد دارد تا با بهره گیری از علوم و فنون متفاوت آن را پاس دارد. انسان تا مدت ها آثار هنری به جای مانده از نیاکان ماقبل تاریخ را همچون اشکالی بدوی، ناپخته، فاقد بیان هنری و حتی بی ارزش و بی معنا می پنداشت. اما ارتقای دانش نسبت به این آثار، یافتن وجوه تشابه میان آنان و سیر در ابعاد مختلف زندگی انسان اولیه، نیازها و باورهای او رفته رفته پرده از ابهامات برداشت و به این آثار گنگ و مرده، زبان و جان بخشید.



۱-۱- شکارچیان: نقاشی دیواری متعلق به ۵۵۰۰ ق.م. دکن_هند

همانطور که تمام کودکان، از هر نژاد و ملیت و دین به تبع داشتن فطرت پاک مشترک دارای هویتی واحد هستند و این هویت واحد را در تشابه آثار نقاشی کودکان می توان مشاهده کرد (تصاویر (۱-۱) تا (۱-۳)). هنر انسان های نخستین در موقعیت های جغرافیایی کشف شده و متعلق به اقوام متفاوت دارای تشابهات ساختاری و محتوایی می باشد. در تصاویر یاد شده سه نقاشی دیواری را متعلق به سه زمان و سه موقعیت جغرافیایی مشاهده می کنید که هم از لحاظ مضمون و هم به جهت شیوهی کار تشابهات بسیاری دارند.



۱-۲- شکارچیان: نقاشی دیواری متعلق به هزاره هشتم یا هفتم ق.م، غار دوشه، لرستان



۱-۳- شکارچیان: نقاشی دیواری به قدمت تقریبی ۸۰۰۰ سال ق.م. کاشن-اسپانیا

پیدایش هنر

با توجه به گسترش حوزه های معرفتی و دانش بشری و نظریات متعدد، تعاریف گوناگونی در زمینه هنر وجود دارد. امروزه هنر را معادل علم و معرفت و دانش و فضیلت و کمال، زیبایی شناسی و مهارت های خاص و بیان احساسات تعریف کرده اند.



۴-۱- گاو میش‌ها - قسمتی از نقاشی سقفی غار التامیرا - اسپانیا، ۱۱۰۰۰-۱۲۰۰۰ قبل از میلاد

با مطالعات انجام شده مشخص گردیده که انسان‌های اولیه با مخاطراتی روبرو بوده‌اند که همواره آنها را در تشویش و نگرانی قرار می‌داد. خشم طبیعت جسم و روحشان را می‌آزرد، از این رو نیازهای ابتدایی زندگی، چون تأمین خوراک و پناهگاه و جدال برای بقای روزانه، تمامی زندگی شان را دربر می‌گرفت. زندگی گروهی برای انسان‌های اولیه از مواردی بود که می‌توانست در نیل به آرامش نسبی آنان مؤثر باشد. آرامشی که می‌توانست بخشی از نیروهای او را که در کشمکش آزار دهنده با طبیعت و بقای فردی صرف می‌شد آزاد کند و او را به سوی تفکر و تأمل در خویشتن و پی‌ریزی زندگی منضبط‌تر آینده‌هدایت نماید. ابتدایی‌ترین آثار هنری که انسان خلق کرده و تاکنون یافت شده، به حدود سی هزار سال قبل باز می‌گردد و دوره‌های پارینه سنگی، میان سنگی و نوسنگی تا شروع تمدن‌های باستانی را دربر می‌گیرد. این آثار شامل تصویری از انسان و حیواناتی چون گاو کوهاندار، گاو وحشی، گوزن، اسب و... و تندیس‌های انسانی و معماری است (تصویر ۴-۱).

معمولاً محل نقاشی‌ها در عمق غارها و دور از نور طبیعی بوده است. از این رو به نظر می‌رسد آثار هنری یافت شده جنبه‌ی تزئینی و نمایشی و مبنای زیبایی شناختی نداشته باشد. تأمل بیشتر در این موضوع، بر این واقعیت تأکید می‌کند که اولین نقاشی‌های آفریده شده دست انسان به طریق اسرارآمیزی دور از دید عموم کشیده شده است.

حال اگر این نقاشیها، برای زیباتر کردن محیط، به منظور نمایش و ایجاد لذت بصری خلق نشده‌اند، چرا انسان‌های اولیه با ابزارها و وسایل بسیار ابتدایی و مشکلات عدیده‌ی طبیعی که همواره زندگی آنها را به مخاطره می‌افکنده، این آثار را ترسیم کرده‌اند؟

همانطور که اشاره شد موضوع اکثر نقاشی‌های دیوار و سقف غارها تصویر جانوران بوده است (تصویر ۵-۱). این جانوران نقش مهمی در بقای انسان اولیه (به عنوان غذا) داشته‌اند. البته شکار جانوران عظیم الجثه و خطرناکی چون گاو وحشی، گوزن و ... برای بشر نخستین، کاری بس دشوار و خطرناک بوده و چه بسا جان خود را در این شکارهای متهورانه از دست می‌داده است. این نقاشی‌ها نه تنها با زندگی روزمره‌ی پیشینیان ما ارتباط موضوعی داشته‌اند، از جنبه کاربردی نیز حائز اهمیت بوده‌اند.

شاید انسان نخستین با دقت در ترسیم شکل، حرکات و رفتار و تناسبات جسمی یک جانور، به شناختی جامع از حریف قدرتمند خود دست می‌یافته و با آفرینش دوباره‌ی آن جانور در قالب تصویر بر دیوار و سقف غار، گویی بخشی از وجود آن جانور را که به تسخیر در می‌آورده، مغلوب خود کرده و سپس با تیراندازی به سوی آن بر مهارت خود می‌افزوده است و هنگامی که به شکار می‌رفته با اعتماد به نفس و مهارت بیشتری با



۵-۱- دالان گاوها - غار لاسکو، فرانسه- (۱۳۰۰۰ - ۱۵۰۰۰) قبل از میلاد. (بزرگترین شکل گاو)

شکار روبرو می شده است. شاید هم با ترسیم پیکره جانور، حیوان حذف شده را مجدداً به چرخه طبیعت باز می گردانده است. از این رو شاید آثار بدست آمده (نقاشیها و پیکره ها) برای او از اهمیت اسرار آمیزی برخوردار بوده و همچون طلسم های جادویی عمل می کرده اند.

با این حال نیاز ذاتی انسان به بهبود و کمال، او را به تغییر ساختار زندگی و تکامل شیوه های معیشتی رهنمون کرد. رفته رفته از شکار جانوران به نگهداری و پرورش آنان (دامداری) روی آورد و بتدریج راز و رمز خاک را کشف کرد و راه و رسم کشاورزی را آموخت.

شیوه ی جدید زیست، انسان را در ایجاد سرپناه هایی دائمی و استقرار در محدوده های جغرافیایی مشخص ناگزیر ساخت و با سپری شدن زمان، مهارت در خانه سازی که از ملزومات زندگی گروهی بود، پیشرفت کرد و برای تهیه ظروف پخت و نگهداری مواد غذایی به سفالگری و ریخته گری دست یافت و با استفاده از رنگ های طبیعی (معدنی، گیاهی، جانوری) در تزئین و زیبا سازی محیط زندگی، صنایع دستی، نقاشی ها و پیکره ها که بیانگر توان هنری انسان ها بود به صورت پیشرفته تری دست یافت.

همین جوامع کوچک ابتدایی نقطه ی شکل گیری تمدن های بزرگ در ادوار بعد شد. تمدن هایی که آثار ارزنده ی به جای مانده از آنها معرف تأثیری ژرف در سرنوشت بشریت است و ما انسان های معاصر، بخش اعظمی از هویت کنونی خویش را مدیون همین تمدن ها هستیم.

پیدایش تمدن

لفظ تمدن^۱ از ریشه «مدینه» (شهر) اخذ شده است و آنرا «شهر نشینی» و خصلت های مربوط به زندگی شهری می دانند. تمدن به مفهوم «نظام اجتماعی بلند مرتبه» با شاخص هایی چون: «هنر»، «علم»، «فرهنگ» و «نظام حکومتی پیشرفته» است و در مقیاس وسیعتر، به مرحله ای از رشد فکری، علمی، ادبی و فرهنگی گفته می شود که فرد متمدن را به عنوان انسانی فرهیخته از دیگر انسان ها متمایز می سازد.

با توجه به موارد فوق می توان نتیجه گرفت که هر اجتماعی انسانی را، در قالب شهر یا کشور و حتی منطقه، نمی توان تمدن نامید جز آنکه در زمینه هنر و فرهنگ و دانش و حکومت پیشرفته باشند. هنگامی که سخن از تمدن های کهن به میان می آید دو منبع ارزشمند و قابل اعتماد وجود دارد: منابع مکتوب و دیگری آثار هنری و معماری است.

۱- منابع مکتوب:

شامل کتیبه ها - الواح - نسخ خطی و ... که خود به عنوان آثار هنری معرف ذوق و حس زیبایی شناسی یک ملت هستند و دیگری کتاب ها که یافته های علمی یک تمدن و ملت را آشکار و اطلاعاتی در مورد ابعاد مختلف زندگانی در آن عصر را بیان می کنند.

۲- آثار هنری و معماری:

شامل اطلاعات دقیق و ظریف دوران خود بوده و نشانگر روح حاکم بر یک ملت هستند. به همین دلیل است که امروزه موزه ها نه تنها محل جذب هنرمندان هستند، بلکه آثار هنری از منابع اصلی تحقیقات علمی، فرهنگی، تاریخی و دیگر علوم انسانی به شمار می روند.

پرسش

- ۱- علم باستان شناسی چیست؟ و چه اهدافی دارد؟
- ۲- ابتدایی ترین آثار هنری انسان از چه زمانی به دست آمده است و چه تصاویری را نشان می دهد؟
- ۳- انگیزه های انسان غارنشین از آفرینش هنری چه بوده است؟ توضیح دهید.
- ۴- مفهوم تمدن چیست؟ انسان متمدن به چه کسی گفته می شود؟
- ۵- مهمترین منابع قابل اعتماد برای باستان شناسی کدامند؟ توضیح دهید.
- ۶- به نظر شما وظیفه ی یک هنرمند برای ثبت بهتر تاریخ چیست؟ در این مورد در کلاس گفت و گو کنید.

۱. Civilization



ARMENIA

TURKMENISTAN

LAKE URMIA

دریای مازندران
CASPIAN SEA

AZERBAIJAN

Masary

تخت سلیمان
Takht-e Suleiman

مازندران
Mazandaran

• Tunng Tape

KURDISTAN

زنجان
Zanjan

گلستان
Golestan

کhorvin
Khorvin

تهران
Tehran

ری
Ray

دامغان
Damghan

تپه حصار
Tape Hesar

شهر قم
Shahr-e Qom

LURISTAN

Mehran

همدان
Hamadan

گودین تپه
Godin Tape

سرپل ذهاب
Sar-e Pol-e Zohab

کامنه‌شاه
Kamanshah

کنگاور
Kangavar

نوش‌جان
Nush-e Jan

ملایر
Malaier

ناهند
Nahavand

باباجان
Babajan

بویوند
Buyund

کروم آباد
Krom Abad

کhorshah
Khorshah

تپه سیک
Tape Siah

DASHT-I KAVIR

IRAQ

KHUZISTAN

تنگه سروکند
Tangeh Sarokand

شوش
Shush

سوسه
Suseh

هفت تپه
Hafte Tape

چوگه زار
Choghe Zarr

مسجد سلیمان
Masjed-e Suleiman

چهاربیل
Chaharbil

کورانگان
Korangan

تل ملیان
Tel-e Malyan

بهاپور
Behapur

FARS

بوشهر
Bushehr

فرودآباد
Fruzabad

پاسارگاد
Pasargadae

پرسپولیس
Persepolis

تخت جمشید
Takteh Jamshid

DASHT-I LUT

KERMAN

خیابان
Khyaban

کerman
Kerman

بهداد
Behdad

تپه یاریه
Tape Yariya

SAUDI ARABIA

خلیج فارس
PERSIAN GULF

BALUCHISTAN



اهداف رفتاری :

پس از پایان فصل از فراگیر انتظار می رود :

- ۱- جایگاه و اهمیت تمدن ایران را توضیح دهد.
- ۲- شاخص ترین مناطق باستان شناسی تمدن ایران را نام ببرد.
- ۳- ویژگی باستان شناسی تپه سیلک، مارلیک و لریستان را توصیف کند.
- ۴- هنر باستانی ایلام و ماد را شرح دهد.
- ۵- هنر دوره‌ی هخامنشی را توصیف کند.
- ۶- تفاوت‌های هنر اشکانیان را با هنر هخامنشی توضیح دهد.
- ۷- شباهت‌ها و تفاوت‌های هنر ساسانیان را با هنر هخامنشی و اشکانی شرح دهد.

هنر و تمدن ایران باستان

یکی از تمدن‌های بزرگ دوران باستان تمدن ایران است. این منطقه باستانی جغرافیای بزرگی با تنوع نژادی و قومیت‌های مختلف مهم‌ترین ارزش‌های هنری دوران باستان را تا به امروز به یادگار گذاشته است.

تاریخ فرهنگ و هنر ساکنان فلات ایران به دوران پارینه سنگی باز می‌گردد، اما شاخص‌ترین آثار به جا مانده در فلات ایران اغلب مربوط به دوران نوسنگی می‌باشد. سیر فرهنگ و تمدن با ساخت سفال در حدود اواخر هزاره نهم، اوایل هزاره هشتم قبل از میلاد در مناطق غربی ایران به ویژه کوه‌های زاگرس، لرستان و گنج دره هرسین (کرمانشاه) شروع شد.

پس از مدتی سفالینه‌های منقوش به شیوه دست‌ساز پدید آمد(در مناطقی چون تپه گوران، لرستان، علی‌کش دهلران). با اختراع چرخ سفالگری در اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم ق.م و پیشرفت فناوری پخت سفال که می‌توان نمونه‌هایی از سفالینه‌های منقوش با کیفیت مناسب را در کلیه مناطق فلات ایران تا حدود سه هزار سال پیش از میلاد با ویژگی‌های اختصاصی هر منطقه مشاهده کرد. شاخص‌ترین آثار از تپه سیلک در کاشان، تپه حصار دامغان، تل باکون فارس، شوش، تپه زاغه ی قزوین، چشمه علی ری به دست آمده است. اشکال و تزئینات این سفالینه‌ها بیشتر تزئینات هندسی و نقوش انسانی و جانوری است. نمونه‌های شهری فلات ایران به تاریخی بیش از هزاره چهارم قبل از میلاد می‌رسد. در این شهرها از لوح‌های گلی برای نگارش استفاده می‌شد که عمدتاً به صورت خطی و تصویری در ایلام قدیم و برخی مناطق از جمله تپه سیلک، شهر سوخته‌ی، گودین تپه و به طور مشخص در شوش دیده شده است.

در هزاره سوم قبل از میلاد تمدنی پر رونق در جنوب شرقی ایران (کرمان، شهداد، تپه یحیی، و تمدن دشت لوت) پدید آمد که ارتباطش با میان رودان (بین‌النهرین) کمتر و تبادلات فرهنگی و هنری اش با محدوده‌های بلخ جنوبی یا شمال افغانستان و شمال شرق فلات ایران بیشتر است. برجسته‌ترین اثر به دست آمده از این دوران پرچم مسی شهداد (تصویر ۱-۲) با نقش فردی نشسته بر تخت با مناظر پیرامون می‌باشد.

۱-۲- درفش مسی شهداد-اولین پرچم شناسایی شده ایرانی، این پرچم تاریخی که بر روی آن نقش درخواست آب از الهه باران حک شده مربوط به منطقه شهداد کرمان است. هزاره سوم ق.م، موزه ملی ایران

بیشترین آثار بدست آمده متعلق به مناطق باستانی تپه سیلک، گوران کرمانشاه، علی کش دهلران، گنج دره هرسین (کرمانشاه) است. در اینجا به شاخص ترین آنها که در جهان شناخته شده‌اند پرداخته می‌شود.

سیلک

تپه سیلک (تصویر ۲-۲) در شهر کاشان واقع شده است. قدمت آن به هزاره‌ی ششم ق. م باز می‌گردد.

در حفاری‌های سیلک شاهد قبرهایی هستیم که در آنها ظروف، اسلحه و جواهرات مفرغین همراه با جنازه‌ها دفن شده‌اند. در تپه سیلک کمتر به مصنوعات از طلا و نقره برمی‌خوریم. شهرت تپه سیلک بیشتر به واسطه کوزه‌ها و دیگر ظروف سفالین رنگین و منقوشی است که از حفاری‌های بدست آمده است (تصویر ۳-۲). تزئینات این ظروف یا هندسی، یا نقش جانوران تلفیقی و یا تلفیقی از هر دو است. زیبایی شکل و تناسب رعایت شده در ساخت ظروف واقعا قابل تحسین است. در رنگ آمیزی این ظروف از رنگ‌های سفید، خاکستری، طیف قرمز (از صورتی تا بنفش) استفاده شده است. هنرمندان سفالگر در رنگ آمیزی این ظروف گاهی از رنگ طبیعی گل یا سفال، که طوسی یا شیری یا قرمز بوده، بهره جسته‌اند. ترکیب نقوش جانوری و هندسی در این ظروف بسیار بدیع و زیباست.



۲-۲ دو خاکریز بزرگ باستانی تپه سیلک کاشان، حفار گریشمن ۱۳۱۵-۱۳۱۲- بین هزاره ۶ تا هزاره اول ق. م



۲-۳ پارچ دهانه نلودانی (ظروف منقاری) نقوش هندسی و حیوانی قرمز رنگ بر زمینه کرم، عصر آهن ۲ (۸۰۰-۱۰۰۰ ق.م) - تپه سیلک، بلندی ۱۹/۴ cm

سفالگری از جمله هنرهایی است که با زندگی روزمره مردم سروکار دارد و اساساً هنری مردمی است که ارزش آن را تنها باید در ذوق و حس زیبایی شناسی مردم یک تمدن جستجو کرد.

مارلیک (چراغعلی تپه ، اواخر هزاره دوم ق . م - اوایل هزاره اول ق . م)

منطقه‌ی مارلیک در دره گوهر رود (در شمال ایران، نزدیک سفیدرود) واقع شده است. بیشتر آثار مارلیک از دل قبرها کشف شده‌اند. ابعاد قبرها متفاوت است و کوچکترینشان ۱×۲ متر است و وسعت قبرهای بزرگ تا ۶×۵ متر هم می‌رسد. در قبرهای مارلیک (که عمدتاً آرامگاه سلاطین و بزرگان این منطقه بوده است) آثاری از جنس مفرغ، طلا، نقره (تصویر ۴-۲)، و سفال کشف شده است. عمده‌ی این آثار را جام‌ها، پیاله‌ها و تندیس‌های کوچک انسانی و جانوران تشکیل می‌دهند. زیورآلات کشف شده مارلیک شامل مهره‌های طلائی و تزئینات چهار حلقه‌ای می‌باشد.

از مقایسه آثار مکشوف از تپه سیلک با مصنوعات ساخته شده از طلا و نقره مارلیک، می‌توان احتمال داد که اهالی مارلیک متمول‌تر و مرفه‌تر از ساکنین سیلک بوده‌اند.



۵-۲ - ظرف پرداخت شده سفالی خاکستری به شکل گاونر کوهاندار (ورزاو)، تپه مارلیک اواخر هزاره دوم ق. م. ۱۶ cm



۴-۲ - جام نقره‌ای با نقش برجسته، اواخر هزاره دوم ق. م. نمایش اسبها در بالای حلقه وسط و حمله شیر بالدار به بز کوهی در پایین حلقه، مارلیک، بلندی ۱۴ cm

آثار منحصر بفرد و ویژه تپه مارلیک گاو کوهاندار (تصویر ۵-۲) است که سر آن به ناودان تبدیل شده و محل ریزش مایعات است.

لرستان

لرستان از مناطقی است که به واسطه کشف آثار مفرغین زیبا و استثنایی شهرت یافته است (صنعت مفرغ بین ۱۵۰۰ تا ۷۰۰ قبل از میلاد در لرستان رواج بسیار داشته است). بخش هایی از لرستان را دشت های سبز و وسیع تشکیل می دهد که مکان مناسبی برای پرورش اسب بوده و هست. ایلامی ها اسب های خود را از لرستان تأمین می کردند. در کنار پرورش اسب، ما شاهد آثار زیبایی هستیم که به نحوی با اسب های ورزیده لرستان مربوط می شوند (تصویر ۶-۲). انواع دهنه ها، پوزه بندها و دیگر تزئینات و یراق های سوارکاری از این جمله اند.

از مقبره های مکشوف در لرستان مقدار بسیار زیادی مفرغینه ی زیبا و گران بها کشف شده است که حیوانات موضوع اصلی آنها هستند که برخی به صورت موجودات افسانه ایی و گاهی با ویژگی های انسانی بیان شده اند. موضوع تکراری آنها عمدتاً بز و شیر است.

به غیر از تجهیزات اسب، انگشتر، مهر، خنجر و تبرزین نیز از این مقابر بدست آمده است. کشف این آثار از درون قبرها نشان می دهد که مردم لرستان در هزاره دوم و اول قبل از میلاد همراه اموات خود تجهیزاتی



۲-۶ - دهنه ی اسب ، بزهای بالدار مفرغی، لرستان ، سده ۱۰ تا ۷ قبل از میلاد

را نیز به خاک می سپردند. کثرت تعداد مفرغینه‌های مربوط به اسب، از جایگاه مهم این جانور در فرهنگ آن مردم حکایت دارد.

در تصویر (۷-۲) نمونه دیگری از مفرغینه‌های زیبای لرستان را مشاهده می‌کنید. با دقت در انحنای زیبای لبه تبرزین و ظرافتی که در تزئینات آن بکار رفته است معلوم می‌شود اثری چنین هنرمندانه قطعاً پشتوانه‌ی سنتی قوی، غنی و طولانی داشته است.

ایلام

ناحیه‌ای در بخش جنوب غربی ایران در هزاره سوم قبل از میلاد در سه دوره ایلام آغازین، میانه و جدید با مرکزیت شوش شکل گرفت. سیر تکاملی فرهنگی، هنری این تمدن به دلیل برخورداری از روش‌های مناسب آبیاری و کشت و پرورش گیاهان، شکوه و عظمت یافت. از دیگر شهرهای ایلامی می‌توان به انشان، هفت تپه و چغامیش اشاره کرد. اما شوش به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق باستانی تا دوره‌های بعدی نیز توانست همچنان رونق خود را حفظ کند.

نمونه‌هایی از آثار نوشتاری ایلام آغازین حدود سه هزار قبل از میلاد بدست آمده است. از نمونه‌های سفالینه‌های ایلام می‌توان به سفالینه‌های موسوم به کفتری (کیوتری) نخودی رنگ با تصاویر ردیفی پرندگان اشاره کرد که از تپه «هلپان» بدست آمده است. مهم‌ترین آثار فلزی شناخته شده ایلام پیکره مفرغی



۸-۲- مجسمه شاهزاده ناپیراسو، ایلام، ۱۳۰۰-۱۲۵۰ ق. م. مفرغ و مس، موزه لور پاریس



۷-۲- سر تبر مفرغی، لرستان، سده ۱۰ تا ۷ ق. م. بلندی ۲۰/۵ cm



۲-۹- معبد چغازنبیل، حفاری سالهای ۱۳۴۱-۱۳۳۰

«ناپیر آشو» (ناپیر آشو) (تصویر ۸-۲) همسر فرمانروا «اونتاش ناپیرشا» است که متعلق به سده ی سیزده قبل از میلاد می باشد.

شاخص ترین اثر معماری به جا مانده ایلامی معبد چغازنبیل (تصویر ۹-۲) که قدمت تقریبی آن به ۱۲۵۰ ق.م (حدود ۷۰۰ سال قبل از سلطه ی شاهنشاهی هخامنشی) باز می گردد. این اثر که از سوی یونسکو بعنوان یکی از مفاخر میراث فرهنگی جهانی به ثبت رسیده، گواه استواری بر قدرت و غنای فرهنگ کهن ایران است. زیگورات^۲ زیبا و با عظمت چغازنبیل بصورت برج پنج طبقه ساخته شده است.

این بنا در نزدیکی شهر شوش در استان خوزستان کنونی توسط اونتاش ناپیرشا (اونتاش گال) برای اینشوشیناک خدای شهر شوش ساخته شده است. بخشی از تزئینات ساختمانی این معبد را آجرهای لعابدار تشکیل می دهند. از دیگر آثار هنری ایلامی مهرهای استوانه ای لعابی و شیشه ای است (تصویر ۱۰-۲ و ۱۱-۲).



۲-۱۰- لوح نوشتاری سفالین دیواری لعابدار، چغازنبیل به نام فرمانروا اونتاش، ناپیرشا، سده ی ۱۴ ق.م. حدود ۳۷/۵ cm

ماد

حضور تاریخی مادها به سده نهم پیش از میلاد باز می گردد. آنها تیره ای از اقوام هندو اروپایی بودند که باعث اتحاد و هماهنگی ایران شدند. در سده هفتم قبل از میلاد گروه های گسترده ای از مادها پیرامون همدان کنونی (هگمتانه یا اکباتان) گرد آمدند، و پارسیان در سرزمین باستانی پارس^۳ مستقر شدند. و این دو قوم (مادی و پارسی) سرزمین گسترده ایران را پدید آوردند.

مادها در سال ۶۱۲ ق. م به رهبری کیاکزار همراه با اتحاد بابلی ها سرزمین آشوریان را در نیمرود و



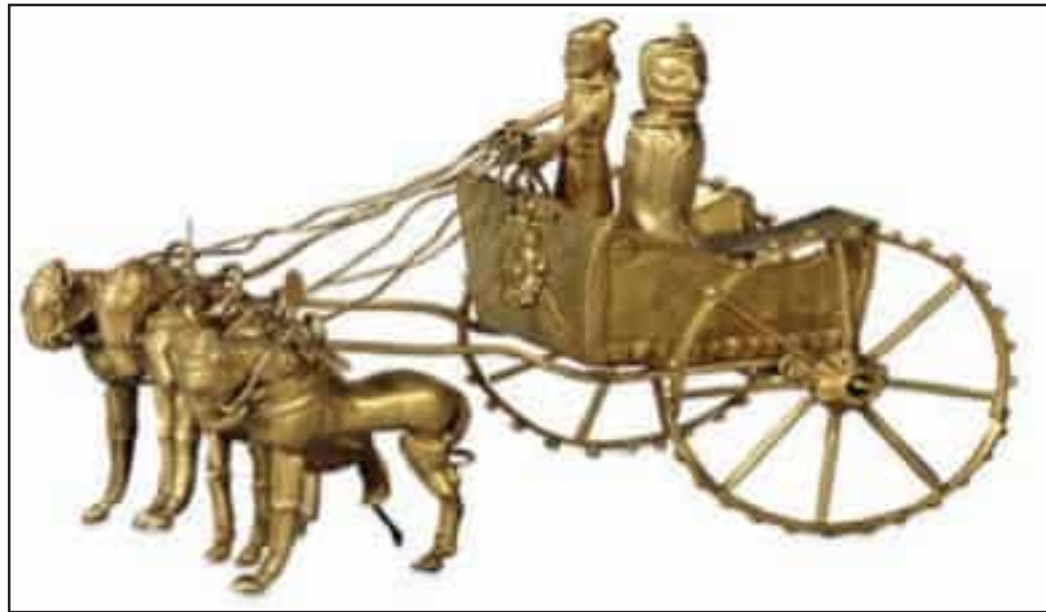
۲-۱۱- آویز از سنگ یمانی، آبی کمزنگ با کتیبه ایلامی، سده ی ۱۲ ق.م. ۴cm

۲. زیگورات برج های چند طبقه از خشت و آجر بصورت بناهای عظیم کوه مانند در تمدن ایلام و بین النهرین بوده است.

۳. پارسوا و پارسوماش

نینوا به تسخیر درآوردند و در حدود ۵۹۰ ق.م مادها بر نواحی شمال عراق کنونی مستقر شدند و توانستند تمامی سرزمین امپراتوری آشور را تحت تسلط خود درآورده و کلیه مناطق آناتولی تا مرکز فلات ایران را تحت نظارت خود درآورند. همچنین منطقه بلخ (افغانستان شمالی) تا حدود رودخانه جیحون (آمو دریا) را نیز تصرف کردند. از این رو در نیمه نخست سده ششم پیش از میلاد محدوده قلمرو مادها ناحیه وسیعی را در غرب از رودخانه هالیس (قزل ایرماق کنونی) در سرزمین لیدیه آسیای صغیر (ترکیه کنونی) تا شرق (جیحون) در بر گرفت.

مهم‌ترین آثار بدست آمده از گنجینه جیحون (تصویر ۱۲-۲) آثار طلایی است. از یافته‌های معماری مادها در مناطق همدان، ملایر (نوشی جان تپه) و کنگاور (گودین تپه) دیده شده است (تصویر ۱۳-۲). اولین سفالینه‌های منقوش و رنگین در فلات ایران نیز از دوران مادها بدست آمده است (تصویر ۱۴-۲).



۱۲-۲ - طرح ارابه طلایی با سربازان ماد، گنجینه جیحون، سده ۵ و ۴ ق.م. ۱۸/۸ cm



۱۴-۲ - کاشی گلی باباجان لرستان شامل ۱۷۶ عدد در کف تالار ۴۷ × ۱/۵



۱۳-۲ - چشم انداز منطقه مادنشین نوشی جان، شامل چهار ساختمان روی صخره

شاخص معماری ماد در خانه‌های کشف شده در هگمتانه، وجود کاخی در نوشی جان تپه و گور دخمه‌های "دکان داوود"، "داو دختر" (ممسنی فارس)، شیرین و فرهاد (سراب صحنه در راه همدان به کرمانشاه)، سکاوند (هرسین کرمانشاه)، قیزقاپان (سلیمانیه عراق) و فخریکا (شمال شرقی مهاباد) و ... است. در دست نبودن آثار مربوط به مادها و بقایای آنها شاید به دلیل تسلط یافتن هخامنشیان در دوران بعدی باشد که به لحاظ گستردگی و عظمت آنها را پوشش داده است.

پرسش

- ۱- قدیمی‌ترین آثار سفالی فلات ایران در چه مناطقی به دست آمده و شامل چه نقوشی است؟
- ۲- شهرت تپه‌ی سیلک به واسطه‌ی چه آثاری است؟ توضیح دهید.
- ۳- آثار به دست آمده از مارلیک را چه چیزهایی تشکیل می‌دهند و چه خصوصیتی دارند؟
- ۴- صنعت مفرغ در کدام منطقه رواج داشته است؟ آثار به دست آمده‌ی این منطقه دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۵- معبد چغازنبیل در کدام منطقه واقع شده و مربوط به چه تمدنی است؟ خصوصیات آن را بیان کنید.

هخامنشی

سرآغاز دوران هخامنشی به سال ۵۵۰ قبل از میلاد و با سرنگونی آخرین پادشاه ماد یعنی «آستیاک»^۴ شروع گردید. کوروش کبیر^۵ پس از به قدرت رسیدن در سالهای ۵۴۶-۵۴۷ قبل از میلاد سرزمین لیدیه و سارد را فتح نمود و از این رو بخش غربی آناتولی را نیز تحت تسلط خود قرار داد و در سال ۵۳۹ ق.م. سرزمین‌های میان رودان (بین‌النهرین) و بابل را فتح کرد و سپس سوریه و فلسطین امروزی به قلمرو پادشاهی هخامنشی اضافه شد و کمبوجیه دوم پسر بزرگ کوروش به مصر حمله و آن را نیز تصرف نمود. گستره عظیمی از سرزمین‌های مدیترانه تا شرق و از دریای سیاه تا سرزمین‌های بادیه نشین و صحرای جنوبی (صحرای عربستان) به تصرف کوروش درآمد و امپراتوری بزرگ ایران را پایه گذاری کرد. کوروش پایتخت خود را همهانگ با موقعیت پادشاهی‌اش در



تصویر ۱۵-۲- کاخ آپادانای کوروش، پاسارگاد، سده‌ی ۵ ق.م.

پاسارگاد^۶ بنا نهاد (تصویر ۱۵-۲).

۴. «آستیاک» (Astyages) آخرین پادشاه ماد، پدر ماندانا (مادر کوروش)

۵. کوروش پسر کمبوجیه اول

۶. پارسه گرد = اردوگاه پارسیان



۱۶-۲-نقش برجسته سنگی انسان بالدار
 پاسارگاد، سده ۵ ق.م

در پاسارگاد ساختمانهایی با قابلیت های متفاوت وجود دارد، شامل دروازه ورودی، دو کاخ کوچک و برج سنگی معروف به «زندان سلیمان» و سکوی سنگی بزرگی موسوم به «تل تخت» که به احتمال کاخی است که هیچگاه ساخته نشد و نقش انسان بالدار (تصویر ۱۶-۲) بر روی پایه سنگی با کتیبه هایی به زبان پارسی ایلامی و بابلی و بعدها مقبره کوروش به این مجموعه اضافه گردید (تصویر ۱۷-۲).

کاخ های موجود دارای راهروهای ستون دار و ایوانهایی در جوانب آن می باشد که میان آنها باغ وسیعی وجود داشته است. این باغ به واسطه روشی با مسیرهای سنگی آبیاری می شده که این نوع باغ سازی نمونه باغ های رسمی ایرانی می باشد که حتی تا دوران اسلامی تداوم داشته است. از دیگر آثار متعلق به این دوران کتیبه ی بیستون است که شرح حال دوران داریوش را ثبت کرده است (تصویر ۱۸-۲).

کتیبه های میخی دوران هخامنشی به سه خط «پارسی باستان»، «بابلی» و «ایلامی» نگاشته شده که شاخص آن را می توان در «پاسارگاد»، «بیستون» و «گنج نامه» در عباس آباد همدان مشاهده کرد (تصویر ۱۹-۲).



۱۷-۲- مقبره کوروش، پاسارگاد، سده ۵ ق.م.



۱۸-۲ نقش برجسته بیستون، فرمان داریوش در سال ۵۱۹-۵۲۰ ق. م و صحنه پیروزی بر گئومات، کوه بیستون نزدیک کرمانشاه، سده ۵ ق. م.



۱۹-۲ گنج نامه، کتیبه های سه زبانه پارسی باستان، ایلامی و بابلی، عباس آباد همدان، سده ۵ ق. م.

داریوش پس از کوروش شاهنشاهی هخامنشی را با فتح هندوستان از دره سند تا شمال دریای سیاه گسترش داد.

تجارت دریایی و کشتیرانی، ضرب سکه (تصویر ۲۰-۲)، کاربرد خط میخی الفبایی بر روی کتیبه‌ها ساخت کانال سوئز (ایجاد مسیر کانالی در مصر بین دریای سرخ و نیل)، ساخت اولین جاده شاهی (بزرگراهی از شوش تا سارد) از اقدامات مهم دوران داریوش است (تصویر ۲۱-۲).



۲۰-۲- سکه‌های هخامنشی، دوران داریوش
سده ۵ ق. م



۲۱-۲- مسیر جاده شاهی در قلمرو حکومت هخامنشی

در این دوره هخامنشیان چهار پایتخت داشتند : پاسارگاد ، شوش ، بابل و هگمتانه . آثار شاخص این دوره کاخ آپادانای شوش و کاخ تخت جمشید و مجموعه نقش رستم^۷ است.

مهمترین و وسیعترین اطلاعات ما نسبت به معماری هخامنشیان از کاخ پارسه یا تخت جمشید (پرسپولیس) به دست آمده است (تصویر ۲۲-۲). این کاخ در سال های ۵۲۰ تا ۴۶۰ ق.م در زمان زمامداری داریوش و خشایار شاه بنا گردید . از ویژگی های بارز معماری تخت جمشید استفاده از ستون های تنومند و بلند است. محوطه کاخ مشتمل بر چند تالار پذیرایی، از جمله تالار آپادانا و تالار تاجگذاری که به آن تالار صد ستون هم گفته می شود. تالار آپادانا مکانی مربع شکل که جمعاً ۷۲ ستون سنگی با بلندی هر ستون از پایه تا سر ستون حدود ۲۱/۸ متر است (تصویر ۲۳-۲). پایه ی ستون های به کار رفته در این کاخ یا چهار گوش است یا مدور (تصویر ۲۴-۲). که ستون های کنگره دار و سر ستونی عظیم آنها را حمل می کنند

بر فراز همه اینها تاج (به شکل دو جانور پشت به پشت) محل اتصال تیرکهای افقی است که این تیرهای چوبی را بر فرورفتگی زمین مانند پشت خود حمل می کرده اند. مشابه همین ستون بندی و معماری را می توان در کاخ شوش نیز مشاهده کرد (تصویر ۲۵-۲).

کاخ تخت جمشید بر روی صفا ای مرتفع واقع شده است. تنها راه ورود به تالارهای تخت جمشید ورود از جبهه ی غربی صفا است. در آنجا در دل بدنه های مزین به نقش برجسته سربازان، دو رشته پلکان و پاگرد روبروی هم قرار دارند. عرض این پله ها ۷ متر و بلندی هر پله که تعداد آنها در هر طرف به ۱۱۱ می رسد، تنها ۱۰ سانتی متر می باشد (تصویر ۲۶-۲).

۷. در نقش رستم مقابر ۴ پادشاه هخامنشی داریوش کبیر . خشایار شاه . اردشیر اول و داریوش دوم و کعبه زرتشت وجود دارند .



۲۲- چشم انداز کلی تخت جمشید، از طرف کوه رحمت در شرق ، سده ی ۵ ق.م.



۲۳- نمای جانبی تخت جمشید ، پلکان شرقی و بارگاه ملاقات رسمی آپادانا ، کاخ داریوش ، سده ی ۵ ق.م.



۲۴- طرح پایه ستون های آپادانا



۲-۲۵- سرستون سنگی با نیم تنه دو سر گاو ، حفاری شده در سال ۱۸۵۲، تالار آپادانا در شوش



۲-۲۶- نقش برجسته تخت جمشید همراه با نمایش پلکان ورودی جناح جنوبی سمت شرق آپادانا در تخت جمشید

گفتنی است که معماری هخامنشیان دارای عناصر متعددی است که از سنت معماری آشوری، بابلی و مصری اخذ گردیده است که همراه با ویژگی های مختص پارسی هنری با شکوه را پدید آورده است. در این دوره خبری از زیگورات ها و معابد نیست بلکه اوج خلاقیت را در قالب معماری کاخ ها می بینیم. ممکن است این تردید ایجاد شود که اساساً مردم در دوران هخامنشی اعتقادات محکم مذهبی نداشته اند و اینکه گرایشات دنیوی موجب گشته که اثری از معابد و پرستشگاهها باقی نماند. در تبیین این دو موضوع باید یادآوری کنیم که مردم ایران باستان پارسی مذهب بودند. پارسیان پابند تعالیم زرتشت بوده، اعتقادات دینی شان با ادیان بین النهرین (میان رودان) تفاوت داشت.

زرتشتیان پهنه ی عالم را صحنه جدال میان روشنایی (خیر) و تاریکی (شر) می دانند و به واسطه پاس داشتن نیکی و خیر و نور، «آتش» را که نمادی از این صفات و مظهر اهورا مزداست نیایش می کرده اند. از آنجا که آیین نیایش اهورا مزدا در آتشگاه های روباز صورت می گرفته، لذا از پارسیان باستان، کمتر معماری دینی به جای مانده است.

مضمون کتیبه های تخت جمشید نیز همگی از حضور روح دینی و تکیه بر اهورا مزدا در انجام امور مملکتی حکایت می کند. بهترین نمونه هنر حجاری هخامنشی را می توان در نقش برجسته های سنگی تخت جمشید جستجو کرد. بدنه دیوارها و ایوان های این کاخ با نقش برجسته هایی تزئین یافته که تصاویر سپاهیان شاهی و اشراف «پارس» و «ماد» را نشان می دهد. این



۲۷-۲-نقش برجسته کاخ آپادانا

همان مسیری است که میهمانان خاص خارجی و داخلی از طریق آن بار می یافتند و هدایای خود را به پیشگاه پادشاه تقدیم می کردند. مطالعه ی مجموع این نقش برجسته ها ما را از کیفیت جشن های برگزار شده در این کاخ، که قطعاً «نوروز» (عید کهن ایرانیان) مهمترین آنها بوده، آگاه می سازد (تصویر ۲۷-۲). هنر حجاری این دوره آمیزه ای است از قدرت، وقار و ظرافت، همراه با تجربیات هنری اعصار قبل که به مرتبه ای از کمال رسیده اند. ظرافت در پرداخت جزئیات در این آثار به چشم می خورد. نشان دادن



چین لباس و افت پارچه نیز از مواردی است که هنرمندان هخامنشی به آن پرداخته اند. در نقش برجسته ی تاج گذاری داریوش (تصویر ۲۸-۲) نظم و وقار نه تنها در شیوهی نشستن داریوش و ایستادن خشاریار شا (در پشت او) آشکار است بلکه این انضباط را می توان در چین و افت لباسها نیز مشاهده کرد که در عین نظم، نرمی و لطافت خود را حتی در ناحیه ای که دستها و بازوان را پوشش داده اند، حفظ کرده اند.

جانوران در آثار هنری ایران باستان جایگاه ویژه داشته اند. در میان جانورانی که موضوع آثار هنری هخامنشی قرار گرفته اند «شیر»، «بز» و «گاو» از همه مهمترند، شیوه نمایش جانوران در تخت جمشید، در خور تحسین است.

تصویر ۲۹-۲ منظره ای است از نبرد شیر و گاو که بر دیوار پلکان شرقی آپادانا نقش بسته است. طراح این نقش برجسته در عین آگاهی کامل از کالبد شناسی این دو جانور، با استادی خلاقانه ای مبادرت به تفکیک و ساده نمودن اجزای تصویرپرداخته است. از سوی دیگر با افزودن عناصر تزئینی ظریف و پرکار (مثل یال شیر و موهای منظم و حلقه شده ی دور گردن و زیر شکم گاو)، توازنی چشم نواز و با شعور پدید آورده است.

۲۸-۲- منظره تاجگذاری داریوش بر یکی از دروازه های تخت جمشید



۲۹-۲- نبرد شیر با گاو، پلکان شرقی کاخ آپادانا، تخت جمشید

خلاقیت، هنر و دانش کالبد شناسی، هنرمندان هخامنشی را در پدید آوردن نقوش بدیعی از جانوران اساطیری یاری نموده است که نمونه ای از آن را در (تصویر ۳۰-۲) مشاهده می کنیم. نقش این موجودات اساطیری راه می توان بر سر ستونها، نقش برجسته های دقیق (تصویر ۳۱-۲) و همچنین در قالب نگهبانان عظیم الجثه دروازه های کاخ (تصویری ۳۲-۲) یافت.

هنر حجاری ایرانی از مرز ایران نیز فراتر رفت و موجب ظهور آثاری گشت که امروز هم از شهرت بسیار برخوردارند. از آن جمله است ستون معروف سرنات که در عهد امپراتور آشوکا، در هند بنا گردید و امروزه به عنوان سمبل دولت هند، نقش آن در همه جای این کشور پهناور آذین بخش مدارک رسمی دولتی، اسکناسها و سکه های رایج هند است.

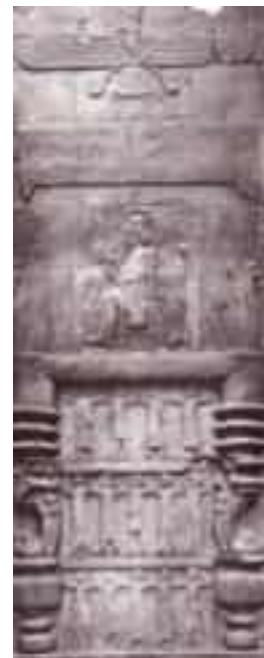
باید اعتراف کنیم که در بیان قدرت، ظرافت و خلاقیت هنری ایرانیان باستان آثار سنگی که عمدتاً به عنوان بخشی از معماری محسوب می شوند، نمی توانند کاملاً گویا باشند. این آثار که تاثیرات فرسایشی باد و باران و آفتاب و سرما و گرما را در طی قرون و اعصار بر تن خود تحمل کرده اند، امروز دارای طراوت و ظرافت اولیه خود نیستند. اما خوشبختانه آثار دستی بسیاری به دست ما رسیده که بیانگر اوج دقت، ظرافت و هنر آن دوران است. از دیگر آثار بدست آمده می توان به ظروف، اشیای تزئینی و زیورآلات اشاره نمود. (تصاویر ۳۳-۲ تا ۳۶-۲)



۳۰-۲- نبرد با یک جانور اساطیری - بخشی از نقش برجسته کاخ داریوش تخت جمشید، بلندی ۲۶۰ cm - سنگ آهک



۲۲-۲- نمای دروازه ورودی کاخ خشایارشا، تخت جمشید



۳۱-۲- نقش برجسته، کاخ داریوش، تخت جمشید



۲-۳۴- جام نقره ای با روکش طلا ، بلندی ۲۵cm ، هخامنشی
موزه ویکتور یا آلبرت



۲-۳۳- دستنبد طلا سدهی ۵ ق.م. هخامنشی ، موزه ویکتور یا آلبرت



۲-۳۶- بز بالدار (دسته کوزه) از جنس مفرغ و طلا
موزه لوور پاریس



۲-۳۵- کاسه نقره با کتیبه میخی پارسی باستان ، اردشیر اول (۴۲۴-۴۶۵ ق.م) قطر
۲۹cm

اشکانیان

بین سالهای ۲۳۸ ق. م تا حدود ۲۳۴ ق. م جریانات خاصی در ایران و آسیای غربی با هجوم قوای نظامی یونانی پدید آمد که دوران ویران‌گری و تخریب آثار علمی و فرهنگی و نابود شدن آثار و مراکز مهم دوران هخامنشیان می‌باشد. از این رو این مناطق بدست دولت‌های محلی با گرایش‌های یونانی‌گری اداره می‌شد هر چند که تقسیمات اداری شاهنشاهی هخامنشی و ساتراپ‌نشین‌ها^۸ همچنان حفظ شده بود که هدف آن ایجاد نوعی فرهنگ آمیخته و تلفیقی ایرانی یونانی با طبقه حاکم ایران بوده است. این دوره در ایران به نام دوره سلوکی شهرت یافته است.

آثار محدودی از تأثیر هنر یونان در این زمان در دسترس است که می‌توان به پیکره هرکول در بیستون (تصویر ۳۷-۲)، معبد خورهه در محلات و پرستشگاه شمی در ایذه خوزستان که از نمونه‌های بارز آن است اشاره کرد.



۳۷-۲- هرکول خوابیده، سنگ، کوه بیستون، دوره سلوکی، سده‌ی سوم ق.م.

۸. ایالت‌نشین قدیم ایران

در حدود سال ۲۳۸ ق. م طی جدال در سیطره قلمرو ایران ارشک توانست قدرت ساتراپ نشین پارت^۹ را در شرق دریای خزر بدست گیرد. ارشک بنیان گذار سلسله پادشاهی اشکانیان یا پارتیان است که تمامی مناطق گستره‌های فرهنگ یونانی‌گری (سلوکیان) را بدست آورد.

تابوت‌های سفالین (تصویر ۳۸-۲)، ایجاد خط و زبان فارسی میانه (اوستایی و پهلوی)، ضرب سکه‌های اشکانی، آثاری از جنس عاج، معبد سازی (معبد آناهیتا) (تصویر ۳۹-۲)، پیکره های مفرغین بزرگ (از معبد شمی) (تصویر ۴۰-۲)، شیوه دوخت پوشاک به دو صورت پاجامه و تن جامه، روش شهرسازی دایره ای، ایجاد طاق و قوس و ساخت ایوان در معماری، استفاده از ملات سنگ، گچ و گچ کاری در تزئینات (در قلعه یزدگرد در قصر شیرین)، اولین نقاشی دیواری کوه خواجه در سیستان (تصویر ۴۱-۲) و دورا اوروپوس در سوریه، شیشه، جواهر سازی (تصویر ۴۲-۲) و ... همگی از هنرهای مهم دوران اشکانیان به حساب می آیند.



۳۸-۲ - تابوت سفالی لعابدان (اوروک)، دوره اشکانی، سده اول و دوم میلادی، ۱۹۶cm



تصویر ۴۰-۲ - پیکره مفرغی، دوره اشکانی از معبد شمی، سده دوم میلادی



۳۹-۲ - ستونهای معبد آناهیتا، اشکانی - ساسانی، کنگاور، سده اول تا سوم میلادی

۹. پارت نام یکی از اقوام ایرانی ساکن شمال شرقی ایران است. نام ایالت پرسوه در کتیبه های بیستون و نقش رستم به چشم می خورد. آنها که قومی چادر نشین و بیابانگرد در زمان هخامنشیان هستند از قدرت و اهمیت چندانی برخوردار نبوده اند.



۴۱-۲- نقاشی دیواری ، شاهزادگان ، کوه خواجه ، دوره اشکانی ، سده‌ی اول میلادی



۴۲-۲- جواهرات طلایی دوره اشکانی ، کشف ۱۹۱۱-۱۹۱۰ ، نهبوند ، سده‌ی اول و دوم میلادی

ساسانی

در سال ۲۲۴ میلادی آخرین پادشاه اشکانی اردوان چهارم مغلوب اردشیر ساسانی شد. سلسله ساسانی

وارث یکی از سه امپراتوری بزرگ دوره خود بود. این سه امپراتوری عبارت بودند از امپراتوریهای ایران، چین و روم. این سه قدرت در عین رقابت، با پیوندهای تجاری استواری به هم مرتبط بودند از طریق همین پیوندهای تجاری پایه‌ی تبادلات فکری، اعتقادات دینی و آفرینش‌های هنری نیز بنا نهاده شد و این به معنی ارتباط وسیع و عمیق شرق و غرب بود. البته، این روابط چندان دوستانه هم نبود و گاه به درگیری‌هایی هم منجر می‌شد. منابع تاریخی و آثار هنری به جنگ‌های ایران و روم در این عهد اشاره دارند (تصویر ۴۳-۲). این درگیریها گرچه به منظور دفع نفوذ و تسلط غرب بر ایران بود، اما در خلال همین نزاع‌ها ما شاهد تأثیرات فرهنگی و هنری دو طرف بر یکدیگر هستیم. در تصویر (۴۴-۲) قدرت و سلطه‌ی شاپور اول، پادشاه ساسانی بر رومیان نشان داده شده است.

هنگامی که نقش برجسته‌های ساسانی را با آثار مشابه هخامنشی مقایسه می‌کنیم درمی‌یابیم که وجه نمادین هنر هخامنشی بیشتر ترکیب اجزای بدن، نوع ایستادن و نشستن آن هم به صورت رسمی‌تر و ایستاتر است. در نقش برجسته‌های ساسانی نمادگرایی کاهش می‌یابد و در عوض واقع‌گرایی بسیار تقویت می‌شود، حرکات



۴۳-۲- نقش برجسته صخره‌ای در بیشاپور (تنگ چوگان)



۴۴-۲- پیروزی شاپور اول بر والرین، نقش رستم، سده‌ی سوم میلادی

طبیعی تر می‌شوند و موجودات (انسانها و جانوران)، که در نقش برجسته‌های هخامنشی حالتی اسطوره‌ای و فوق طبیعی داشتند، در آثار ساسانی زمینی‌تر و ملموس‌تر می‌شوند.

با مشاهده تصاویر (۲-۴۴ و ۲-۴۵) می‌بینیم که اسب‌ها در عین اینکه قدرت عضلانی اغراق آمیزی دارند، کاملاً واقعی و طبیعی به نظر می‌رسند. درمقایسه با تصویر (۲-۴۶) نمایش ویژگیهای جسمانی گاو و شتر، با وجود اینکه تناسبات طبیعی رعایت شده است، حالت وقار و نوعی رسمی بودن آیینی دیده می‌شود. حالتی که در آثار مشابه ساسانی بسیار کمرنگ شده و جای خود را به تحرکات و نمایش‌های واقع‌گرایانه داده است.



۲-۴۵- نقش برجسته صخره ای ساسانی، بخشی از اثر، بیشاپور (تنگ چوگان)

توضیح این که گرایش به نمایش طبیعی موجودات

در آثار هنری بخصوص در هنر یونان و پس از آن روم (که وارث هنر و تمدن یونانی بود) رواج بسیار داشت و ما این تأثیرات را در هنر ساسانی تا حدی شاهد هستیم. همچنین گرایش به واقع‌نمایی در شیوه‌ی ارائه انسان‌ها نیز دیده می‌شود (تصویر ۲-۴۷).

در نقش برجسته‌های فراز طاق بستان (تصویر ۲-۴۸) تصاویر فرشته‌های بالدار دو سوی آن تجانس خاصی با آثار مسیحی رومی دارند. از دیگر آثار باقی مانده از دوره ساسانی گچ‌بری می‌باشد که با نقوش تزئینی به جای مانده است (تصویر ۲-۴۹).

هنر معماری را در عهد ساسانی می‌توان در بقایای کاخ‌های بجا مانده از آن عصر نیز مشاهده کرد. کاخ اردشیر (فیروزآباد) (تصویر ۲-۵۰) کاخ بیشاپور (نزدیک کازرون، فارس)، طاق کسری یا کاخ تیسفون (در عراق کنونی) (تصویر ۲-۵۱)، عمارت خسرو واقع در قصر شیرین (تصویر ۲-۵۲) نمونه‌هایی از این آثار هستند. تزئینات داخلی بسیاری از کاخ‌های ساسانی را لوحه‌هایی از ملات گچ و موزاییک (تصویر ۲-۵۲) تشکیل می‌دهند.



۲-۴۶- نقش برجسته، تخت جمشید، دوره هخامنشی، سده پنجم قبل از میلاد

دیگر آثار هنری ساسانی را ظروف (تصویر ۲-۵۳)، مهرها و سکه‌های بجای مانده تشکیل می‌دهند (تصویر ۲-۵۴). نقوش روی این آثار حاوی اطلاعاتی در مورد شرایط اجتماعی، نوع پوشش و آداب و رسوم آن عهد است. مثلاً تنها تماشای تصویر (۲-۵۳)، بر دانش ما نسبت به نوع تاج، لباس، اسلحه (کمان، شمشیر، ترکش) و تزئینات



۲-۴۸- طرح نقش برجسته طاق بستان ، دوره ساسانی ، سده ششم میلادی



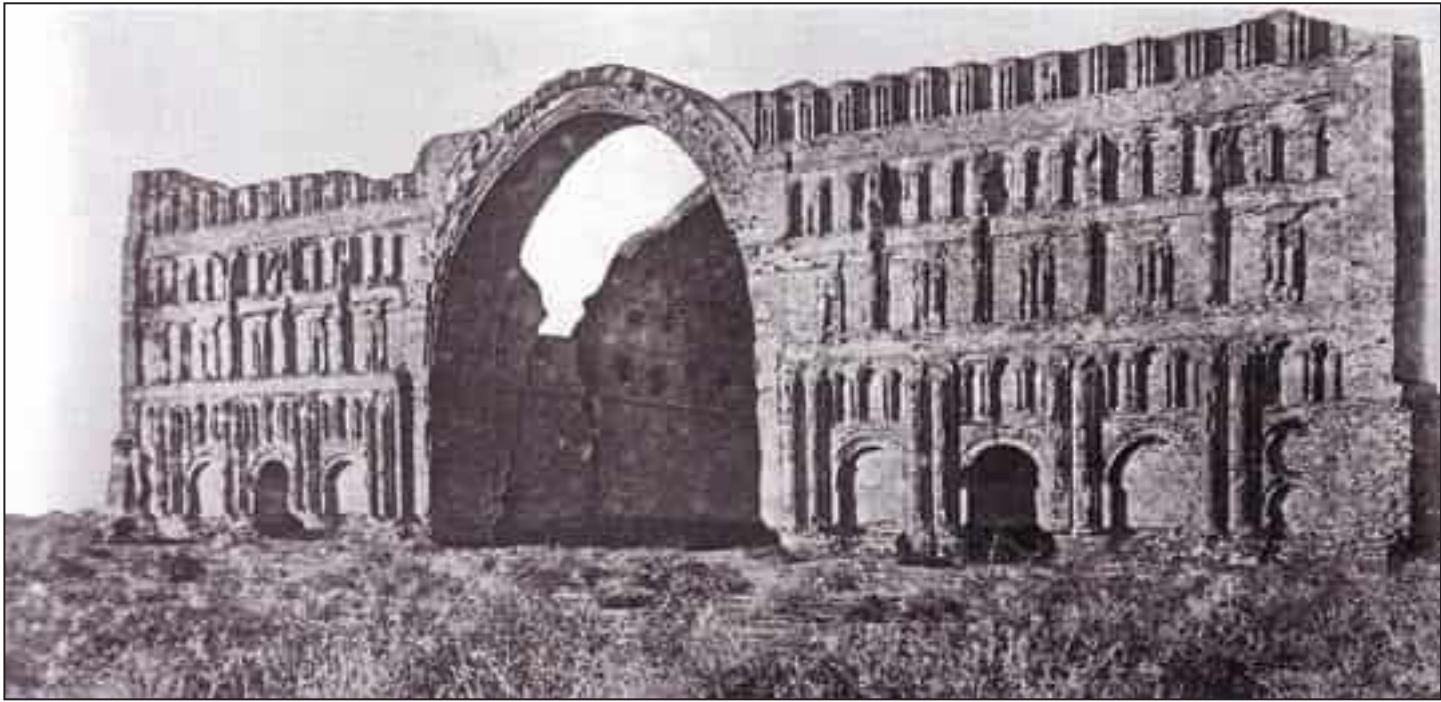
۲-۴۷- سردیس ، شاپور دوم ، دوره ساسانی



۲-۵۰- کاخ اردشیر ، فیروز آباد ، سده سوم میلادی



۲-۴۹- لوح گچی قالب ریزی شده ، اواخر دوره ساسانی یا اوایل دوره اسلامی ، سده هفتم یا هشتم میلادی ، چال ترخان ، ری



۵۱-۲- طاق کسری ، ایوان مداین ، تیسفون ، دوره ساسانی



۵۲-۲- تزئینات موزائیک ، کاخ بیشاپور ، دوره ساسانی



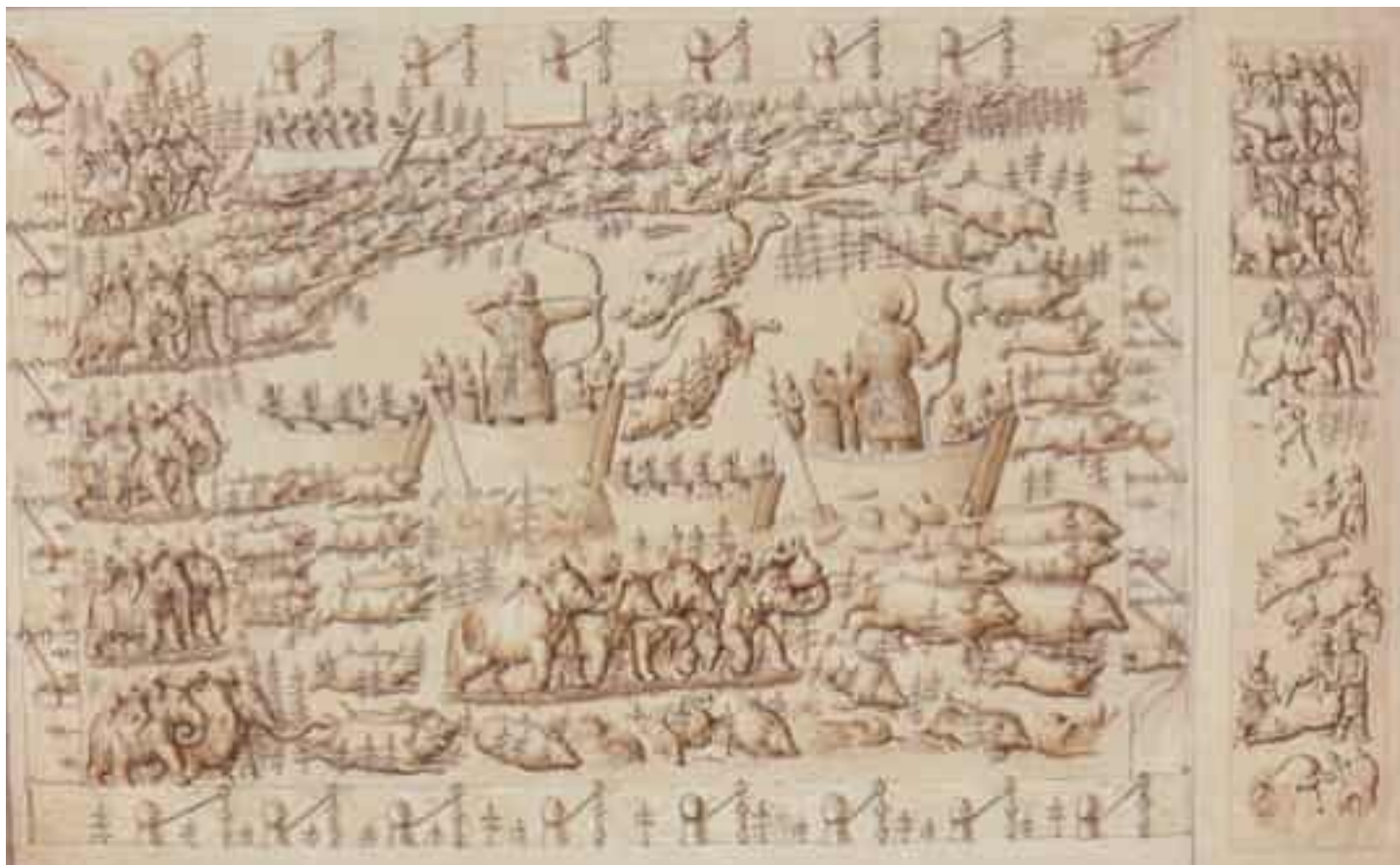
۵۳-۲- بشقاب های نقره ای بهرام پنجم (شکار شیر) و شاپور دوم (شکار گوزن) ، دوره ساسانی



۵۴-۲- سکه های نقره ای ساسانی ، اردشیر اول (سده دوم میلادی) ، بهرام پنجم (سده پنجم میلادی) ، یزدگرد سوم (سده هفتم میلادی)

اسب در عهد ساسانیان می‌افزاید. هنگامی که این تصویر را با تصویر (۲-۵۵) مقایسه می‌کنیم درمی‌یابیم که شکار، خصوصاً شکار گراز، از ورزشها و تفریحات مورد علاقه‌ی پادشاهان ساسانی به شمار می‌رفته است. مهرها و گچبری‌های ساسانی آثار ارزنده‌ای هستند که شکل‌های انتزاعی و نمادینی را در بردارند که تا امروز نیز در هنر معاصر تاثیر گذاشته‌اند (تصویر ۵۶-۲).

این شباهتها و تفاوتها برای بیننده‌ی هوشیار حکایت از این واقعیت دارد که هنر و فرهنگ پدیده‌های زنده هستند و هویت انسان را تشکیل می‌دهد.



۲-۵۵- طرح صحنه شکار گاه، نقش برجسته اطراف طاق بستان، کرمانشاه، دوره ساسانی



۵۶-۲- کاشی لعابداری، تکیه معاون الملک، کرمانشاه، اواخر سده سیزدهم هجری

پرسش

- ۱- مجموعه پاسارگاد شامل چه بناهایی است؟ توضیح دهید.
- ۲- اقدامات مهم دوران داریوش را ذکر کنید.
- ۳- مذهب هخامنشیان چه بوده و چرا از آن دوران بناهای مذهبی به جای نمانده است؟
- ۴- حجاری های هخامنشی دارای چه ویژگی هایی است؟
- ۵- دوره ی سلوکی چگونه شکل گرفت؟ دو نمونه از آثار این دوره را نام ببرید.
- ۶- مهم ترین هنرهای دوران اشکانی را نام ببرید.
- ۷- در چه دورانی تأثیرات فرهنگی و هنری بین امپراتوری ایران، چین و روم صورت گرفت؟
- ۸- ابتدا تصاویر نقش برجسته های ساسانی را گرد آوری و سپس در کلاس راجع به تفاوت نقش آنها بحث کنید.
- ۹- با بررسی نقوش ثبت شده در دوران ساسانی چه اطلاعاتی می توان بدست آورد؟

فصل سوم هنر و تمدن میان رودان



هخامنشیان

ح ۵۳۹ ق. م

بابل نوین

ح ۷۰۰ ق. م

آشور - هیتی ها

ح ۱۶۰۰ ق. م

بابل

ح ۱۸۰۰ ق. م

سومر جدید

ح ۲۲۰۰ ق. م

اکد

ح ۲۴۰۰ ق. م

سومریان

ح ۴۰۰۰ ق. م

دوران نوسنگی



هنر و تمدن میان رودان (بین النهرین) فصل سوم



اهداف رفتاری :

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می رود :

- ۱- جایگاه و اهمیت میان رودان (بین النهرین) را به منزله ی خاستگاه تمدن بشری توضیح دهد.
- ۲- جلوه های هنری این تمدن را اعم از معماری و پیکر تراشی شرح دهد.
- ۳- نقش اعتقادات را در شکل گیری آثار هنری این تمدن تجزیه و تحلیل کند.
- ۴- آثار هنری دولت شهرهای سومر، اکد، اور، بابل، آشور، بابل نوین و هیتی ها را به اختصار توضیح دهد.

هنر و تمدن میان رودان (بین النهرین)

بین سالهای ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م در سرزمینی هموار و حاصل خیز در میان دو رود دجله و فرات تمدنی پدید آمد که «میان رودان» یا «بین النهرین» نام گرفت. این منطقه از جنوب به شمال - از خلیج فارس تا کوه های ارمنستان و از شرق به غرب - از فلات ایران تا صحرای شام امتداد دارد. نواحی مرکزی میان رودان روزگاری به واسطه وجود شبکه بسیار وسیع و غنی آبهای طبیعی بسیار حاصلخیز بوده است لیکن پس از سپری شدن هزاران سال و تغییرات جوی و جغرافیایی، اکنون اغلب زمینهای این منطقه بایر و کم آب است.

نخستین مهاجران و اولین جوامع تشکل یافته با عنوان سومریان شناخته شده‌اند که نخستین دولت‌شهرها را پدید آورده‌اند. ابداع خط میخی، ایجاد مدارس، حکومت ملی (دموکراسی)، به کارگیری گنبد و قوس همگی از این دوران سرچشمه می‌گیرد.

به مدت هزار سال سومریان دولت غالب در منطقه بوده‌اند، با این حال دولت‌های بعدی سومر جدید، بابل، آشور و ایران نیز به این نواحی سلطه یافتند. از این تمدن تعدادی مقبره، تندیس و آثاری در اور کشف شده است.

در «میان رودان» به دلیل نبود سنگ و مصالح ساختمانی مناسب، عموماً از خشت و آجر استفاده می‌شده و به همین جهت در حال حاضر چیز زیادی جز پی ساختمان‌ها بر جای نمانده است.

سومریان خدایان متعددی را پرستش می‌کردند و هر شهر خدای مستقل خود را داشت و فرمانروایان انسانی مردم را برای خدمت به این خدایان رهبری می‌کردند. سومریان در این منطقه که فاقد بلندی یا ارتفاعات بود، بناهای کوه ماندی را با آجر و خشت می‌ساختند. همان ساختمانهای عظیم الجثه و برج مانند چند طبقه که به «زیگورات» مشهور شده‌اند. این برج چند طبقه یا معبد، مرکز مهم مذهبی و زندگی شهری بود و همه عناصر شهری دیگر در اطراف آن قرار داشت. زیگورات اور (وارکا: الورقا) (تصویر ۱-۳) یکی از این نمونه‌ها می‌باشد.



۱-۳- زیگورات اور، نمای پلکان شمالی، عراق ۲۱۰۰ قبل از میلاد



۲-۳- کتیبه و نقش برجسته ی سنگی با
پیکره های شماش (خدای خورشید)، بابل
سده نهم قبل از میلاد

در مطالعات تاریخ جهان باستان مکرر به منابعی برمی خوریم که از میان رودان به عنوان یکی از خاستگاه های تمدن بشری یاد کرده اند. این عقیده مبتنی بر قراینی است که در زیر به چند نمونه آن اشاره می شود.

الف - ابتدایی ترین و بهترین آثار کهن بدست آمده از کشاورزی نظام یافته، که نشانه ی زندگی گروهی و اجتماعی بشری است در این منطقه یافت شده است.

ب - ابزارسازی و دانش استفاده از فلزات از عواملی است که بنیان اقتصادی و توان فنی جوامع اولیه را نشان می دهد. سومری ها از اولین اقوامی بوده اند که به فن استفاده از فلزات آگاهی داشتند.

ج - خط و نوشته را شاید بتوان مهمترین اختراع بشری در طول تاریخ دانست چرا که نوشته ها مجرای انتقال اطلاعات و ثبت و ضبط تاریخ هستند. از سوی دیگر ظهور خط در یک جامعه کهن، نشان از رشد فکری و علمی و فرهنگی مردم آن اجتماع است. سومریان با اختراع «خط میخی» دوره ای را آغاز کردند که به عنوان «آغاز خط نویسی» شهرت دارد (حدود ۳۰۰۰ تا ۲۵۰۰ ق.م). خط میخی رواج خود را تا هزاره اول قبل از میلاد همچنان حفظ کرد (تصویر ۲-۳).

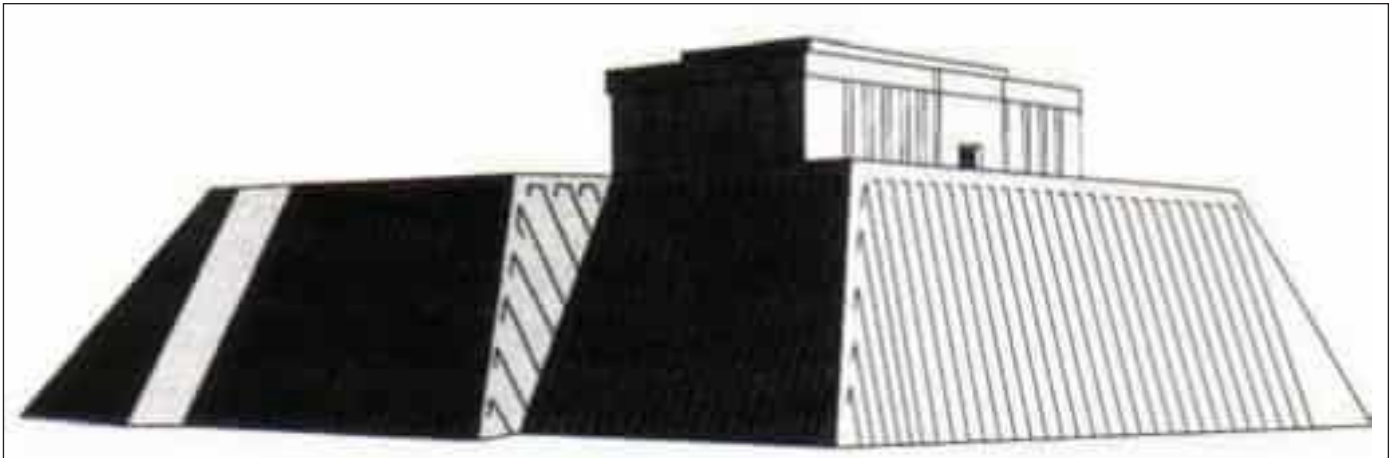
د - وجود شهرهای مستقل که از آنها با نام دولت شهر یاد می شود، نشانی از قدرت سیاسی و مدیریت شهری بوده است. در این منطقه انتقال از زندگی و اقتصاد ساده کشاورزی و روستایی به نظام پیچیده زیست و اقتصاد متمرکز شهری به سرعت انجام شد. از این رو میان رودان بستر جوامعی شد که نام «تمدن» (شهرنشینی) را شایسته ی خود ساخت. البته می توان شکل گیری سریع شهرهای میان رودان را، که اغلب دارای استحکامات و برج و بارو در اطراف شهر بوده، نتیجه ی اوضاع خاص سیاسی و تهاجمات مکرر نظامی دانست که از ویژگی های اجتماعی تاریخ این تمدن است.

سومر

دولت شهرهای سومری، قدرت خود را از خدای شهر و منتخب او می دانستند و پادشاهان، نماینده خدا بر روی زمین و پاسداران خزاین او محسوب می شدند. در ادیان سومری نوعی اتصال و هماهنگی میان دین و دنیا- یا به عبارت دیگر اقتصاد و معنویت - وجود داشته است. این ویژگی با شرایط خاص اجتماعی میان رودان ارتباط داشت. زیرا میان رودان بر خلاف همتای معاصر خود یعنی مصر (که تاریخی آرام و ساکن داشت) همواره در افت و خیزهای نظامی و سیاسی بود. برج و بارو و استحکامات شهرها از همین امر حکایت می کنند.

کاهنان و خدمه ی معابد، ضمن اجرای آئین ها و مناسک دین، مسؤول تنظیم و کتابت مخارج شهر

و داراییهای خداوند شهر بوده‌اند. مکتوبات بدست آمده از این دست در زمره نخستین نمونه‌هایی است که «خط» به خدمت حساسی و ثبت جزئی‌ترین پرداخت‌ها، دریافت‌ها و موجودی انبارها درآمده است. قدمت زیگورات‌ها نیز به حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد بازمی‌گردد. معبد سفید واقع در اوروک (تصویر ۳-۳) نمونه‌ای از این معابد است که نسبت به اهرام مصر قدمت بیشتری دارد. مصالح بنای زیگورات خشت خام بود و به همین دلیل در قیاس با معابد سنگی و آجری مصر دوام کمتری داشته است. اما صرف نظر از نوع



۳-۳- طراحی بازسازی شده از معبد زیگورات سفید اوروک، عراق ۳۲۰۰-۳۰۰۰ قبل از میلاد

مصالح، زیگورات‌ها از طرح زیبا و مبتنی بر دانش وسیع معماری برخوردار بوده‌اند.

بدیهی است تمدن‌ها، شکل‌هایی منسجم از جوامع انسانی بودند که توجه انسان را به اهمیت خویش معطوف داشتند بطوری که زیبایی و عظمت نیروهای جاودانی را در اشکال انسانی تصویر می‌کرده است و به همین دلیل نیز بیشتر پیکره‌های اولیه را تمثال خدایان و الهه‌ها تشکیل می‌دادند که در معابد یافت شده‌اند.

(تصویر ۳-۴) چهره‌ای است از الهه یا ملکه اوروک که قدمت آن به حدود ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م بازمی‌گردد. حفره چشمان و گودی ابروان این سردیس از صدف‌ها و سنگ‌های رنگین پر، و سر آن نیز به کلاه گیزی از طلا مزین بوده است.



۳-۴- سردیس الهه یا ملکه از اوروک، حدود ۳۵۰۰-۳۰۰۰ ق.م، موزه بغداد، عراق

درشتی چشم از مواردی است که در بیشتر چهره‌های به جای مانده از هنر میان رودان دیده می‌شود. چشم که از نافذترین اعضای بدن است همواره به منزله‌ی دریچه‌ی روح مورد توجه بوده است. از این جهت است که حفره‌های چشم در سردیس‌های تمدن‌های مختلف، گاه با سنگ‌های قیمتی پر می‌شده است. از دیگر ویژگی‌های مهم پیکره‌های سومری یافت شده در معبد ابو واقع در تل اسمر و اوروک و اور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

سادگی ساختار، شکل ظاهری مخروطی یا استوانه‌ای پیکره‌ها، حالت وقار رمزگونه، ایستایی پیکره‌ها و کاربرد آیینی آنها (تصویر ۵-۳)، مهارت ساخت پیکره‌ها با تلفیق مواد و مصالح گوناگون (تصویر ۶-۳) همچنین موجودات تخیلی و اساطیری که از ترکیب اعضای انسان و حیوان بوجود آمده‌اند همگی خصلتی داستان‌سرایانه دارند و همچون کتب تصویری هستند که با کنار هم قرار دادن چند تصویر یا پیکره حکایتی را نقل می‌کنند (تصویر ۷-۳). گاهی نیز شخصیت‌های اصلی داستان جانورانی هستند که به کارهای انسانی مشغولند. این تصاویر، نقاشیهای متحرک و یا داستان‌های مصور (کمیک استریپ) را به یاد می‌آورد (تصویر ۸-۳ الف و ب).



۵-۳- پیکره‌های ستایش از معبد حسونا (تل اسمر)، عراق ۲۷۰۰ ق. م، بلندی ۷۵ سانتی‌متر



۳-۷- لوح صلح (پرچم اور)، قبرستان سلطنتی اور، عراق، لوح صدف کاری شده ی روی چوب



۳-۶- هنر سومری، بزرن و درخت (پایه‌ای برای آویختن نذورات)، اور، حدود ۲۶۰۰ ق.م چوب و طلا و لاجورد، بلندی ۵۰ cm- موزه‌ی دانشگاه فیلادلفیا



۳-۸- ب- جعبه موسیقی با تصویر سازی، ۲۶۰۰ قبل از میلاد، چوب، طلا و صدف موزه دانشگاه فیلادلفیا



۳-۸- الف- جعبه‌ی موسیقی چنگ

اکد (حدود ۲۱۸۰ - ۲۳۴۰ ق.م)



۳-۹- سر حکمران اکدی از نینوا ، عراق ، ۲۲۰۰-۲۲۵۰ ق . م ، جنس مس ، موزه بغداد ، عراق

پس از سومری‌ها ، سلسله اکدی‌ان که از نژاد سامی بودند قدرت را بدست گرفتند. در نظام اجتماعی اکدی‌ان پادشاه و فرمانروا قدرتی تام و متمرکز داشت و بدین لحاظ است که تمثال شاهان این دوره بیشتر یافت شده است. اکدی‌ان را می‌توان اولین سلسله منسجم پادشاهی میان رودان دانست. دانش هنری سومریان که در عهد گذشته در جهت ساخت تندیس‌های خدایان، الهه‌ها و جانوران اساطیری به کار می‌رفت ، در اکد در خدمت "تجلیل مقام پادشاه" به کار گرفته شد . اوج توان هنری پیکر تراشان این عهد را می‌توان در تصویر (۹-۳) مشاهده کرد .

تأکید بر قدرت پادشاهی را می‌توان در نقش برجسته «لوح پیروزی نارام سین» نیز مشاهده کرد (تصویر ۱۰-۳). نارام‌سین از پادشاهان قدرتمند اکدی بود. در این نقش برجسته، با یورش سپاهیان نارام‌سین بر دشمن روبرو هستیم، در حالی که خود پادشاه، در اینجا با اندامی درشت‌تر-که نماینده برتری و دارا بودن قدرت خدایی است- با حالتی سترگ و استوار ایستاده است و دشمنان ضعیف و ذلیل در پیش پای او به تضرع درآمده‌اند. پادشاه تاجی شاخدار به سر دارد که تا پیش از این در انحصار خدایان بوده است. هیچ موجودی جز دو خورشید درخشانده و کوهی که علامت ارتقای پادشاه به بالاترین مراتب نیک بختی است بر فراز سر او وجود ندارد. می‌بینیم که کلیه نمادها و نقوش در جهت تثبیت و تجلیل از مقام شاه بکار رفته‌اند چیزی که در هنر اکدی به وضوح دیده می‌شود.

سومر نوین (اور)

در فاصله‌ی میان سقوط «اکدی‌ان» و ظهور حکومت «بابل» که زمانی حدود نیم قرن طول کشید، سومریان شهر «اور» دوباره قدرت یافتند و سعی کردند تا دولت و حکومت را به قدرت خدایی رسانده و معابد را احیا نمایند. «گودا» فرمانروای خردمند این نظام، عنوان «پادشاه» را مختص خدای شهر می‌دانست. (در نظام حکومتی سومریان هر شهر خدایی داشت که همه املاک شهر متعلق به او بود و فرمانروایان به نیابت از قدرت خدای شهر حکومت می‌کردند از این رو، معابد همواره رونقی مادی و معنوی داشتند).

از «گودا» تصویر (۱۱-۳ الف و ب) تندیس‌های زیادی در حالت‌های نشسته و ایستاده در حالی که دستانش را در جلو سینه به هم فشرده است به جای مانده که هر یک در حالتی مناسب با شرایط معبد تراشیده شده‌اند. او کلاهی بافته شده بر سر دارد که در قیاس با سربند فرمانروای اکدی (تصاویر ۹-۳ و ۱۰-۳) بسیار ساده است. کلاً هیبت و تزئینات لباس «گودا» بسیار ساده‌تر و متواضعانه‌تر از فرمانروای اکدی است.

این سادگی و تواضع با اعتقادات این فرمانروا در مورد تعلق عنوان پادشاهی به خداوند شهر و قراردادن قدرت سیاسی به عنوان بخشی از قدرت معنوی معبد هماهنگی کامل دارد.



۳-۱۰- لوح پیروزی نارام سین ، شوش ۲۲۱۸-۲۲۵۴ ق . م. سنگ ماسه صورتی موزه ی لوور پاریس



۱۱-۳-ب - گودآ در حال نیایش از شهر لاکاش (شهر کنونی تلو) ۲۱۰۰ قبل از میلاد



۱۱-۳-الف - پیکره نشسته گودآ ، لاکاش (تلو کنونی) ، عراق ، ۲۱۰۰ ق. م. ، بلندی ۸۲ سانتی متر

بابل (۱۷۶۰ تا ۱۶۰۰ ق. م)

در هزاره دوم ق. م منطقه میان رودان دچار آشفتگی و آشوب گردید. در این دوران در منطقه مرکزی ، حکومتی به واسطه فرمانروایان محلی در بابل پدید آمد و توانست موقعیتی برجسته همانند دوران فرمانروایان



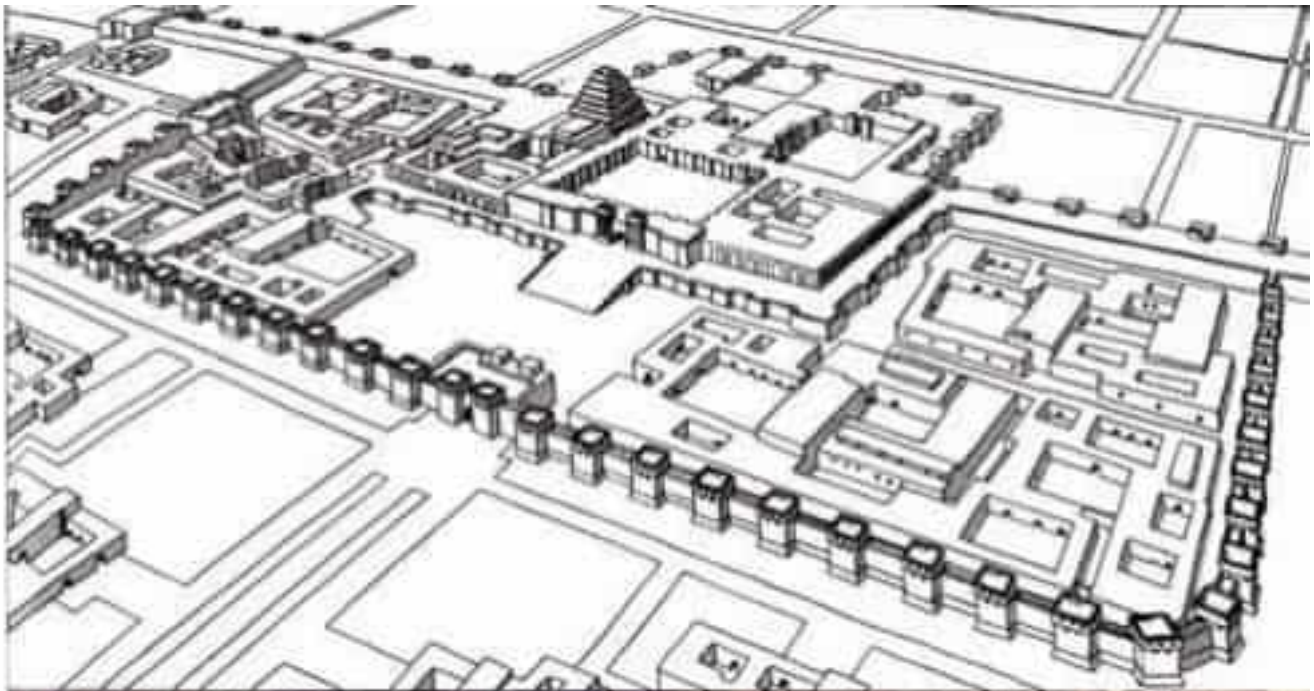
۱۲-۳- لوح قانون حمورابی ، شوش ، ۱۷۸۰ ق. م. ، سنگ بازالت ، بلندی ۲ متر

اکدی و اور بدست آورد. درخشان‌ترین چهره این روزگار حمورابی بود که با دلاوری جنگی و احترام عمیقی که به سنت سومری داشت خود را همچون چوپان برگزیده‌ی خدای خورشید یا شمش (شاماش) می‌دانست، از این رو خود را موظف در ایجاد دادگری بر زمین می‌دانست. اثر جاودان به یادگار مانده همان مجموعه قوانین وی است که به عنوان نخستین مجموعه قوانین بشری متکی بر عقل و انسانیت تدوین یافته است. به دستور وی مقرر شد تا احکام را بر لوحی بلند از سنگ (تصویر ۱۲-۳) حک کنند و بر بالای آن تصویر خود و خدای خورشید را مصور سازند. این دولت و نوع حکومت مبتنی بر قانون باعث شد تا در دوره فرمانروایی وی و پس از او بابل مهم‌ترین مرکز فرهنگی منطقه سومر برای مدت هزار سال شود.

آشور

در اواسط هزاره‌ی دوم پیش از میلاد، آشوری‌ها پس از پایان یافتن اقتدار "اکد" و "بابل" به قدرت رسیدند. سنت ساخت زیگورات‌ها و دولت‌شهرها همچنان ادامه یافت و آنها نیز همانند سومریان بناهای خود را با آجر می‌ساختند. اما از آنجا که محل استقرار آشوری‌ها ناحیه‌ی شمالی میان رودان بود و در این ناحیه سنگ به وفور یافت می‌شد از تخته‌سنگ‌های وزین و حجیم در قسمت‌های پایینی محوطه‌های مهم داخل بنا و دروازه‌ها استفاده می‌کردند (اواسط هزاره اول ق. م. اوج شکوفایی و قدرت امپراتوران آشور به شمار می‌رود) رواج استفاده از سنگ، زمینه‌ی مساعدی برای خلق نقش برجسته‌ها و مجسمه‌های گوناگون بود.

زیگورات‌های این دوره بیشتر به شکل هرم‌های پلکانی نزدیک شدند. زیگورات خرساباد که به دستور سارگون دوم، امپراتور قدرتمند آشوری بنا شده بود، هفت سطح پلکانی داشته که امروزه تنها چهار طبقه از آن باقی مانده است. ارتفاع هر طبقه ۵/۵ متر و هر طبقه با رنگ جداگانه‌ای رنگ‌آمیزی شده بود. می‌توان تصور کرد که این معبد زیبای هفت رنگ نمایی دل‌انگیز به ارگ سارگون می‌بخشیده است. در تصویر (۱۳-۳) طرحی از ارگ سارگون دوم را که با استناد به بقایای مکشوف تهیه شده، مشاهده می‌کنید. زیگورات هفت طبقه در قسمت بالای تصویر دیده می‌شود.



۱۳-۳- طرح بازسازی شده ارگ سارگون دوم، دورشروکین (خرسباد)، عراق، ۷۰۵-۷۲۰ ق. م

هنرمندان سنگتراش آشوری مهارت و خلاقیت خود را بیشتر در آفرینش نقش برجسته‌ها جهت دادند، زیرا سطوح طولانی و بی‌انتهای دیواره‌های کاخ‌ها چنین زمینه وسیعی را برای خلق مناظر گوناگون فراهم آورده بود. نقوش کاخهای نیمرود (تصویر ۱۴-۳) و نینوا (تصاویر ۱۵-۳) چون کتابی مصور توصیف جنگها، شکارها و خلاصه هر آنچه را که معرف قدرت، شوکت پادشاه و پادشاهی است به استادانه‌ترین وجه به عهده گرفته‌اند.

نوع ترکیب بندی عناصر تصویری، حرکت اسب‌ها و شیوه کمان‌گیری ارابه‌ران‌ها در تصاویر (۱۴-۳) و (۱۵-۳) شباهت بسیاری با آثار مصری دارد و این شباهت بیانگر رابطه دو تمدن و تاثیر و تاثراتی است که از یکدیگر گرفته‌اند.

چیز دیگری که بیننده را در نقش برجسته‌های آشور به تحسین وادارد، دانش وسیع کالبدشناسی و دقت نظر هنرمندان در القای حرکات طبیعی ماهیچه‌هاست. در تصویر (۱۶-۳) ماده شیری دیده می‌شود که در اثر اصابت پیکان‌های کشنده، مجروح شده و آخرین لحظات زندگی را سپری می‌کند.

جانوران در آثار هنری کشف شده از مناطق مختلف تمدن میان‌رودان حضوری جدی و با اهمیت دارند. این اهمیت معمولاً جنبه‌ی اسطوره‌ای داشته است. در مواردی چون نقش برجسته‌های تصاویر (۱۵-۳) و (۱۶-۳) که قدرت پادشاه در یک صحنه شکار شیر به نمایش درآمده، موضوع بسیار عادی است ولی در موارد دیگر حضور جانوران، خصوصاً بز و عقاب، جنبه‌ای نمادین و گاه مقدس دارند.

در برخی آثار نیز به موجودات اساطیری متشکل از اجزای انسان و حیوان برمی‌خوریم (تصویر ۱۷-۳) نوع ایستادن رسمی و با وقار این موجود حکایت از ویژگی نمادین و آئینی آن دارد که کاملاً با شیوه‌ی ارائه‌ی شیرهای دو تصویر گذشته متفاوت است.

در تصویر (۱۸-۳) سارگون دوم، پادشاه آشور را می‌بینیم که بزی را به قربانگاه می‌برد. نوع ایستادن پادشاه و حالت موقر و رسمی بز، هر دو با اجرای مناسک مذهبی که در آن «بز» به پیشگاه یکی از خدایان قربانی می‌شده هم‌سویی و یکنواختی دارد.

برای آشنایی با یکی از نمونه‌های کاملاً سه‌بعدی هنر آشوری می‌توان به تصویر (۱۹-۳)، که نشان دهنده‌ی پیکره بزرگ از آشور نصیر پال دوم (از پادشاهان آشوری) است، اشاره کرد.



۱۴-۳- تعقیب دشمن توسط کمانداران آشوری، نقش برجسته کاخ آشور نصیرپال دوم، نمرود، عراق، ۸۶۰-۸۷۵ ق. م.، بلندی ۷۰×۲۵



۱۵-۳- آشور بانپپال در حال شکار شیر، نقش برجسته کاخ آشور بانپپال، نینوا، عراق، ۶۴۰-۶۴۵ ق. م.



۱۷-۳ موجود اساطیری بالدار با سر عقاب (نماد روح محافظ) در مقابل درخت مقدس ، سده ۹ ق . م ، بلندی حدود ۱۰۰ سانتی متر



۱۶-۳ ماده شیر در حال مرگ ، نینوا، حدود ۶۵۰ ق . م ، سنگ آهک ، بلندی هیكل شیر ۳۶ سانتی متر



۱۹-۳ پیکره آشور نصیرپال دوم ، کلاخ ، سده ۹ ق . م ، بلندی ۲۸۸ سانتی متر



۱۸-۳ نقش برجسته سارگون دوم پادشاه آشور در حال حمل بز قربانی ، سده هشتم ق . م ، بلندی ۲۶۳ سانتی متر

بابل نوین (بین سال های ۶۱۲ تا ۵۳۹ ق.م)

گستره فرمانروایی آشور در حدود سده ۷ قبل از میلاد با هجوم اقوام مختلف از جمله مادها سقوط کرد و در میان رودان پس از افت و خیزهایی چند ، دوره کوتاهی از شکوفایی و اوج را تحت فرمانروایی «بخت النصر» گذراند. این دوره‌ی کوتاه به عهد حکومت « بابل نوین» مشهور است . در همین عهد نوع جدیدی از معماری با آجر لعابدار رواج یافت.

« دروازه ایشتار» (تصویر ۲۰-۳) به دستور بخت النصر در بابل بنا گردید، نمونه‌ای عالی از روش نوینی است که بر دیوارهای رنگین آن (که به آجرهای لعابدار آبی و سبز و زرد و سفید و سیاه ... مزین بود) نقش برجسته‌های انواع جانوران حقیقی و اسطوره‌ای، چون شیر و گاو و اژدها قرار داشته است. هزاران آجر لعابدار دروازه ایشتار که تا چندی پیش در اثر فروریختن، پراکنده و هریک به کناری افتاده بود، اکنون جمع آوری و بازسازی شده است.

از دیگر آثار منسوب به دوران بابل نوین برج معلق بابل^{۱۰} (تصویر ۲۱-۳) است که اثری از آن بر جای مانده است ولی این برج یکی از عجایب هفت‌گانه قدیم می باشد.

هیتی ها (حدود ۱۲۰۰ تا ۱۶۴۰ ق. م)

یکی از تمدن های حوزه آناتولی (ترکیه امروزی) متعلق به اقوام هیتی (حتیان) است که به اوج قدرت رسیدند . این اقوام که استخراج آهن به آنها نسبت داده شده است ، توانستند به قدرتی دست یابند و در حدود



۲۱-۳- طرح نقاشی شده خیالی برج معلق بابل



۲۰-۳- دروازه ایشتار (بازسازی شده) ، آجر لعابدار ، بابل ، ۵۷۵ ق . م

۱۰. این برج مشهورترین زیگورات یا برج چند طبقه بین النهرین است که کاملاً ویران شده و به احتمال زیاد این برج توسط بخت النصر (نبوکد نصر) برای همسر ایرانی خود سمیرامیس دخترکیاکزار (فرمانروای ماد) ساخته شده است.



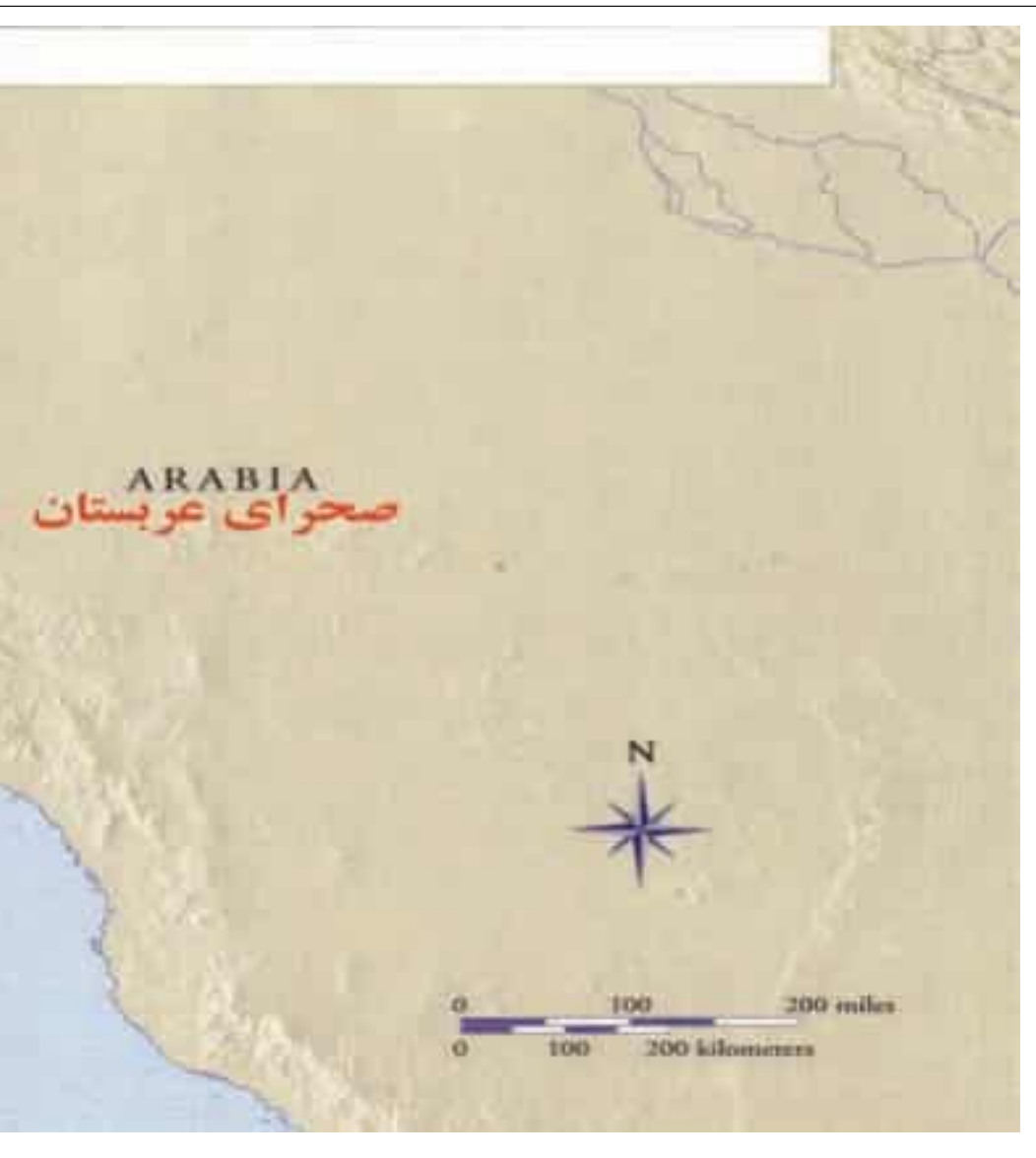
۲۲-۳- دروازه شیران ، بغاز کوی ، تمدن هیتی ها ، هزاره دوم ق. م ، ترکیه کنونی

سال ۱۵۹۵ پ. م کشور بابل را از چنگ اقوام باستانی آناتولیا در آوردند و پس از شکست اقوام میتانی (ساکنان محدوده سوریه و فلسطین) که هم پیمانان مصر به شمار می آمدند ، نیروی خود را متوجه سرزمین مصر کردند و موفق شدند در زمان توت عنخ آمون و پس از او بخش های عمده ای از سرزمین مصر را تسخیر نمایند . این قوم به سبب داشتن روحیه ی خشن و جنگاوری ، آثار هنری اندکی از خود بجای گذاشتند که مهم ترین اثر هنری آنان "دروازه شیران" (تصویر ۲۲-۳) در منطقه بغاز کوی در ترکیه امروزی است و به حدود ۱۴۰۰ ق. م مربوط می شود که مشابه این دروازه در طرفین دروازه های کاخ آشوریان و حتی دژ میسنی ها در تمدن یونان نیز دیده شده است.

پرسش

- ۱- نخستین دولت شهر توسط چه قومی در میان رودان به وجود آمد ؟ دیگر کارهای مهم این قوم را نام ببرید.
- ۲- زیگورات به چگونه بنایی گفته می شود ؟ ویژگی و کاربرد آن چه بود ؟
- ۳- چه عواملی باعث شده است که میان رودان را یکی از خاستگاه های تمدن بشری بدانند ؟
- ۴- ساخت برج و بارو و استحکامات شهر ها در سومر حکایت از چه امری دارد ؟
- ۵- ویژگی های مهم پیکره های سومری را ذکر کنید ؟
- ۶- اولین سلسله ای منسجم پادشاهی بین النهرین مربوط به چه دوره ای است و آثارشان چه خصوصیتی دارد ؟
- ۷- تندیس "گودا" مربوط به چه دوره ای است و دارای چه خصوصیتی می باشد ؟
- ۸- لوح حمورابی به دستور چه کسی ساخته شد و دارای چه ویژگی هایی است ؟
- ۹- کدام هنر در زمان آشوریان رواج پیدا کرد ؟ و این هنر در چه بناهایی به جا مانده است ؟
- ۱۰- تصاویری از نقش برجسته های آشوری و مصری جمع آوری کنید و آن ها را با یکدیگر مقایسه نمایید.
- ۱۱- نقش حیوانات را در آثار آشوری بررسی کنید.
- ۱۲- در عهد حکومت "بابل نوین" چه تغییری در معماری رخ داد ؟ با ذکر یک نمونه توضیح دهید.
- ۱۳- دروازه ی شیران مربوط به چه تمدنی است ؟ در مورد آن توضیح دهید.

فصل چهارم هنر و تمدن مصر



ح ۳۰ ق م

سلسله های متاخر و
سلسله های ایرانی

ح ۷۴۷ ق م

پادشاهی جدید

ح ۱۵۵۰ ق م

پادشاهی میانه

ح ۲۰۵۵ ق م

پادشاهی کهن

ح ۲۶۸۶ ق م

دوره نوسنگی

ح ۳۱۰۰ ق م

ANCIENT EGYPT





اهداف رفتاری :

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می رود :

- ۱- خصوصیات هنر مصر را شرح دهد.
- ۲- تأثیرات و ارتباط اعتقادات دینی و آثار هنری را در آثار آن ها شرح دهد.
- ۳- اشتراکات و تفاوت های هنر مصر و میان رودان را شرح دهد.

هنر و تمدن مصر

مصر با تاریخی نسبتاً آرام که کمتر تحت هجوم قرار گرفته، توانست در زمینه های هنری هویتی مستقل و باثبات و دست نخورده را برای مدتی بسیار طولانی حفظ نماید.

رود نیل در طول تاریخ منشأ آبادانی و منبع حیات این سرزمین و ساکنان آن بوده است. با توجه به اینکه این رودخانه نوار سبز و حاصلخیزی را در این پهنه خشک و سوزان بیابان های شمال شرقی افریقا ایجاد نموده، می توان به جرأت آن را شاهرگ حیاتی تمدن مصر دانست.

ساکنین مصر از دو نژاد مختلف بوده اند. در قسمت شمالی، در دلتای نیل انسانهایی از نژاد آسیایی با صورتهای گرد و پوستهای روشن می زیسته اند و زندگی چوپانی و چادرنشینی در مصر سفلی داشته اند (تصویر ۱-۴). الهه حامی آنان مارکبرا (بوتو) و نشان سلطنتی آنان زنبور عسل و تاج قرمز رنگ و گیاه مقدسشان پاپیروس بوده است.



۱-۴- شیخ البلد ، نگهبان پادشاه در جهان دیگر، از جنس چوب ، سقاره ، ۲۳۵۰- ۲۴۵۰ ق . م. تقریباً ۱۰۷ سانتی متر موزه مصر

ساکنین قسمت جنوبی (دره‌ی نیل) مردمی با جمجمه‌ها و صورتهای کشیده و پوست‌های قهوه‌ای از نژاد آفریقائیان بوده‌اند (تصویر ۲-۴)، که مورد حمایت الهه‌ی کرکس (نخبیت) و با نشان سلطنتی گیاه سعد کوفی

و تاج دوکی شکل سفید رنگ و گیاه مقدسشان نیلوفر آبی یا لوتوس است که پس از اتحاد هر دو مصر از همه این نمادها در مجسمه‌ها استفاده می‌شد.

این دو نژاد ابتدا حکومت‌های مجزا داشته‌اند و در نتیجه سرزمین مصر به لحاظ مسیر جریان رود نیل از جنوب به شمال به دو قسمت مصر علیا (نژاد آفریقایی) و مصر سفلی (نژاد آسیایی) تقسیم شده بود. نارمر^{۱۱} که در این ایام حکمران مصر علیا و فرماندهی مقتدر بود توانست حدود سال ۳۱۰۰ ق. م با تسلط بر مصر سفلی اتحادی میان دو منطقه بوجود آورد و تاریخ مدون و مستند مصر هم از همین زمان شروع می‌شود. در میان این ادوار گاهی کشمکشهای سیاسی و نظامی نیز رخ می‌داد لیکن این تنش‌ها چنان ناچیزند که ما در هنر مصر در طول قریب به ۲۰۰۰ سال نوعی یگانگی در موضوع و بیان مشترک مشاهده می‌کنیم. هنر



۲-۴- سردیس، مصر ۱۳۳۵-۱۳۵۳ ق. م، چوب، طلا، نقره، لاجورد و گچ

مصر را در عهد کهن می‌توان اجمالاً با صفات «دینی»، «ابدیت‌گرا»، «کاهنی» و «ایستا» توصیف کرد. باید بدانیم که قدرت دین در مصر باستان با قدرت پادشاهان یکی بوده، چرا که پادشاهان مصر خود را برخوردار از نیروی الهی می‌دانسته‌اند. به پادشاهان مصر باستان فرعون^{۱۲} می‌گفتند و فراعنه موجوداتی جاودانی تلقی می‌شدند که در مقررات جاری در عالم هستی و حیات طبیعی مشارکت داشته‌اند. به همین دلیل است که آثار هنری مصر باستان در بیشتر موارد در نقش برجسته‌ها و تندیس پادشاهان و ملکه‌ها (پیکرتراشی)، به شکل مقابر پادشاهان (معماری) و تصویرگری مربوط به زندگی ایشان در این جهان یا جهان پس از مرگ (نقاشی) جلوه‌گر می‌شود.

Narmer.۱۱

۱۲. فرعون در لغت به معنی اتاقی بزرگ است.

پادشاهی نخست و کهن

از قدیمی‌ترین آثار به جای مانده از هنر مصر، لوحی سنگی است که به عهد « نارمر » مربوط می‌شود (تصاویر ۳-۴ و ۴-۴). این لوح کوچک در زمان این پادشاه و آغاز نظام منسجم و متحد مصر اطلاعات ارزنده‌ای به ما می‌دهد. در تصویر (۳-۴) نارمر را با تاج مخصوص مصر علیا (دوکی شکل) می‌بینیم. شخصی که در جلوی پای شاه نارمر با خفت نشسته و شاه با دست، موی پیشانی او را گرفته معرفت قوای مغلوب مصر سفلی است. در قسمت پایین لوح دو تن از دشمنان (قوای مصر سفلی) را در حال فرار می‌بینیم.

طرح پشت لوح (تصویر ۴-۴) نمایی است جزئی تر از همان حادثه با گستردگی بیشتر. در بالای سمت چپ لوح « نارمر » را این بار با تاج مصر سفلی، می‌بینیم که در اینجا به معنای پیروزی بر شمال مصر است (ظاهر شدن شاه نارمر در دو سوی یک لوح واحد با دو تاج مختلف از شمال و جنوب مصر خود مفهوم وحدت میان این دو ناحیه را که به دست او انجام شده، می‌رساند). چندتن در جلوی شاه در حالی که



۴-۴- لوح سنگی شاه نارمر (پشت لوح)



۴-۳- لوح سنگی (روی لوح) شاه نارمر، حدود ۳۱۰۰ ق. م، موزه مصر، قاهره



۴-۵- کارمند تشریفاتی دربار شاه زوسر - هزاره سوم ق. م ، سفاره

پرچم‌ها و نشان‌هایی به دست دارند در حرکت اند و در مقابل (در سمت راست) عده‌ای از دشمنان را می‌بینیم که سرشان از تن جدا و میان پاهایشان نهاده شده است. در بخش وسطی، دو جانور اسطوره‌ای گردنهای بلندشان را به نشان اتحاد درهم پیچیده‌اند و در پایین‌ترین قسمت هم گاوی اسطوره‌ای و قدرتمند، پادشاه مصر سفلی را لگد کوب می‌کند. طرح‌های دو سوی این لوح مانند یک سند تاریخی وقایع زمان خود را ثبت کرده است. وجود عنصر نمادین و اسطوره‌ای، مانند سرگاو (در دو سوی بالای لوح) و شاهین به منظور تأکید بر ماورای طبیعی بودن این پیروزی دنیوی است.

نوع ترسیم و ساخت و ساز بدن در اکثر نقش برجسته‌ها تابع روش خاصی است. مطابق این روش صورت همواره از نیمرخ، بالاتنه از روبرو و پایین تنه، از نیمرخ نشان داده می‌شوند. فاصله پاها و نوع ایستادن به گونه‌ای است که وزن بدن به طور مساوی بر روی پاها پخش می‌شود و در نتیجه ترکیب ایستادن بسیار استوار و با وقار خواهد بود که به آن روش قراردادی نمایش تصاویر می‌گویند (تصویر ۴-۵).

نباید تصور کنیم که این روش ناشی از ناآگاهی هنرمندان مصر باستان از قوانین تصویرگری طبیعی است. برعکس آثار گوناگون و زیادی وجود دارد که از دانش و مهارت هنرمندان آن عهد حکایت می‌کند. تصویر (۴-۶) نقش برجسته‌ای است مربوط به هزاره‌ی سوم ق.م که مجسمه‌سازان را در حال کار نشان می‌دهد. در این تصویر می‌بینیم که بدن‌ها به طور طبیعی و منطبق بر نوع کاری که انجام می‌دهند تصویر شده‌اند. این نقش برجسته و آثاری از این قبیل از یک سو دلالت به تسلط هنرمندان نسبت به کالبد شناسی انسان دارد و از سوی دیگر با مطابقت و مقایسه‌ی آثار می‌توان دریافت که «روش قراردادی نمایش تصاویر» در مورد مضامین رسمی، مذهبی و موضوعات مربوط به شاهان رعایت می‌شده است.



۴-۶- مجسمه‌سازان در حال کار نقش برجسته، سفاره ۲۱۷۰-۲۳۴۰ ق. م موزه‌ی مصر، قاهره

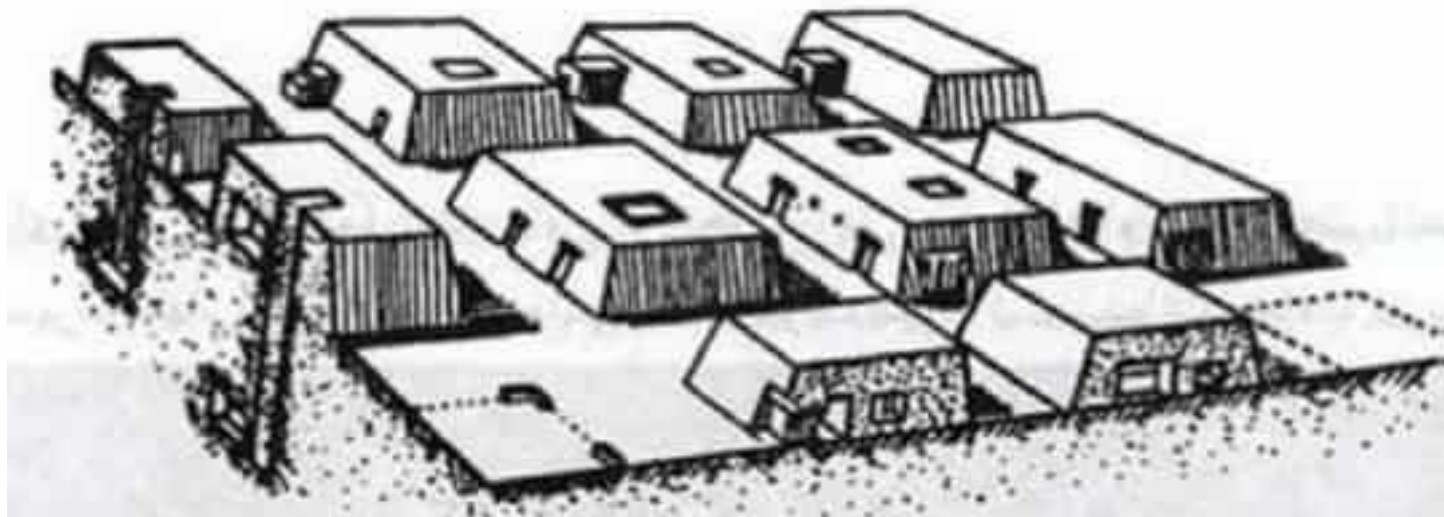
گفتیم که هنر مصر کهن از اساس، هنری است دینی و ابدیت‌گرا، بدین

معنی که مهم‌ترین پدیده‌های زندگی انسان‌ها آن وقایعی بوده که به نوعی با ماورای طبیعت ارتباط داشته است. در این میان «مرگ» به عنوان مرز اتصال و دروازه ورود به جهان دیگر اهمیتی استثنایی دارد. به همین جهت برجسته‌ترین آثار معماری به جای مانده را مقبره‌ها و معابد تشکیل می‌دهند. از بنای منازل مسکونی و ساختمانهای عادی اثری باقی نمانده است چرا که این بناها اغلب از تنه درخت و نی ساخته می‌شدند.

لازم است بدانیم که نوع ساخت مقابر و بناهای دینی، ارتباط مستقیمی با تلقی انسانها از مرگ و جهان آخرت دارد. در سنت کهن مصر، اعتقاد بر این بود که هر انسان جفتی اسرارآمیز به نام «کا» دارد که نیروی حیات اوست. «کا» که می‌توانیم آن را یکی از تجلیات «روح»، یا «همزاد» بدانیم، پس از مرگ به حیات خود ادامه می‌دهد ولی برای بقا، هنوز به جسم مادی احتیاج دارد. از این رو نیاز به حفظ و نگهداری که آن را جایگاهی برای «کا» تلقی می‌کردند، رفته رفته به مطالعاتی علمی در خصوص چگونگی جلوگیری از فاسد شدن بدن مرده رهنمون شد که در نتیجه ی آن «فن مومیایی کردن» اختراع گردید.

چون مصریان بر این باور بوده‌اند که انسان پس از مرگ همچون زندگی دنیایی، به لوازمی نیاز دارد، کلیه لوازم زندگی، زیورآلات، اثاثیه، پول و جواهرات قیمتی و حتی سگ و گربه‌های مومیایی شده همراه متوفی در مقبره قرار داده می‌شد. تابوتها از جنس چوب بود و سپس روی آنها را رنگ آمیزی می‌کردند و به نوشته‌ها و تصاویر شخص متوفی می‌آراستند.

دیوار مقابر هم با نقاشی و نقش برجسته‌هایی از تمثال و وقایع زندگی متوفی تزیین می‌شد. ابتدایی‌ترین شکل مقبره‌ها به صورت سکویی ساده با وجوه جانبی شیبدار بود که آنها را مصطبه می‌نامیدند (تصویر ۷-۴). این



۷-۴- طراحی از مجموعه ی مصطبه‌ها

شکل رفته رفته متحول شد و به صورت هرم پله‌ای در مقبره شاه زوسر در آمد (تصاویر ۸-۴ الف و ب) و همچنین هرمهای پلکانی هم متحول شدند. اوج این تحول را می‌توان در اهرام سه‌گانه مصر (تصویر ۹-۴) که شهرت جهانی دارند و جز عجایب عالم و میراث بشری ثبت شده‌اند، مشاهده کرد.



۸-۴ ب - طراحی از مقبره شاه زوسر ، ترکیب ۶ مصطبه به صورت هرم پلکانی



۸-۴ الف - مقبره شاه زوسر ، سال ۲۷۵۰ ق م ، از جنس آهک واقع در سقاره ی مصر



۹-۴- اهرام سه گانه ی مصر ، ۲۴۷۲- ۲۴۹۰ ق م . هرم منکورع ، ۲۴۹۴-۲۵۲۰ ق م . هرم خفرع ، ۲۵۲۸-۲۵۵۱ ق م . هرم خوفو ، مصر ، گیزه (جیزه)

معماری مصر که مصالح آن در آغاز چوب و سپس خشت خام بود، رفته رفته به معماری سنگی تبدیل شد و از شکل مصطبه‌های کوتاه به اهرام حجیم و بلند تبدیل شد.

کنار اهرام، مجسمه عظیم ابوالهول با ارتفاع ۲۰ متر قرار دارد که در نظر بسیاری از اهل فن، جذاب‌تر و با ابهت‌تر از اهرام است. این مجسمه شیر نشسته که سر انسانی آن بازسازی شده به احتمال چهره «خفرع»، یکی از فرعونان قدرتمند مصر است، شاید عظیم‌ترین اثری است که برای به نمایش گذاشتن شوکت و قدرت یک فرمانروا تا کنون ساخته شده است (تصویر ۱۰-۴).

پیکرتراشی نیز یکی از هنرهایی است که در این دوره رواج داشته است و از ابتدایی‌ترین ایام حکومت فرعونان با دقت و اهمیت وافر پیگیری می‌شد از این رو در اندک زمانی به اوج زیبایی و رشد رسید. علت نیل به چنین اعتلایی را می‌بایست باز هم در ارتباط این آثار با عالم پس از مرگ جستجو کرد. مجسمه‌ها در



۱۰-۴- ابوالهول (اسفنکس بزرگ)، بلندی ۲۰ متر، حدود ۲۵۲۰ ق. م.، مصر، گیزه (جیزه)



۱۱-۴- تندیس شاه زوسر، سال ۲۷۵۰ ق. م. ، بلندی ۱۳۸ سانتی متر ، موزه ی مصر ، قاهره

بسیاری از موارد بخشی از مقبره به شمار می‌رفتند و به عنوان کالبد ثانوی فرد متوفی تلقی می‌شدند ، بدین معنی که چنانچه در بقای جسد (به رغم مومیایی کردن و روشهای دیگر) خللی پیش می‌آمد ، تندیس متوفی می‌توانست چون جسم اصلی، جایگاهی برای اقامت و بقای «کا» باشد. به همین خاطر دقت بسیاری در شبیه‌سازی تندیسها انجام می‌شد. مجسمه‌ها در عین شباهت به متوفی دارای وقار و شوکتی در خور فراعنه و حالتی عمیق و ایستا شایسته‌ی عالم خدایان بودند. نوع نشستن یا ایستادن این تندیسها همواره با متانت و قدرت و تعادل توأم است(تصویر ۱۱-۴).

در برخی از این تندیسها حضور شخصیتها و نمادهای آسمانی همچون الهه‌های نگهبان تأکیدی مضاعف بر قدرت خدایی فراعنه است(تصویر ۱۲-۴).

در بعضی از تندیسها هنر نقاشی و مجسمه‌سازی به کمک هم شتافته اند تا اثر نهایی جلوه ای طبیعی تر پیدا کند. به عنوان مثال در تندیس شاهزاده رع حوتپ و همسرش نوفرت(تصویر ۱۳-۴) که از جنس سنگ آهک ساخته شده، موها، ابروها و مژه‌ها و پوست بدن به صورت طبیعی رنگ‌آمیزی شده است. از رنگ لباس، نوع تزئینات(گردنبند و نوار پیشانی) ملکه می‌توان اطلاعات ارزنده‌ای در مورد نوع آرایش و زیور آلات آن عصر بدست آورد. ضمناً با مراجعه به آثار مختلف، از تندیس و نقش برجسته و نقاشی می‌توان به طرز خاص لباس پوشیدن فراعنه، ریش مصنوعی آئینی، نوع خاص سربند که آنها را از دیگر افراد متمایز ساخته و همچنین حالات چهره پی برد.



۱۳-۴- شاهزاده رع حوتپ (راحتپ) و همسرش نوفرت ، ۲۶۱۰ ق. م. ، سنگ آهک رنگ آمیزی شده ، بلندی ۱۱۸ سانتی متر ، موزه مصر ، قاهره



۱۲-۴- شاه منکورع در میان دوالهه ی نگهبان، از دره ی منکورع واقع در گیزه (جیزه)، ۲۷۵۰ ق. م. ، ارتفاع ۹۳ سانتی متر، موزه مصر ، قاهره

پادشاهی میانه و جدید

فراعنه مصر در اواخر عهد پادشاهی کهن با مشکلات سیاسی روبرو شدند. فرمانرویان محلی علیه فراعنه طغیان کردند و با کم شدن قدرت فرعونها ساختن مقابر عظیم نیز به رکود و ایستایی رسید. این رکود حدود ۷۰۰ سال به طول انجامید. گرچه در اواخر دوره پادشاهی میانه فراعنه مصر توانستند قدرت از دست رفته را تا حدی احیا کنند، ولی آن شوکت و عظمت مقام فرعونی دیگر باز نگشت.

معماری مذهبی که در دورانی «مقبره» در آن رکن اساسی و «معبد» جز ثانویه را داشت رفته رفته به «معبد محوری» کشیده شد. معماری مذهبی در عهد پادشاهی جدید باز به شیوه و سبکی متفاوت شوکت و جلال خود را باز یافت. این بار هنرمندان معمار با دانش و ذوق از عظمت‌های طبیعی برای شوکت بخشیدن به معابد بهره گرفتند. به جای اینکه کوهی مصنوعی و عظیم (هرم) بسازند کوه‌های با شوکت تر طبیعت را محور قرار دادند و معبد را در هماهنگی با آن با درایت و دقت بسیار بنا کردند. بارزترین نمونه این رشد و اوج معبد-مقبره ملکه «حت شپسوت» است که در دوران پادشاهی جدید بنا شده است (تصاویر ۱۴ - ۴).



۱۴-۴- معبد مقبره ملکه‌ی حت شپسوت، واقع در دیر البحری، سده ۱۵ ق. م

در زمینه پیکر تراشی تابوتها نیز گاهی وارد قلمرو تندیسها می شوند. هنرمندان مصری برای محافظت از پیکر بیجان فرعون تابوت هایی به شکل شخص متوفی می ساختند. این تابوت ها اغلب از جنس چوب ساخته می شد سپس آنرا رنگ آمیزی می کردند و با زیورآلاتی می آراستند. در بعضی موارد جسم در چند تابوت تو در تو نهاده می شد (تصویر ۱۵-۴).

یکی از زیباترین و استثنایی ترین تابوت ها که هم از لحاظ هنری ارزشمند است و هم از لحاظ قیمتی بودن مواد و مصالح گنجینه ای بی نظیر به شمار می رود ، تابوتی است از طلای ناب مرصع به سنگهای قیمتی و مینا متعلق به فرعونی به نام «توت عنخ آمون» می باشد (تصویر ۱۶-۴) که در نوجوانی جان سپرد. ترکیب زیبای صورت که در آن طراوت جوانی متوفی منعکس گشته به همراه رنگ چشم گیر طلا که با تزئیناتی قیمتی به رنگهای قرمز، لاجوردی، فیروزه ای و سبز آراسته شده، ترکیبی در نوع خود بی نظیر ایجاد کرده است. البته واضح است که مجسمه های فراعنه به منظور حفظ وقار و شوکت ایشان و تأکید به مرتبه الهی پادشاهان همواره در آرمانی ترین صورت جسمانی طرح می شده اند (تصویر ۱۶-۴).



۱۵-۴- بخش هایی از تابوت توت عنخ آمون، طلای ناب مرصع شده بامینا و سنگهای قیمتی ، حدود ۱۳۶۰ ق. م. بلندی ۱۸۰ سانتی متر
 ۱۶-۴- تابوت توت عنخ آمون ، از تبس ، مصر بلندی حدود ۱۸۰ سانتی متر، موزهی مصر ، قاهره

همچنین می توان در آثار دیگری که تمثالهای غیر آئینی را با ترکیبات جسمانی مردم عادی به نمایش گذاشته اند، به حالات واقعی و طبیعی افراد پی برد. مجسمه ی ایستاده ی شیخ البلد یا کتخدا (تصویر ۱-۴) و تندیس نشسته کاتب (تصویر ۱۷-۴) نمونه هایی از هنر مجسمه سازی غیر آئینی مصر باستان هستند.

چیزی که در کلیه تندیسها و سردیسهای مصر، چه آئینی و چه غیر آئینی آشکارا به چشم می آید، شناخت هنرمندان از کالبدشناسی، استخوان بندی، کشش عضلات و توانایی آنها در نمایش حالات چهره هاست.

در نقاشی مصری حجم بسیار زیادی از اطلاعات دقیق، در آثاری مدبرانه، زیبا و ارزشمند حفظ شده است. بخش عمده دانش ما در خصوص نوع معیشت، شیوه ی لباس پوشیدن، ابزار آلات و ظروف مورد استفاده و آئینهای مذهبی مصر کهن را می توان از آثار نقاشی به جای مانده در بیش از ۴۰۰۰ مقبره دریافت. از این رو نقاشی نسبت به آثار معماری و پیکرتراشی اهمیت بیشتری دارد. در اکثر نقاشیها روش قراردادی نمایش تصاویر رعایت شده است. موضوع نقاشی این تمدن کهن را می توان به سه طبقه ی کلی اسطوره ای، آئینی و واقعه نگاری تقسیم کرد.



۱۷-۴- کاتب نشسته، سنگ آهک رنگ شده از سقاره، ارتفاع ۵۳ سانتی متر، موزه ی لوور پاریس

در تصاویر اسطوره ای موضوع اثر، جهان خدایان و وادی پس از

مرگ است. در این تصاویر فرد متوفی در ارتباط با خدایان و نیایش آنان ترسیم می شده است (تصویر ۱۸-۴).

در نقاشی های آئینی، توجه نقاش، عمدتاً به مراسم سوگواری، تشییع جنازه و مراسمی از این دسته

معطوف می شده است (تصویر ۱۹-۴).

در این مراسم معمولاً خود متوفی نیز با سلامت جسمانی کامل در حال بهره مندی از لذت های دنیوی، تصویر می شده (تصویر ۲۰-۴) و واقعه نگاری که به جلوه هایی از زندگی روزمره و ثبت حوادث رایج اختصاص داشته است. موضوعات واقعه نگاری طیف وسیعی از موضوعات، از کشت و زرع، شخم با گاو، دامداری، قصابی و ماهیگیری تا آرایش و تصویر جانوران مختلف و غذاهای گوناگون را در برمی گیرد (تصویر ۲۱-۴).

میان نقاشیهایی که با موضوعات مذهبی و آئینی رسم شده اند و نقاشیهای واقعه نگاری تفاوت واضحی



۱۹-۴- مراسم تشییع جنازه ، نقاشی دیواری از مقبره ی راموس



۱۸-۴- نقاشی دیواری (فرسک) روی گچ نم دار ، ملکه در حال نیایش ، مقبره ی نفر تاری واقع در دره ی ملکه ها ، تبس



۲۰-۴- نقاشی دیواری روی گچ خشک(فرسک) از مقبره ی نبامون ، ۱۳۵۰-۱۴۰۰ ق. م. ، تبس ، مصر، موزه ی لندن

در نوع ارائه دیده می شود. به نظر می رسد نقاشان، به هنگام ترسیم آثار عامیانه، چون در قید و بند موضوع خاص، با دستورالعمل مشخصی نبوده اند، خلاقیت، نوآوری و آزادی بیشتری در ترکیب بندی و ارائه از خود نشان داده اند که این آثار را از لحاظ بصری بسیار جذاب می نماید. تصویر (۲۲-۴) نمونه بارزی از نوآوری، طرح آزاد و خلاقانه هنرمند است. طرح زیبا، روان و در عین حال طبیعت گرای ماهی ها بر روی زمینه ای از خطوط زیگزاگ آزاد و حاشیه های زیبا و بی تکلف، نقشی را آفریده که بسیار مدرن است. مطالعه ای این گونه آثار، چهره دیگری از هنر مصر را که آزاد و غیر آیینی است به ما می نمایاند.



۴-۲۱- نقاشی دیواری از یک مقبره ی گمنام ، کشت و زرع ، حدود ۱۵۰۰ ق. م

آثار نقاشی مصری با گذشت زمان از وادی اسطوره و آئین پا فراتر گذاشت و به موضوعات این جهانی جدی تر پرداخت (تصویر ۲۳-۴). ثبت یک واقعه ی تاریخی، یعنی نبرد «توت عنخ آمون» یکی از فراعنه جوان مصر در هزاره دوم پیش از میلاد با سوری ها است. نوع ترکیب بندی، ریتم و ضرب آهنگ قرار گرفتن سم دو اسب اربه و آشفتگی صفوف دشمنان گرایش نقاشی را به شیوه های آکادمیک و رسمی نشان می دهد. در بالای سرتوت عنخ آمون وجود دو کرکس، خطوط هیروگلیفی و نمادهای دیگر، که همگی بر خلاف سپاه دشمن با انضباط و متانت تصویر شده اند، معرف اتصال این فرعون به عالم خدایان و استعانت او از قوای ماورای طبیعت است (تصویر ۲۳-۴).



۴-۲۲- نقاشی شکار و ماهیگیری، مقبره ی منا، ۱۴۲۲-۱۴۱۱ ق. م

در عین حال اگر این نقاشی را با طرح لوح نارمر (تصاویر ۳-۴ و ۴-۴) مقایسه کنیم در می یابیم که روح حاکم بر دو اثر کاملاً متفاوت است. موضوع هر دو جنگ با دشمن است و هر دو حاکم به نیروهای ماوراء طبیعت و اساطیر متکی هستند. لیکن نوع ارائه منضبط نقوش، نظم آیینی حاکم بر اجساد مردگان و ایستادن با وقار و محکم نارمر، حضور روح آیینی و غلبه ی جهان اساطیری را القا می کند. در صورتی که جنگ «توت عنخ آمون» نبرد این دنیایی با آزادی و آشفتگی ملموس زمینی است.



همین تفاوت را می توان در میان تندیسهای فراعنه، در ادوار مختلف مشاهده کرد. در تندیس

۴-۲۳- صحنه نبرد توت عنخ آمون با سوری ها، نقاشی بر روی صندوق، ۱۳۵۰-۱۳۵۸ ق. م، موزه قاهره

شاه زوسر (تصویر ۱۱-۴) روح اساطیری و آئینی حاکم است و پیکره‌ی زیبا و مجلل توت عنخ آمون (تصویر ۱۶-۴) در عین اشاره واضح به عالم اساطیر، شکوه و جلال جهانی آشکاری را دارا است.

موضوعاتی که در این فصل به آنها پرداخته شد، همگی حاکی از یک هویت قوی حاکم بر هنر و تمدن مصر باستان است. هویتی که در هر حال به آئینهای دینی و شخصیت پادشاه یا فرعون به عنوان نماینده خدا بر روی زمین وابسته است. همین مبنا و محور مستحکم، از هنر این دوره پدیده‌ای استوار، قابل تمیز و قدرتمند ساخت که طی هزاران سال به رغم تحولات پدید آمده در آنها به راحتی از هنرهای دیگر بازشناخته می‌شود.

پرسش

- ۱- مشخصات دوزخ اصلی ساکنین مصر باستان را ذکر کنید.
- ۲- تاریخ مدون و مستند مصر از چه زمانی آغاز شد؟ توضیح دهید.
- ۳- هنر عهد کهن مصر را با چه صفاتی توصیف می‌کنند؟
- ۴- لوح نارمر چه چیزی را به تصویر کشیده و از چه نظر ارزنده است؟
- ۵- روش قراردادی نمایش تصاویر در هنر مصر باستان را توضیح دهید؟
- ۶- چه تفکری باعث شد که مصریان فن مومیایی را اختراع کنند؟ توضیح دهید.
- ۷- سیر تحول ساختار مقابر در مصر باستان را به اختصار شرح دهید.
- ۸- با ذکر یک مثال، در مورد نحوه‌ی شکل‌گیری معبد و مقبره‌ها در مصر باستان توضیح دهید.
- ۹- دو نمونه از هنر مجسمه‌سازی غیر آئینی مصر باستان ذکر کنید.
- ۱۰- در مورد ارزش آثار نقاشی مصر باستان و تنوع موضوعات آن توضیح دهید.
- ۱۱- در مورد تفاوت‌های اثر تاریخی "نبرد توت عنخ آمون" و "لوح نارمر" در کلاس گفت‌گو کنید.

فصل پنجم

هنر شبه قاره هند



دوره جدید

ح ۱۸۵۷ م

دوره مغول

ح ۱۲۰۰ م

سلسله چولا

ح ۷۵۰ م

فرمانروایی گوپتا و

سلسله پالاوا

ح ۲۵۰ م

فرمانروایی موریایی و

فرمانروایی کوشانی

ح ۴۰۰ ق. م

ورود آریایی ها

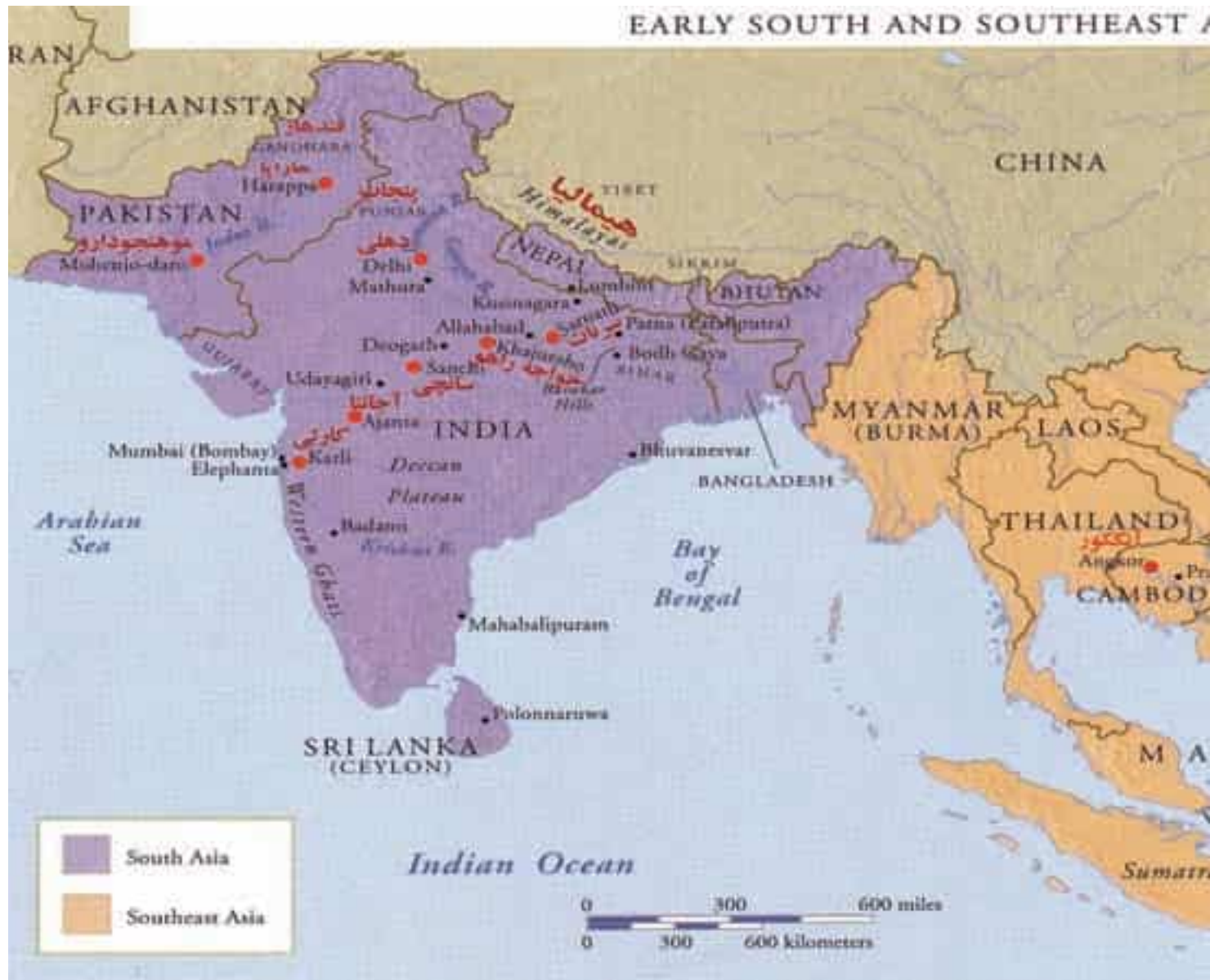
تمدن رودخانه گنگ

ح ۱۵۰۰ ق. م

تمدن دره سند

ح ۲۵۰۰ ق. م

EARLY SOUTH AND SOUTHEAST ASIA





اهداف رفتاری :

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می رود :

- ۱- عوامل و عناصر شکل‌گیری هنر شبه قاره هند را توضیح دهد.
- ۲- سه دوره‌ی هنر و تمدن شبه قاره‌ی هند را نام ببرد.
- ۳- نمودارها و آثار هنری را در دوره پیش از آریائیان شرح دهد.
- ۴- ویژگی‌های هنر اسلامی هند را شرح دهد.

هنر و تمدن شبه قاره هند

سرزمین هند یکی از مناطق مهم تاریخ تمدن بشری است که روزگاری عرصه‌ی ظهور چند تمدن عظیم و دین بنام جهان بوده است. از این سرزمین در بسیاری از موارد با نام «شبه قاره» یاد می‌کنند که این خود از عظمت این سرزمین پهناور حکایت دارد.

هنگامی که در وادی هنر و تمدن از هند نام برده می‌شود ناحیه‌ای وسیع را در برمی‌گیرد. که شامل کشورهای کنونی هندوستان، پاکستان، نپال، بوتان، بنگلادش، سریلانکا و بخشی از افغانستان است. این سرزمین که به حق سرزمین عجایب نام گرفته، تاریخی پرنشیب و فراز دارد، اقوام مختلف از نژادهای



۱- ۵ - یکی از صفحات نسخه مصور بوستان سعدی، کتابت، تصویر و تذهیب شده در هند، دوره اسلامی

گوناگون، با اعتقادات و آیینهای دینی متفاوت در طول تاریخ به این سرزمین کوچ کرده با بر آن هجوم برده‌اند. اما در نهایت همگی پس از دوره‌هایی از تنش، به نوعی همزیستی آرام و مسالمت آمیز و درک چند جانبه رسیده‌اند. برخی از هند شناسان خصلت همزیستی مسالمت آمیز و تقریب بین ادیان را از ویژگیهای بارز و ممتاز خاک سرزمین هند می‌دانند. سیر تاریخ ادیان و مذاهب در هند، این سرزمین را از بسیاری از تمدنهای دیگر ممتاز می‌سازد^{۱۳}.

هند و ایران از هزاران سال پیش تاکنون وجوه مشترکی داشته‌اند. تشابهات بسیار میان «اوستا» (کتابهای دینی کهن ایرانیان) و «وداها» (کتاب مقدس هندوان) به وجود اصل و منشأ مشترک گواهی می‌دهد. تشابه بسیاری از نام شخصیت‌های موجود در این کتابها و هویت ایشان از مواردی است که به هم اصل بودن ایرانیان و هندیان گواهی می‌دهد. این ارتباط به حدی نزدیک بوده که قریب به هشتصدسال از تاریخ هند، زبان فارسی، زبان علم و ادب به شمار می‌رفته و قریب به چهار صد سال زبان رسمی هند بوده است. بسیاری از آثار هنری و میراث فرهنگی هند را نسخه‌های خطی (تصویر ۱-۵) دیوان های شعرای بزرگی چون حافظ و سعدی و فردوسی تشکیل می‌دهد.

بناهای تاریخی معروف اسلامی چون «تاج محل» (تصویر ۲-۵) توسط مهندسان ایرانی طراحی شده و با خط زیبای خوشنویسانی ایرانی آراسته است.

هنر و تمدن سرزمین هند را به طور اجمال می‌توان به سه دوره تقسیم کرد.

الف: دوره پیش از آریائیان

ب: دوره آریائیان

ج: دوره اسلامی

هر سه دوره‌ی فوق از اعصار درخشان تاریخ شبه قاره هند به شمار می‌روند.

الف: دوره پیش از آریائیان

کهن‌ترین تمدن مکشوفه شبه قاره هند که تمدن دره ی سند است، قدمت ۴۵۰۰ ساله دارد. از این جهت یکی از قدیمی‌ترین تمدنهای جهان به شمار می‌رود. این دوره از تمدن هند که از حدود سال ۲۵۰۰ تا ۱۵۰۰ پیش از میلاد در اوج شکوفایی بوده از اکتشافات سده بیستم است. تا قبل از این اکتشافات باستان شناسی که به کشف دو شهر مهم هاراپا^{۱۴} و موهنجودارو^{۱۵} انجامید (تصویر ۳-۵)، محققان از وجود تمدنی کهن تر از

۱۳. نگرش دینی بر سر تا سر تاریخ تحول هنر هند سایه افکنده است و لذا برای درک هنر شبه قاره نیل به دانش اجمالی در خصوص ادیان این منطقه ضروری است.

۱۴. Harappa

۱۵. Mohenjodaro



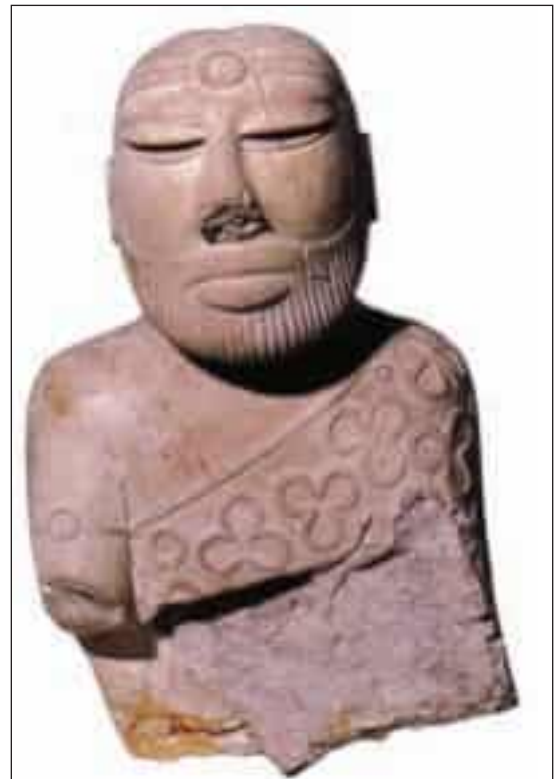
۲- ۵ - تاج محل، نمای جنوبی، کتیبه خطی

تمدن آریایی در منطقه بی اطلاع بودند.



۳-۵- طرح خیالی موهنجودارو بر اساس یافته های باستان شناسی، موزه موهنجودارو

پس از انجام حفاریها و کشف شهر مهم «موهنجودارو» در ۱۹۲۱ میلادی پرده از وجود تمدنی بسیار پیشرفته برداشته شد. از ویژگیهای مهم این شهرها، وجود نقشه شهرسازی پیشرفته، سیستم فاضلاب شهری، خانه های دو تا سه طبقه با حیاط مرکزی، خیابان ها و کوچه های منظم وعمود بر هم، انبار غله برای توزیع ارزاق، یک استخر وسیع، بناهای ساخته شده از آجرهای کوره پز شده و بالاخره حصار اطراف شهر به بلندی ۱۳ متر را می توان نام برد، که به نظر می رسد شبیه به شهر سوخته در سیستان و بلوچستان می باشد.



ظروف سفالی، تندیسهای سنگی و مسی (تصویر ۴-۵) و بالاخره مهرهای کوچکی از جنس استاتیت یا سنگ صابون (تصویر ۵-۵) از آثار مهمی هستند که از حفاریهای تمدن دره سند بدست آمده است. بر روی این مهرها که اغلب سفید رنگ هستند، نقوش جانورانی چون فیل، گاو کوهاندار، کرگدن، ببر و ... با مهارت، استادی و آگاهی کامل از کالبد شناسی نقش گردیده اند.

مطالعه ی نقوش این جانوران از یک سو، تبحر هنرمندان ۴۰۰۰ سال پیش را به نمایش می گذارد و از سوی دیگر اشاره ای به وجود انواع جانوران نقش شده در محیط زیست انسان های آن دوران دارد. همین سندهای ساکت ولی گویا نشان می دهد که روزگاری، در منطقه ای که اکنون بیابان های خشک و شن های روان آنرا پوشانده، ناحیه ی حاصلخیزی بوده و در آن گیاهان و جانوران بی شماری وجود داشته اند.

۴-۵- پیکره ی کاهن شاه، تمدن دره ی سند موهنجو دارو، ۱۷۰۰-۲۵۰۰ ق. م
سنگ صابون (استاتیت)، موزه ی ملی پاکستان



۵-۵- مهرهای موهنجودارو، سنگ صابون، ۱۷۰۰-۲۵۰۰ ق. م، پاکستان

ب : دوره آریائیان

سلطه‌ی آریائیان در مناطق شمالی شبه قاره را حدود ۱۵۰۰ ق. م تخمین زده اند. شکل‌گیری تمدن آریایی مدتی طولانی (حدود هزار سال) از ۱۵۰۰ ق. م تا زمان ظهور بودا (۵۶۶ تا ۴۸۶ ق.م) به طول انجامید و از این جهت است که آثار هنری برجسته‌ای مربوط به این ایام بدست نیامده است. گرچه منابع مکتوب از وجود هنرهای چون نقاشی دیواری، تزئینات چوبی و آثاری از عاج، نقره، طلا و سنگ های قیمتی خبر می‌دهند لیکن نمونه‌هایی از این آثار یافت نشده است.

نخستین آثار ارزنده بدست آمده از دوره حکومت آریائیان (فرمانروایی موریایی) را ستونها و سرستونهای عهد حکومت امپراتور آشوکا (حکومت ۲۳۲-۲۷۳ ق. م) تشکیل می‌دهند. امپراتور آشوکا تحت تأثیر تعالیم بودا، این ستونها را در مکانهای مهمی که به زندگی بودا مربوط می‌شود برافراشت. این ستونهای سنگی که تا ۱۰ متر ارتفاع و گاهی تا ۵۰ تن وزن داشته‌اند و به روشی استادانه تراش و صیقل خورده‌اند. تکنیک ساخت این آثار با روش حجاریهای هخامنشی و آثار تخت جمشید نزدیکی بسیاری دارد و مطالعه تاریخ روابط ملل و تحقیقات هنری نشان داده است که این سرستونهای زیبا و معروفترین آنها که سرستون سرنات (تصویر ۶-۵) نام دارد یا به دست حجاران و معماران هخامنشی و یا زیر نظر مستقیم آنها، توسط هنرمندان بومی، ساخته شده‌اند.

از سده ۵ سوم قبل از میلاد تا حدود سده ۵ پنجم و ششم میلادی آثار هنری غالب در شبه قاره‌ی هند را آثار مجسمه سازی و معماری بودایی و هندویی تشکیل می‌دهند.

اولین نمونه‌های معماری بودایی استوپاها^{۱۶}، بودند. استوپا (تصویر ۷-۵) از یک پشته نیم‌کروی محکم و توپر ساخته می‌شد و محل نگهداری اشیا به یادگار مانده از بودا بوده است. بسیاری از این



۵-۶- سرستون آشوکا (چهار شیر و چرخ)، سنگ ماسه، سده سوم ق. م، سرنات، موزه‌ی باستان‌شناسی، هند

stupa.۱۶



۵-۷- استوپای بزرگ سانچی ، سده اول قبل از میلاد تا سده بعد از میلاد ، هند

بناهای یادبود در دوره حکومت آشوکا ساخته شده اند و طی مرور زمان در ابعاد بزرگتر بنا شده و به عنوان سبک معماری خاص بودایی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در زمینه هنرهای تجسمی، نقاشی‌های دیواری، نقش برجسته‌های سنگی و بالاخره تندیس‌های بودا (تصویر ۸-۵) عمده‌ی آثار هنری بودایی را تشکیل می‌دهد.

آئین هندویی نیز از آئین‌های کهن شبه قاره هند است که جزء ادیان آریایی به شمار می‌رود. این

آئین به عنوان دین غالب سرزمین هند هنوز رواج دارد و اغلب آثار هنری شبه قاره نیز به نوعی با همین دین مرتبط است. بنای معابد، تندیس‌های سنگی، فلزی و چوبی، نقش برجسته‌های مربوط به خدایان متعدد و نقاشی روی دیوار غارها و معابد آثاری هستند که به وفور در نقاط مختلف هند دیده می‌شوند (تصویر ۹-۵).

در آئین هندویی سه ایزد چرخش نظام هستی را به عهده دارند که خدایان اصلی را تشکیل می‌دهند و عبارتند از: «برهما» ایزد خالق، «ویشنو» ایزد محافظ کائنات و «شیوا» ایزد نابودی (تصویر ۱۰-۵).

معابد هند عموماً به پرستش دو ایزد (ویشنو و شیوا) و تجلیات آنها اختصاص دارند. نمای خارجی این معابد چنان مملو از تندیس خدایان، تصاویری (به صورت نقش برجسته، پیکرتراشی و نقاشی)، شرح حال زندگی خدایان و جانوران اساطیری است که این معابد را به تندیسهای عظیم و پیچیده‌ای تبدیل کرده اند. به بیان دیگر این معابد تلفیقی از پیکرتراشی و معماری می‌باشد (تصاویر ۱۱-۵) معمولاً فضای داخلی آن اندک است و بیشترین تاکید بر جزئیات خارجی است.



۵-۸- بودای نشسته ، سنگ ماسه ، سده پنجم میلادی ، سرنات ، موزه ی باستان شناسی ، هند



۵-۱۰- شیوا در مقام نتاراجا (رقص کیهانی) ، سده ۱۰ میلادی ،
مفرغ



۵-۹- بخشی از یک نقش برجسته ی سنگی با
صحنه هایی از زندگی بودا ، سده دوم میلادی
گالری فری-یر-واشنگتن



۵-۱۱- معبد خاجوراهاو ، هند ، حدود سده ۱۰ میلادی

دوره‌ی اسلامی

تا سده هفتم هجری قمری/ سیزدهم میلادی، آثار قابل ملاحظه‌ای از نفوذ و اختلاط فرهنگی میان مسلمین و هندیان به دست نیامده است. از این تاریخ، با مهاجرت ایرانیان به هند زمینه ایجاد یک فرهنگ عظیم فراهم می‌شود. انتقال اسلام به هند نیز اساساً توسط ایرانیان صورت گرفت و همراه این انتقال فرهنگی زبان فارسی نیز رواج یافت. فنون کتاب‌آرایی اسلامی نیز رشد کرد و به اوج خود رسید به طوری که برخی از زیباترین نسخه‌های خطی نفیس فارسی در شبه قاره هند تدوین گردیده و تعداد نسخه‌های خطی فارسی هند بیش از تعداد نسخه‌های تدوین شده در ایران است.

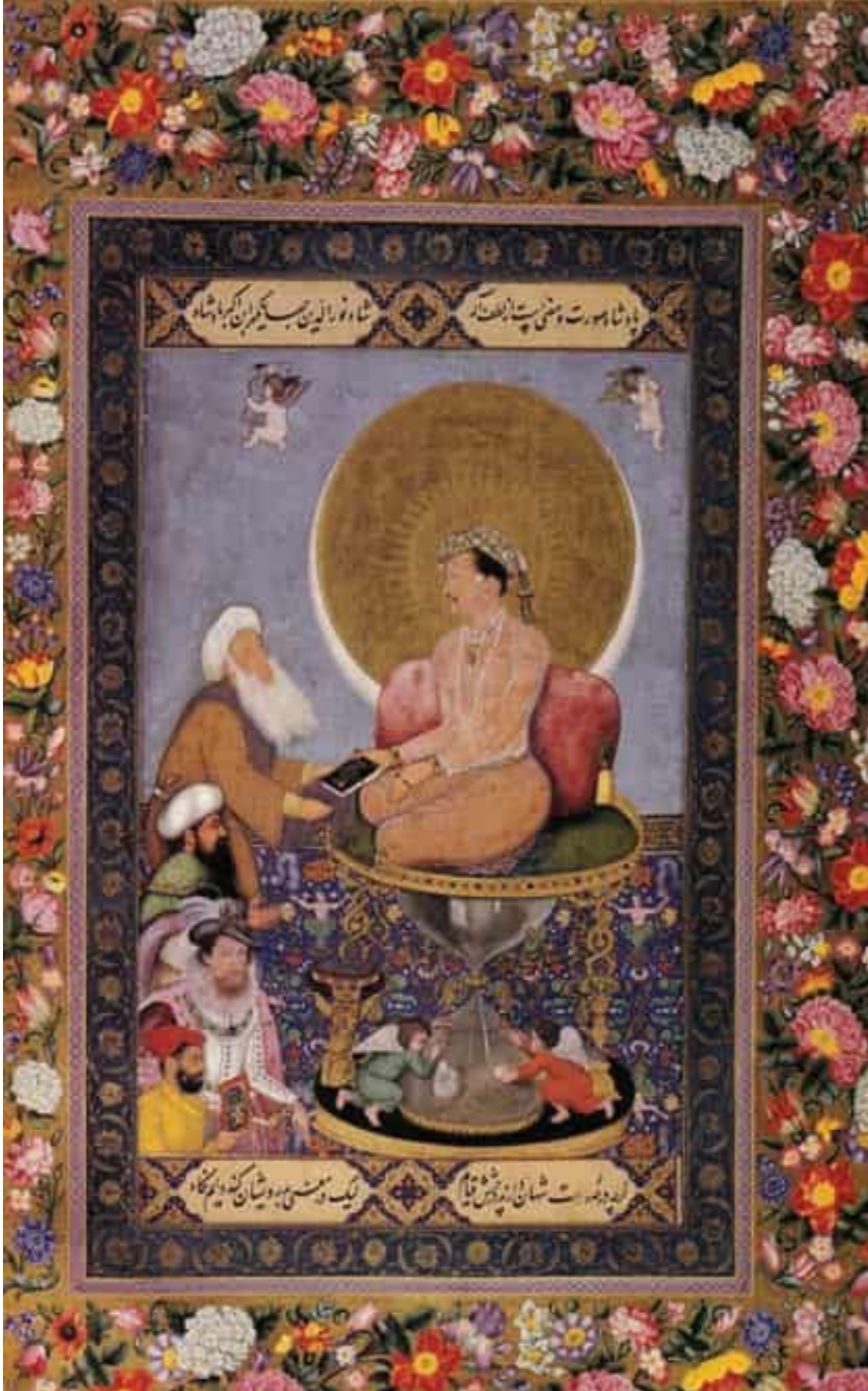
تأثیر فرهنگ ایران بر سرزمین هند در زمینه نقاشی، نگارگری، هنرهای دستی، فرش و معماری نیز بوضوح دیده می‌شود. اوج تجلی هنر اسلامی را که هنر «هندو- ایرانی» نیز نامیده می‌شود، می‌توان در دوران حکومت مغولان تیموری (۱۵۲۶ تا ۱۸۵۷ میلادی) مشاهده کرد.

هند به واسطه وجود سلاطین و درگیری‌های محلی آنان از نظر سیاسی کشوری ناآرام و بی‌تعادل بود اما پس از استقرار مغولان هند (تیموریان) نظام و قوام فرهنگی خاص یافت. لازم به ذکر است که لفظ «مغول» برای ما ایرانیان، توحش، بی‌فرهنگی و بربریت را تداعی می‌کند در صورتیکه این لفظ در شبه قاره هند همواره با احترام یاد می‌شود. مغول‌های هند، بر خلاف مغولانی که به ایران تاختند، پس از گذشت حدود دویست سال انسان‌هایی فرهنگ دوست و هنرپرور گشتند.

استقرار و قوام اولیه عهد مغول که توسط بابر، بنیانگذار این سلسله تا حدی بدست آمده بود در عهد حکومت فرزندش همایون شاه، ۵۶- ۱۵۳۰ میلادی تنزل کرد. ولی همین ضعف نظام سیاسی سبب رشد فرهنگی و هنری گشت زیرا همایون شاه از وحشت شورشیان به دربار شاه طهماسب صفوی در ایران پناه آورد. شاه طهماسب از او به نیکی پذیرایی کرد و برای بازپس گرفتن قدرت از دست رفته از او حمایت کرد. در زمان اقامت در دربار ایران، همایون شاه بسیار تحت تأثیر هنر، ادب و فرهنگ صفویه در ایران قرار گرفته بود و هنگامیکه با کمک شاه ایران توانست قدرت از دست رفته را باز یابد زمینه مهاجرت هنرمندان ایرانی را فراهم کرد. از پیشگامان این مهاجرت باید از «دوست مصور»، «میرسیدعلی» و «عبدالصمد» نام برد.

این هنرمندان برای پرورش هنرجویان و خلق آثار هنری، به ایجاد کارگاه‌های هنری در دربار همایون شاه پرداختند و بدین ترتیب فصلی نوین در فرهنگ و هنر هند آغاز گردید. قدر نهادن به هنر و هنرمندان در

دربار مغولان هند به حدی بود که بسیاری از هنرمندان و شعرای ایرانی به دربار پادشاهان مغول هند جذب شدند و منشا خدمات و آثار ارزنده‌ی فرهنگی و هنری گشتند. موج‌گرایش به هنر و فرهنگ ایران روز به روز گسترده‌تر می‌شد و آثار هنری ارزنده‌ای خلق می‌گشت. پادشاهان بعدی مغول، چون اکبرشاه (که **اکبر کبیر لقب گرفته**)، جهانگیر شاه و شاه جهان به ترتیب بر کمیت و کیفیت این هنر افزودند. آثار کم‌نظیری در زمینه‌های نسخ‌مصور خطی، کتاب‌هایی چون همایون‌نامه، اکبرنامه، توزک جهانگیری و پادشاهنامه شاه جهان و آثار چوبی، فلزی، سنگی و معماری از این دوران به جای مانده است که در ردیف برجسته‌ترین آثار هنری جهان قرار دارند (تصاویر ۱۲-۵ تا ۱۶-۵). نسخ‌خطی دوره‌ی اسلامی هند اغلب به زبان فارسی و خط نستعلیق نوشته شده‌اند. زبان فارسی در حکم زبان دینی مسلمانان هند است همانطور که زبان عربی و خطوط نسخ و ثلث برای ما ایرانیان فرهنگ اسلام را تداعی می‌کند، زبان و خط فارسی نستعلیق نیز نزد مسلمانان شبه‌قاره هند نه تنها به لحاظ فرهنگی و ادبی ارزشمند است بلکه از جایگاه خاص دینی نیز برخوردار است. پادشاهان مغول کتابخانه‌های عظیمی تأسیس کردند، به اهل قلم سفارش کتاب می‌دادند و سپس خوشنویسان و تذهیب‌کاران و نگارگران به تصویر و تزئین این کتاب‌ها می‌پرداختند. خلق این آثار از یک سو به ترویج خط و زبان فارسی انجامید و از سوی دیگر زمینه را برای خلق آثار بدیع هنری در قالب خط، تذهیب و نقاشی فراهم نمود. دوران هنر اسلامی شبه‌قاره هند در عهد شاه جهان به کمال خود رسید. بنای زیبای تاج محل (تصویر ۱۷-۵) مربوط به همین عهد است. این بنا که در شهر آگرا واقع است، مقبره ممتاز محل همسر محبوب شاه جهان است که بعدها خود نیز در آن مدفون گشت. این بنا که به نمادی از عشق شهرت دارد و یکپارچه از سنگ مرمر سفید ساخته شده، از تاثیر عمیق هنر معماری ایرانی بر معماری بومی هند حکایت می‌کند.



۱۲-۵- جهانگیر شاه و شیخ صوفی، نقاشی مغولی، آبرنگ جسمی روی کاغذ، هند، سده یازدهم هجری



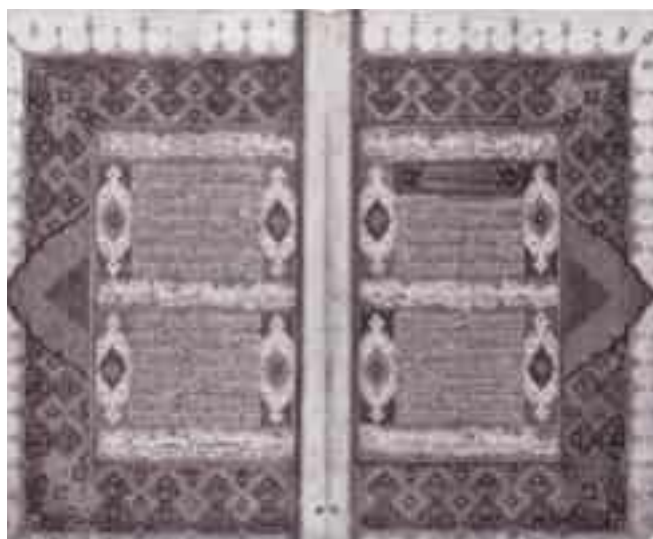
۱۴-۵- برگگی از اکبر نامه ،
عهد مغول ، سده دهم هجری
هند ،



۱۳-۵- منار قطب الدین
ایبک ، دهلی ، سده ششم
هجری ، سنگ ماسه سرخ
ومرمر صاف



۱۶-۵- شاه جهان در حال نگهداری
یک جواهر ، مرقع شاه جهان



۱۵-۵- دو صفحه روبرو از قرآن دست نوشته ،
لاهور ، سده دهم هجری ، کتابخانه ی بریتانیا



۱۷-۵- نمای کلی تاج محل، آگرا، هند

پرسش

- ۱- چه مواردی را می‌توان به عنوان نشان دهنده ارتباط نزدیک ایران و هند ذکر کرد؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۲- تمدن هند را به چند دوره تقسیم می‌کنند؟ نام ببرید.
- ۳- شهرهای مهم "هاراپا" و "موهنجارو" مربوط به چه دوره‌ای هستند و چه ویژگی‌های دارند؟
- ۴- نخستین آثار ارزنده‌ی به دست آمده از دوره‌ی حکومت آریائیان در هند چیست؟ توضیح دهید.
- ۵- اولین نمونه‌های معماری بودایی چه نام دارند و کاربردشان چه بوده است؟
- ۶- معابد هند دارای چه خصوصیتی هستند؟
- ۷- انتقال اسلام به هند از چه طریق صورت گرفت؟ توضیح دهید.
- ۸- اوج تجلی هنر اسلامی هند مربوط به چه دورانی است؟ چرا؟
- ۹- سه تن از هنرمندان ایرانی پیش‌گام مهاجرت به هند را نام ببرید.
- ۱۰- چند نمونه از آثار برجسته‌ی نسخ خطی مصور کارشده در زمان پادشاهان مغول را نام ببرید.
- ۱۱- دوران هنر اسلامی هند در عهد کدام پادشاه به کمال خود رسید؟ یکی از مهم‌ترین آثار این دوره را ذکر کنید.

فصل ششم هنر و تمدن چین و ژاپن



چین معاصر

ح ۱۹۱۱ م

سلسله چینگ

ح ۱۶۵۰ م

سلسله مینگ

ح ۱۴۰۰ م

سلسله یوآن

ح ۱۳۰۰ م

سلسله سونگ

ح ۹۵۰ م

سلسله تانگ

و ۵ سلسله

ح ۵۵۰ م

سلسله های ششگانه

ح ۲۲۰ م

سلسله های

چین و هان

ح ۴۰۰ ق م

سلسله زو (چو)

ح ۱۰۰۰ ق م

سلسله شانگ

ح ۲۰۰۰ ق م

دوران نوسنگی

EARLY CHINA AND KOREA





اهداف رفتاری:

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می رود:

- ۱- تفکر و هنر غالب در نظام فکری مؤثر در هنر چین را شرح دهد.
- ۲- عوامل و عناصر تشکیل دهنده ی هنر کهن شرق دور را شرح دهد.
- ۳- هنر سلسله ی میانه وچین متأخر را شرح دهد.
- ۴- ارتباط هنر چین را با دیگر هنر ها (ایران) به اجمال توضیح دهد.
- ۵- هنر و تمدن ژاپن را به اختصار شرح دهد.

هنر و تمدن چین

شرق دور متشکل از کشورهایی است چون چین، کره و ژاپن که کمابیش دارای فرهنگ و هنری نزدیک به هم هستند. دوران تاریخی فرهنگ و تمدن چین به حدود هزاره دوم قبل از میلاد می رسد و با سلسله شانگ قطعی و مستند می شود. اکتشافات باستان شناسی به وجود تمدن و حکومت منسجمی در دشتهای اطراف رودخانه زرد یا هوانگ هو (جوانگ جو) در شمال و شمال شرقی چین گواهی داده است. هنر چین از جمله هنرهای شاخص جهان است که از دیر باز هویت خاص چینی خود را حفظ نموده است. چین به خاطر

اختراعات ارزنده‌ای چون تهیه ابریشم از پيله‌ی کرم ابریشم، ساخت ظروف چینی بسیار مرغوب، کاغذ و نیز صنعت چاپ شهرت بسیار دارد.

تفکر و هنر غالب چین در طول تاریخ تحت تأثیر سه نظام فکری و اعتقادی یعنی تعالیم «لائوتسه»^{۱۷}، «کنفوسیوس»^{۱۸} و «بودا»^{۱۹} شکل گرفته است.

۱- قدمت تعالیم **تائو** به ۶۰۴ قبل از میلاد و به دوران سلسله «چو» باز می‌گردد. بنیانگذار این تفکر شخصی به نام لائوتسه بوده که جز یک کتاب کوچک تحت عنوان «راه و قدرت های آن» (دائو دجینگ) از وی چیزی به جای نمانده است. تعالیم عرفانی لائوتسه مربوط به یگانگی با نیروی لایزال جهان است.

۲- **کنفوسیوس** در سال ۵۵۱ قبل از میلاد در دوران سلسله چو دیده به جهان گشود. تعالیم او ضمن تأکید بر جنبه‌های اخلاقی متوجه ایجاد تحولاتی در جهت بهبود ساختار اجتماعی و نظام حکومتی بود. کنفوسیوس را بیشتر می‌توان یک مصلح فیلسوف دانست.

۳- «**بودا**» شاهزاده‌ای هندی بود که در سده ۵ ششم قبل از میلاد در هند متولد شد، در همان سرزمین به ترویج تعالیمش پرداخت و همانجا نیز جان سپرد. تعالیم بودا که بر مبنای تعالیم زیستی و صلح‌اندیشی استوار بود، در فاصله چند سده در میان اقوام، ملل و فرهنگ‌های مجاور مقبولیت وسیع یافت. جاده ابریشم در انتقال این آیین و هنرهای ناشی شده آن نقش مهم و حساس ایفا کرد. از طریق همین شبکه راه بود که فرهنگ‌های گوناگون شرقی و غربی با یکدیگر آمیخته و انعکاس آن را می‌توان به بهترین نحو در آثار هنری دوره بودایی که از سده اول میلادی به بعد وسعت و شوکت یافت، مشاهده کرد.

مهم‌ترین هنر چینی خوشنویسی و نقاشی است. با شکل‌گیری سلسله‌های پنج‌گانه و سلسله سونگ مهم‌ترین دوران عصر طلایی فرهنگ، شعر و هنر چینی با به وجود آمدن طریقت چینی موسوم به «چان» همراه با تأسیس هنرکده نقاشی، تحول شگرفی در نقاشی منظره‌سازی به ویژه طومارهای آویختنی یا کادرهای عمودی پدید آمد. همچنین در این دوران پیکره‌های چوبی با شکوه و غیررسمی با توجه به ظرافت‌های اجرایی ساخته شد. آئین "چان" تلفیقی از تعالیم زیستی بودا و افکار لائوتسه یا به عبارتی تلفیقی از تعالیم تائوئیسم و بودایی است که توجه خاصی به طبیعت دارد و زمینه‌ساز مهم‌ترین تجربیات هنری نقاشی در زمینه منظره‌سازی است. این آیین امروزه بیشتر با واژه ژاپنی آن یعنی "ذن" بکار گرفته می‌شود.

”خوش نویسی“ در سنت هنری چین والاترین جایگاه را دارد، از این رو آموزش خط به عنوان یک پدیده تربیتی بنیادین از دوره کودکی آغاز می‌گردد. یک فرد چینی اهل فرهنگ می‌بایست همواره توان خویش را در خوش نویسی حفظ می‌کرد تا بتواند آن را به اثبات برساند. اهمیت خوش نویسی به حدی بوده که حتی محققان و اهل علم برای احراز یک مقام رسمی دولتی می‌بایست امتحان خوش نویسی را با موفقیت پشت سر می‌گذاشتند و در غیر این صورت به مسند مورد درخواست گمارده نمی‌شدند.

ابزار خوش نویسی چینی عبارت از قلم مو، کاغذ، مرکب و سنگ مرکب بودند و این هنر از کهن‌ترین هنرهای چین است. این هنر با تعالیم لائوتسه، ارتباط مستقیم دارد. بر اساس این تعالیم، حرکت قلم می‌بایست دارای تمام نیروهای حیات بخش جهان و کیهان شامل نیروهای نهان در کوهها، رودخانه‌ها و صخره‌ها، درختان، حشرات و دیگر جانداران باشد. هنرمند می‌بایست با تمرین بسیار بتواند با جزئی‌ترین حرکات، فشار، نرمی و کشش قلم مو قادر به القای نیروهای مذکور باشد. او در طی این ریاضت طولانی نه تنها به شناخت قوای طبیعت دست می‌یابد بلکه به شناخت حقیقت خویش نیز نائل می‌گردد. او به هنگام خلق یک اثر خوش نویسی و نقاشی را به نمایش می‌گذارد. (تصویر ۱-۶ الف و ب)



۱-۶-ب - نقاشی و خوش نویسی، هسوی، ۱۵۹۳-۱۵۲۱، چین



۱-۶-الف - ادوات نقاشی و خوش نویسی

آثار خوش نویسی در سراسر چین به عنوان یک سنت فرهنگی ملی به صورت خطوط تزئینی بر سر در و دیوار معابد، غارها، سینه‌ی کوه‌ها و عنصری از عناصر نقاشی دیده می‌شود و رواج کامل دارد. "نقاشی" در چین نزدیکی بسیاری با خوشنویسی دارد. ابزار هر دو یکی است و زمینه کار نیز کاغذ یا ابریشم است. طبیعت از موضوعاتی است که بسیاری از نقاشان را تحت تأثیر خود قرار داده، نقاش اصیل چینی هیچگاه به تقلید از طبیعت نمی‌پردازد چرا که مقصود او چیزی ورای ظاهر طبیعت است. او به یگانگی با روح و جوهر طبیعت می‌اندیشد و می‌کوشد تا با ایجاد فضاهایی به کمک حرکت مواج قلم مو و با حداقل پرداختن به جزئیات، تخیل خود را از طبیعت تصویر نماید.

وقتی به یک نقاشی منظره‌ی چینی نگاه می‌کنیم عظمت طبیعت را بدون نیاز به مشاهده جزئیات حس می‌کنیم. کوهها، رودها، درختان و ... همه با آن نیروی ذاتی خود در تصویر حضور دارند. انسان‌ها اغلب چون ذرات ناچیزی در گوشه و کنار دیده می‌شوند. این نوع تصویرگری با تعالیم لائوتسه که انسان را در قیاس با عناصر طبیعت عنصری کوچک و حقیر می‌داند، هم سویی و هم‌نوایی کامل دارد. (تصویر ۲-۶)



۲-۶-بودیساتوا، پیکره چوبی نقاشی شده، سده ۱۲ و ۱۳ میلادی، چین



۲-۶-نقاشی منظره، چین



۶-۴- گوانگ با شکل جانوری، سلسله شانگ، سده ۱۲ یا ۱۱ ق. م، مفرغ

حجم زیادی از هنر دینی چین را آثار بودایی تشکیل می دهد. معبد - غارها، نقاشیهای روی دیوار و طاق پرستشگاه، تندیسها و شمایلهای چوبی، گلی و سنگی بی شمار با مضامین بودایی در جای جای این کشور وسیع پراکنده است (تصویر ۳-۶).

هنر چین باستان (از هزاره دوم قبل از میلاد تا سده ی ششم میلادی)

پس از گذراندن عصر نوسنگی، دوران تاریخی چین از سلسله شانگ شروع و تا پایان دوران شش پادشاهی را در بر می گیرد. بر اساس یافته‌های باستان شناسی قدیمی‌ترین تندیسهای بدست آمده، مجسمه‌های کوچکی از جنس سفال بسیار مرغوب (نزدیک به چینی) و یا پیکره‌های کوچکی از جنس سنگ یشم سبز یا مرمر سفید است. بسیاری از این تندیسها در مقبره‌ی پادشاهان سلسله شانگ یافت شده که از آیین به خاک سپاری لوازم و اشیاء مختلف، همراه با مردگان در آن عصر حکایت می کند. همچنین پیکره‌ها و ظروف مفرغینی که از نمونه‌ی بارز آن می توان به گوانگ^{۲۰} اشاره کرد نیز وجود دارد (تصویر ۴-۶).

در اواخر دوران سلسله شانگ و شروع سلسله «چو» آثار مفرغی با ایجاد برخی تغییرات در شکل آن‌ها ساخته شد و سنگ یشم ارزش بیشتری یافت و در آن‌ها توجه خاصی به گرایشات آیینی (لائوتسه و کنفوسیوس) پدیدار شد (تصویر ۵-۶). در دوران سلسله «چین»^{۲۱} بنیاد رسمی و نظام حکومتی منسجمی برقرار و همچنین خط و سکه یکسان و شبکه‌ای از راه‌ها احداث و برای استحکام بخشیدن قلمرو حکومتی دیوار عظیم چین ساخته شد (حدود سده دوم ق. م).

از آثار منحصر به فرد سلسله چین ارتش سفالین در ابعاد طبیعی است (تصویر ۶-۶). با روی کار آمدن سلسله «هان» با برقراری مجدد نظام حکومتی و آیین کنفوسیوس شهرهایی با ساختار چهار جهت اصلی و ایجاد کاخهایی با شکوه با دیوار نگاره‌های مجلل پدید آمد و بر اساس آثار باستان‌شناسی بدست آمده از مقابر بزرگ پادشاهی یا خاندان سلطنتی، مانند پارچه‌های ابریشمی نفیس (تصویر ۷-۶)، بخورسوزهای مفرغی با تزئینات مرصع و با اختراع کاغذ (حدود ۱۰۵ ق. م) اولین بازتاب عناصر هنر متعالی منظره پردازی چینی (کوه و آب) گسترش یافت.



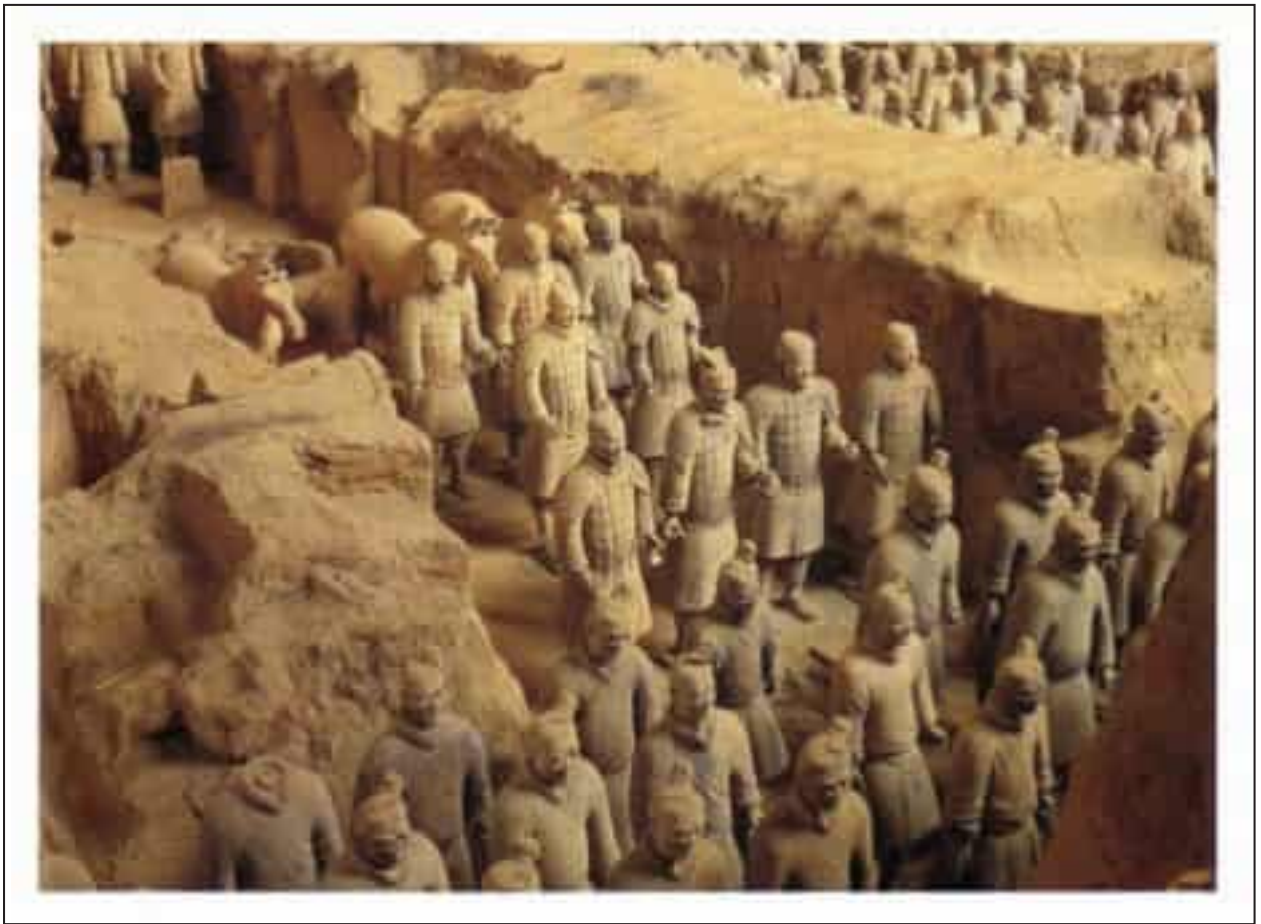
۶-۵- حلقه بی، سنگ یشم، شی مقدس مردگان، سده چهارم و سوم ق. م

شکل‌گیری دوران شش پادشاهی در سده سوم میلادی با نفوذ تعالیم بودا، اصول شش گانه^{۲۲} نقاشی

۲۰. guang ظروف مفرغین با درپوش بزرگ، به هیبت جانوری، دارای تزئینات چهار گوش

۲۱. نام کشور چین نیز از همین سلسله بر گرفته شده است.

۲۲. ۱- یگانگی با روح و جوهر طبیعت ۲- روش های بکار گیری قلم مو ۳- وفاداری به شکل ظاهری اشیاء ۴- هماهنگی و همسانی کاربرد رنگها ۵- طرح ریزی صحیح در بکارگیری عناصر ۶- انتقال تجربه گذشتگان



۶-۶- سپاه سفالین رنگ شده شی هوانگ دی ، دفن شده در گودال ، سلسله‌ی چین -۲۱۰ ق. م. ، بلندی پیکره‌ها حدود ۱۷۷ سانتی متر



۶-۷- پرچم تشییع جنازه ، نقاشی روی ابریشم ، آرامگاه سلسله‌ی هان ، ۱۶۸ ق. م.

چینی تدوین و نوعی روش اجرای نقاشی با مرکب بر کاغذ گسترش یافت. از دیگر آثار بدست آمده می‌توان به طومارهای ابریشمی یا کاغذی که برای نگارش با نقاشی استفاده می‌شد اشاره کرد.

لازم به ذکر است که هنر بودایی در سده‌های نخستین خود عاری از هرگونه شمایل‌بندی است. در این دوره هیچ مجسمه‌ای از بودا بدست نیامده و همواره به صورت نمادها و نشانه‌های خاص از او یاد شده است. با گسترش آیین بودایی و همزمان با اوج‌گیری داد و ستد ملل و اقوام از طریق جاده‌ی ابریشم سنن دینی هم از یکدیگر تأثیر پذیرفتند. هنرمندان با آثار هنری اقوام دیگر آشنا شدند و از یکدیگر بهره گرفتند و روش‌ها آموختند. رفته رفته تصویر کردن "بودا" و ساختن شمایل‌های او رواج یافت. از حدود سده‌ی اول میلادی ساخت شمایل‌های "بودا" اشاعه یافت و با گسترش جغرافیایی آیین بودایی نه تنها بر تعداد تندیس‌های بودا افزوده شده بلکه ابعاد مجسمه‌ها نیز رشد کرده است.

شناخت کالبدشناسی، شکل، رنگ، بافت و غیره در هنر چین در سطح عالی بود به طوری که تجربیات دیگر فرهنگ‌های مرتبط را در برمی‌گرفت (تصویر ۳-۶). تندیس‌های از هنر مجسمه‌سازی و نقاشی که حاصل بیش از هزار سال تجربه هنری است.

هنر سلسله‌های میانه (کلاسیک)

این دوره شامل سلسله‌های تانگ، سلسله‌های پنج‌گانه و خاندان سونگ می‌باشد. با گستره جغرافیایی چین در زمان سلسله تانگ ادیان مختلفی چون بودایی، مسیحی، زرتشتی و اسلامی پدیدار شدند. از آثار برجسته این دوران می‌توان به بوداهای عظیم الجثه بی‌شمار در غارهای هزار بودای نواحی مختلف چین اشاره کرد (تصویر ۸-۶).

در این دوره نمونه‌های بسیار دیگری به دست آمده است. از جمله: آثار نوشتاری، طومارهای امپراتوری، معابد باشکوه چوبی همراه با نقاشی و دیوارنگاری، پیکره‌های مفرغی، بناهای آجری هفت طبقه موسوم به پاگودا^{۲۳} (تصویر ۹-۶ الف و ب)، پیکره‌های غاری بزرگ و پیکره‌های صخره‌ای، تندیس‌های گلی رنگ شده به ویژه اسب^{۲۴} (تصویر ۱۰-۶)، تصاویر بودا در بهشت (تصویر ۱۱-۶) و منظره‌های تک رنگ بر ابریشم (تصویر ۱۲-۶).



۶-۸- بوداهای عظیم الجثه،
غارهای هزار بودا، سلسله‌ی
تانگ، ۶۸۰-۶۷۰ م بلندی
۱۵ متر، چین

۲۳. pagoda

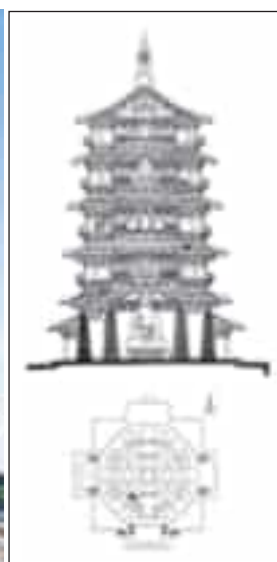
۲۴. اسب در فرهنگ چین همان ارزش گاو در فرهنگ خاورمیانه را دارد.



۹-۶-الف - پاگودا، ینینگ شیآن، ۱۰۵۶ میلادی، چین



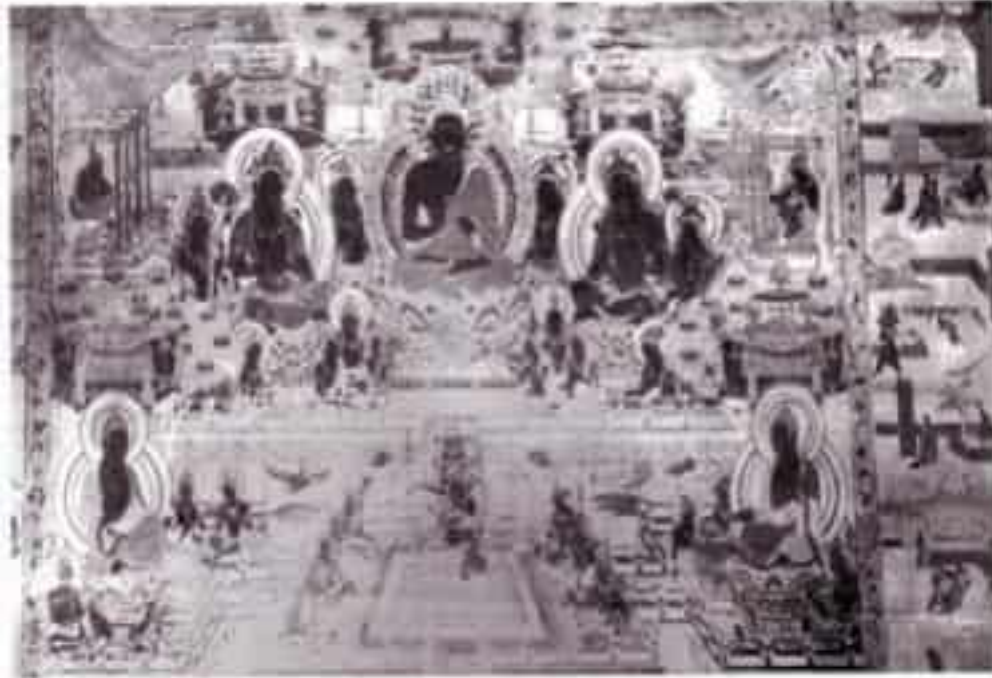
۱۰-۶- اسب سفالین لعاب دار، سده ۹ و ۸ میلادی، بلندی ۵۰ سانتی متر



۹-۶-ب - پلان و برش عرضی پاگودا



۶-۱۲- مسافران در میان کوه ها ورودها ، فان کو آن، سلسله ی سونگ ، سده ۱۱ میلادی ، طومار عمودی مرکب و رنگ روی ابریشم



۶-۱۱- بهشت آمیتایها ، نقاشی دیواری غار تون هوانگ ، سلسله ی تانگ ، سده ۹ میلادی ، چین

چین متاخر

دوره چین جدید شامل سلسله های یوان، مینگ، چینگ و دوره معاصر (جمهوری چین) می شود. این دوره تاریخی با تسلط مغولها بر چین از سده سیزدهم و چهاردهم میلادی آغاز شد و حاکمان جدید تلاش کردند فرهنگ غنی چین را جذب کنند. از مهم ترین تحولات هنری این دوران می توان به شکل گیری مکتب بن رن با حضور شخصیت های علمی، ادبی، فرهنگی که به نقاشی می پرداختند اشاره کرد. عمده نقاشی های این مکتب که بر کاغذ ترسیم می شد شامل کوه های رفیع، آبشار، جنگل ها، رودخانه ها، کاج های گره دار، تک چهره ها، اسب، پرنده، گل و ... بود. ولی غالب ترین موضوع نقاشی به «خیزران»^{۲۵} توجه دارد (تصویر ۱۳-۶).

دوران مینگ شامل سده های چهاردهم تا هفدهم، دوران شکل گیری پایتخت رسمی چین در شهر پکن و ساخت شهر ممنوعه (بی جینگ)^{۲۶} (تصویر ۱۴-۶) است. دوران باز آفرینی هنرهای پیشین، تمایل به تزئینات،

۲۵. خیزران در فرهنگ چین معادل اصیل زاده در نظر گرفته می شود که در مقابل سختی ها خم می شود اما هرگز نمی شکند.

۲۶. بی جینگ: محل اقامت امپراتور



۱۳-۶- منظره ی کوهستانی ، هوا نگ کونگ وانگ ، سلسله ی یو آن ، طومار افقی ، مرکب روی کاغذ



۱۴-۶- قصر امپراتور ، شهر ممنوعه ، سلسله های مینگ وچینگ ، سده ۱۷ م ، چین

چینی سازی (وسایل زندگی و مبلمان) (تصویر ۱۵-۶) و شکل‌گیری منظره‌پردازی آبی و سبز (تصویر ۱۶-۶) و حضور هنرمندان زن در امپراتوری چین است.

در دوره چینگ (سده ۱۷ تا ۲۰ میلادی) زمینه تجارت و تبادل فرهنگی و صادرات به اروپا با مهم‌ترین دوران تاثیر گذاری بر سبک روکو کو مطابقت دارد (تصویر ۱۷-۶). مهم‌ترین تحول نقاشی در این دوران، تاکید بر ضربه‌های قلم‌مو و حذف فضاهای مه آلود در نقاشی است که شاهد آثاری با وضوح بیشتر هستیم و در این آثار بیشترین تاکید بر پیش زمینه و کادر افقی به جای کادرهای عمودی سابق می‌باشد.



۱۵-۶-میز چوبی با روکش لاک الکل قرمز، سلسله ی مینگ ، سده ۱۵ م



۱۶-۶-گلدان چینی زیر لعابی، سده ۱۸ میلادی ، ۳۰ سانتی متر ، سلسله چینگ

ایران و چین

ایران و چین از دیرباز از طریق جاده ابریشم با یکدیگر مرتبط بوده اند و گروه‌های زیادی از ایران بزرگ و آسیای میانه به چین مهاجرت کردند و در آنجا رحل اقامت افکندند. ایالت شین جیانگ (سینک یانگ) در شمال غربی چین موطن این جمعیت مسلمان است. البته مسلمانان دیگری هم از راه‌های دریایی و مسیرهای متفاوت به چین وارد شده اند. لذا تأثیرات اسلام را تقریباً در اکثر مناطق چین می‌توان مشاهده کرد.



۱۷-۶- بشقاب چینی سفید نقاشی شده رولعابی شفاف، سلسه‌ی چینگ، حدود ۱۷۰۰ میلادی، چین



۱۸-۶- منارامین، ناحیه ی تورفان، غرب ترکستان چین، سده ۱۸م، چین

شهرهای مهم و تاریخی که کاشغر و ختن در ایالت دارای آثار معماری ارزنده ای است که با سبک معماری و کاشیکاری ایرانی و با الفاظ فارسی آراسته شده اند (تصویر ۱۸-۶). مسلمانان چینی تحت تأثیر فرهنگ و مذهب ایران تعداد زیادی از واژه های فارسی را خصوصاً در مضامین مذهبی بکار می برند. واژگانی چون آبدست (وضو)، بانگ نماز (اذان)، نماز بامداد (نماز صبح)، نماز پیشین (ظهر)، نماز دیگر (عصر)، نماز شام (مغرب)، نماز خفتن (عشاء) و ... می توان اشاره کرد.

ایران نیز از بسیاری جهات از هنر چین خصوصاً ساخت و تزئین ظروف چینی و نقاشی دوران مغول تأثیر پذیرفت. چین هنوز هم پس از گذشت قرون و اعصار به ساخت ظروف چینی ظریف و زیبا شهرت دارد.

پرسش

- ۱- تفکر و هنر غالب چین تحت تأثیر چه نظام های فکری شکل گرفته است؟
- ۲- تفکر تائو را توضیح دهید.
- ۳- کنفوسیوس که بود؟
- ۴- جاده ی ابریشم چه تأثیری در هنر چین گذاشته است؟
- ۵- آیین چان چیست؟ چه تأثیری در هنر چین گذاشته است؟
- ۶- خوش نویسی در چین با چه تعالیمی ارتباط مستقیم دارد؟ توضیح دهید.
- ۷- برخورد نقاش اصیل چینی با طبیعت چگونه است؟
- ۸- دوران تاریخی چین با کدام سلسه آغاز می شود؟ قدیمی ترین آثار به دست آمده این دوران چیست؟
- ۹- چه اتفاقات مهمی در اواخر دوران سلسه "نانگ" و شروع سلسه "چو" در هنر چین روی داد؟
- ۱۰- دیوار چین در کدام سلسه ساخته شد؟ دیگر کارهای مهم این سلسه را ذکر کنید.
- ۱۱- چگونه ساختن شمایل بودا در چین رواج یافت؟
- ۱۲- هنر سلسه ی میانه ی چین را به اختصار توضیح دهید.
- ۱۳- ویژگی های مکتب "بن رن" را توضیح دهید.
- ۱۴- مهم ترین تحولات نقاشی چینی در دوران چینگ چیست؟
- ۱۵- اسلام از چه طریق در هنر چین اثر گذاشت؟ توضیح دهید؟

ژاپن

دوره جدید

ح ۱۸۶۸ م

دوره ادو

ح ۱۶۲۰ م

دوره مومویاما

ح ۱۵۵۰ م

دوره موراماچی

ح ۱۴۰۰ م

دوره کاماکورا

ح ۱۲۰۰ م

دوره هیان

ح ۸۰۰ م

دوره نارا

ح ۶۵۰ م

دوره آسوکا

ح ۳۰۰ م

دوره یایویی

ح ۲۰۰ ق.م

فرهنگ جومون

ح ۹۰۰۰ ق.م



JAPAN (1336–PRESENT)



CHINA

RUSSIA

NORTH KOREA

SOUTH KOREA

Sea of Japan
دریای ژاپن

Hokkaido
هوکایدو

HONSHU
HONSHU

JAPAN

Korea Strait

کیئو (هیان)
Kyōto (Heian)

کوه فوجی
Mt. Fuji

Tokyo (Edo)
توکیو (ادو)

مومویاما
Momoyama

Nara
نارا

SAKAGAWA

Shikoku

نagamasaki
Nagasaki

Kyushu

Philippine Sea

East China Sea

ژاپن

فرهنگ و تمدن ژاپن حاصل دوره های متمایز و مستقل همراه با دوران برخورد و تأثیرپذیری هنری

و فرهنگی از دیگر مناطق است. فرهنگ و هنر ژاپن با سپری کردن دوران طولانی عصر نوسنگی تا سده هفتم میلادی و سپس با تأثیرپذیری از هنر چین و کره در حد فاصل سده هفتم تا شانزدهم میلادی و نفوذ اروپا از سده شانزدهم تا سال ۱۸۶۸ (سده نوزدهم) خصوصیات ذاتی خود را در سادگی شکل و طرح با حفظ و حراست از زیبایی و ظرافت طبیعت بیان کرده است. الهام از نگرشها و تفکرات فرهنگ های خارجی که همواره زمینه ای برای پیشرفت بودند، باعث شد تا هنرهای زیبا با عناصر تزئینی بصورت استادانه پالایش گردد. از این رو در دوره های متفاوت نگرش بر طبیعت تجدید گشته و تکامل یافته است.

نخستین آثار هنری دوران آغازین با تپه های تدفینی (کوفان یا کوفون) که با ردیف های استوانه ای گلی (هانیاوا) (تصویر ۱۹-۶) که معمولاً با شکل جنگجویان و خانه ساخته می شد و هم چنین با ساختمان های چوبی اولیه و شکل گیری مذهب ژاپنی (مرسوم به آئین شین تو یا طریقت خدایان) آغاز شد (تصویر ۲۰-۶).



۱۹-۶- هانیوا ، پیکره جنگجو ، سفال ، حدود ۱۲۳ سانی متر ، سده ۵ و ۶ میلادی ، ژاپن



۶-۲۰- عمارت اصلی معبد ایزه (ایسه)، آیین شین تو، چوب، بازسازی سده بیستم میلادی، ژاپن

دوره‌ی باستان

در این دوره ورود آئین بودا و به کارگیری حروف چینی اندیشه نگار (ابدئوگرام) همراه است. از مهم‌ترین میراث هنری این دوران ساخت زیارتگاه‌های بودایی (هوریوجی) و ایجاد کاخ‌های چوبی به ویژه تالار زرین (کوندو) (تصویر ۶-۲۱) که با نقاشی‌های دیواری و پیکره‌های مفرغی بودایی تزیین شده‌اند (تصویر ۶-۲۲) همچنین به شهرسازی با الگو پایتخت سلسله تانگ و ساخت تندیس‌های بزرگ بودا می‌توان اشاره کرد.



۶-۲۱- عمارت طلایی، هور یوجی کوندو، نارا، سده ۷ میلادی، ژاپن

نخستین میراث هنر محلی ژاپن در دوره هیان با ایجاد مدارس اشرافی، شکل‌گیری ادبیات ژاپن، داستان بلند طوماری گنجی همراه با نقاشی‌های تصویری، روایتی، تزیینی ژاپنی با نوعی یکسان‌سازی زمینه و پس زمینه (تصویر ۶-۲۳) و ساخت تالار ققنوس به دلیل شباهت به پرنده بزرگی در حال پرواز پدید آمد (تصویر ۶-۲۴).



۶-۲۲- تثلیث (سه گانه مقدس) واکاشی ، هوریوجی ، مفرغ ، سده ۷ و اوایل ۸ میلادی ، ژاپن



۶-۲۳- صحنه ای از فصل کوچک داستان گنجی ، مرکب و رنگ روی کاغذ ، دوره هیان



۲۴-۶- عمارت ققنوس، اوجی، سده ۱۱ میلادی، ژاپن

دوران نوین

دوران جدید با تاثیرپذیری از فرهنگ چینی (کاماکورا) و ساخت معابد جدید بودایی و شکل‌گیری آئین ذن ژاپنی با تاثیر از فلسفه "چان" (طریقت چینی) و آداب سامورایی و تندیس‌های چوبی رنگ آمیزی شده (تصویر ۲۵-۶) و مجموعه نقاشی‌های سوزاندن کاخ سانجو (تصویر ۲۶-۶) می‌باشد.

پس از این دوران با ورود سلاح‌های گرم و شکل‌گیری قدرت‌های محلی و تاثیرپذیری از میراث هنری سونگ شیوه نقاشی با مرکب و باغ‌های نامنظم و مراسم چای پدید آمد (تصویر ۲۷-۶). دوران جدید (مومایاما) به لحاظ شرایط اجتماعی و درک زیبایی‌شناسی ژاپنی قلعه‌ها و دژهای ژاپنی برای تثبیت موقعیت حکومتی پدید آمد و همچنین توجه به باغ‌های هلو و تدوین مراسم چای، سنت گل‌آرایی، تزئینات هنری، نمایش‌های سنتی کابوکی، چاپ نقش‌های چوبی (باسمه) به صورت تک رنگ و یا چند رنگ (زربفت) شکل گرفت که این چاپ نقشها مهم ترین تاثیر را بر هنر سده ۱۹ اروپا گذاشت (تصویر ۲۸-۶).



۶-۲۵- کاهن ، چوب نقاشی شده ، سده ۱۳ میلادی ، نارا ، ژاپن



۶-۲۶- سوراندن کاخ سانجو ، بخشی از طومارافقی بزرگ (حدود ۷متر) ، مرکب روی کاغذ



۲۸-۶- غروب ، سوزوکی هارا نوبو ، چاپ چوبی ، سده ۱۸ میلادی



۲۷-۶- سن نوریکو ، اتاق چای (نمای داخلی) ، معبد میوکیان ، کیوتو ، دوره مومویاما ، ژاپن

پرسش

- ۱- نخستین آثار هنری دوران آغازین ژاپن را ذکر کنید.
- ۲- مهم ترین میراث هنری دوره ی باستان ژاپن را نام ببرید.
- ۳- نخستین میراث هنر محلی ژاپن در دوره ی ”هیان” چگونه پدید آمد؟
- ۴- شکل گیری آیین ذن ژاپن تحت تاثیر چه فلسفه ای صورت گرفت؟
- ۵- در دوران جدید (مومو یا ما) ژاپن ، چه هنرهایی شکل گرفت؟

فصل هفتم

هنر و تمدن ایران اسلامی – معماری مساجد کشورهای اسلامی



سده ۱۴ ه. ق (۲۰ م)

جمهوری اسلامی
پهلوی

سده ۱۳ ه. ق (۱۹ م)

قاجاریه

سده ۱۲ ه. ق (۱۸ م)

افشاریه و زندیه

سده ۱۱ ه. ق (۱۷ م)

صفویه

سده ۹ ه. ق (۱۵ م)

تیموری و
مغول
جلایریان
سرداران
چوپانی ها
مظفریان
ایلخانیان

سده ۷ ه. ق (۱۳ م)

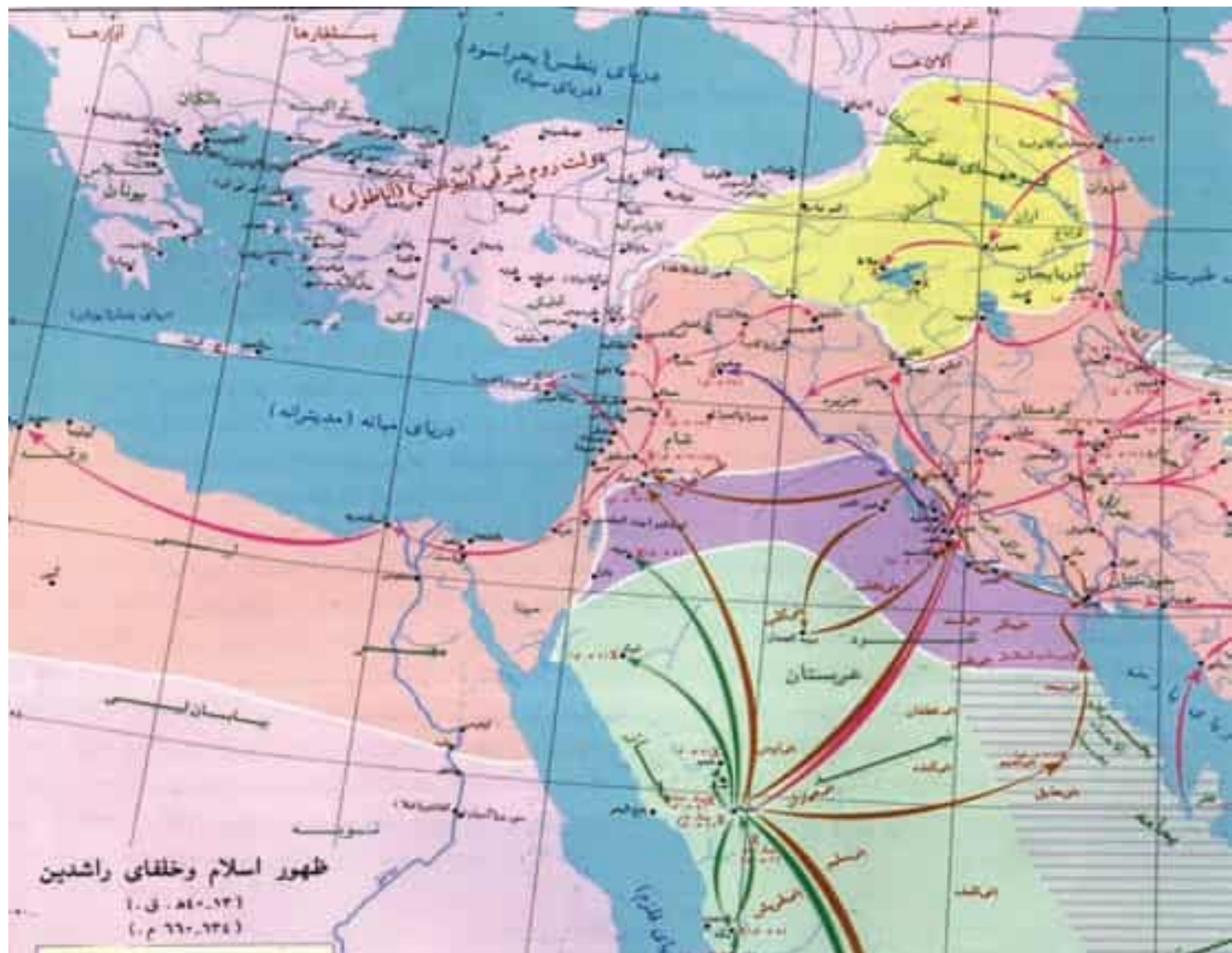
عباسیان
خوارزمشاهیان
سلجوقیان
آل بویه
غزنویان
آل زیار
سامانیان
صفاریان
علویان

سده ۲ ه. ق (۸ م)

امویان

سده ۱ ه. ق (۷ م)

صدر اسلام



هنر و تمدن ایران اسلامی - معماری مساجد کشورهای اسلامی

اهداف رفتاری:

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می رود :

- ۱- هنرهای اسلامی را نام ببرد.
- ۲- نمونه های شاخص و گوناگون معماری جهان اسلام را شرح دهد.
- ۳- نمونه های گوناگون و سبک های مختلف معماری اسلامی ایران را شرح دهد.
- ۴- مشابهت ها و تفاوت های معماری کشورهای اسلامی را با ایران توصیف نماید.
- ۵- انواع سبک های نگارگری ایرانی را نام ببرد و شرح دهد.
- ۶- شاخص ها و مصادیق به کارگیری هنر ایرانی را باهم مقایسه و تفاوت ها و شباهت ها را توصیف نماید.

هنر و تمدن اسلامی

اسلام در اوایل سده هفتم میلادی در حجاز یا عربستان، در جنوب غربی آسیا شکل گرفت. در سال ۶۲۲ میلادی با هجرت حضرت محمد(ص) از مکه به مدینه، تاریخ اسلامی آغاز و هجرت پیامبر اکرم به مبدأ تاریخ اسلام بدل شد.

هدف هنر اسلامی بیان وحدت است. هنرمند مسلمان، وحدت را در کمال صورت و شکل هنر دینی جستجو می کند. اشکالی که بار معنایی رمزپردازانه و نمادین دارند، هنر اسلامی هنری غیرواقع گراست که

توجهی به ظاهر عینی طبیعت ندارد و می‌کوشد تا از طبیعت گذر کند و جهانی فرا خاکی را، به تصویر درآورد (تصویر ۱-۷).

تمدن و فرهنگ اسلام، در پرتو عوامل مشترک زبانی، دینی، اعتقادی و فکری، واجد روحی یگانه گشت، آهنگی مستقل یافت و از ورای این یگانگی، هنر اسلامی زاده شد.

هنرهای اسلامی، شاخه‌های هنری گوناگونی را دربرمی‌گیرد. هنرهای اولیه اسلامی منحصر به معماری، سفالگری (تصویر ۲-۷)، پارچه‌بافی (تصویر ۳-۷) و کنده‌کاری روی چوب و عاج (تصویر ۴-۷) بود، اما به زودی هنر کتاب‌سازی، کتاب‌آرایی، نگارگری، قالی‌بافی، فلزکاری و موسیقی نیز در دوره‌های تاریخی اسلامی رونق یافت.

در کشورهای اسلامی، معماری و سایر هنرها رشد قابل توجه یافت و نوآوری‌هایی را بوجود آورد. این تحولات گاه روش و سیاق محلی را پیش گرفت و گاه مشخصاً از شیوه‌های هنر ایرانی تاثیر پذیرفت که در اینجا به اختصار به معماری اسلامی در دیگر کشورها اشاره و سپس به معماری ایران از صدر اسلام تا دوران معاصر، می‌پردازیم.



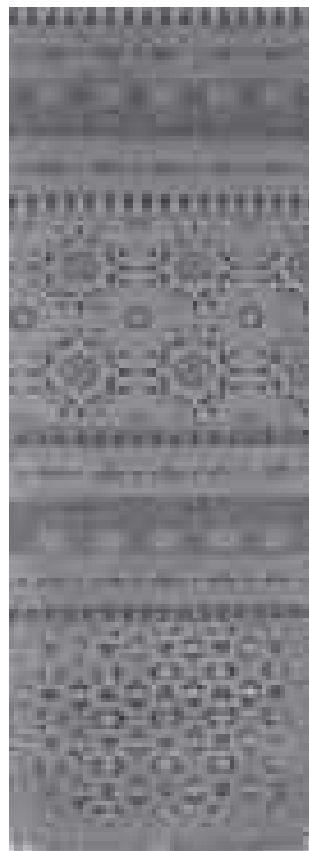
۷-۲- کوزه زرین فام، اوایل دوره اسلامی، بلندی ۲۸/۲ سانتی متر



۷-۱- مراسم حج، مکه مکرمه



۴-۷- ظرف کنده کاری شده از جنس عاج (جعبه آرایش)، حدود ۳۵۷ هجری، بلندی ۱۵ سانتی متر



۳-۷- پارچه با طرح هندسی، اوایل دوره اسلامی

معماری فلسطین و سوریه

در دوران اموی معماری سنگی رواج یافت. در سوریه مرکز حکومت امویان، بسیاری از عناصر معماری رومی و بیزانس که پیشتر در آن منطقه متداول بود، به معماری مساجد و کاخ‌ها راه پیدا کرد. بدنه‌ی اکثر مساجد سوریه از سنگ ساخته شده، پوشش سقف‌ها شیروانی است و قوس‌های نیم گرد و رواق‌های حول مساجد یادآور کلیساهای بیزانس است. کاخ‌های این دوره از نقشه قلعه‌های نظامی الگو گرفته و مملو از تزئینات گچ‌بری، موزاییک‌کاری و نقاشی دیواری است. از مهمترین بناهای این دوره می‌توان به "قبه الصخره" در بیت المقدس (فلسطین) (تصاویر ۵-۷)، "مسجد جامع دمشق" (تصویر ۶-۷) و "کاخ عمرا" و "الحیر" (تصویر ۷-۷) اشاره کرد.



۶-۷- مسجد جامع دمشق ، موزاییک کاری ، فضای داخلی



۵-۷- قبه الصخره (گنبد سنگی) ، بیت المقدس ، ۶-۵ هجری



۷-۷- قصر الحیر ، دروازه شرقی ، اوایل سده دوم هجری

معماری عراق

در دوران عباسیان عراق مرکز حکومت اسلامی بود. در این دوره، بناهای آجری رواج یافت و پوشش گچی برای تزئین بنا به اشکال گوناگون مورد استفاده قرار گرفت. ساخت پوشش های گرد (طاقها و طاق نماهای ضربی) در این دوران نشانی از باززایی سنت کهن طاق زنی عهد اشکانی و ساسانی است. از آثار برجسته‌ی این دوران می‌توان از "مسجد بزرگ سامرا" یا "مسجد متوکل" (تصاویر ۸-۷)، "مسجد ابودولف" و "کاخ جوسق خاقانی" (تصویر ۹-۷) نام برد.



۸-۷- سامرا، مسجد جامع، نمای کلی، ۲۴۷-۲۳۲ هجری، عراق



۹-۷- سامرا، کاخ جوسق الخاقانی، حدود ۲۲۲ هجری

معماری مصر

در مصر شاهد رواج همان شیوهی معماری مرسوم در عراق هستیم. مسجد زیبای ابن طولون نوعی الگوبرداری از طرح های نوین معماری سامرای عراق را نشان می دهد (تصویر ۱۰-۷). یکی دیگر از بناهای بسیار مهم دوران اسلامی مصر "جامع الازهر" (تصویر ۱۱-۷) است که در نتیجهی تغییرات و افزودن برخی الحاقات به صورت دانشگاه بزرگ اسلامی درآمد. این بنا که در دوران فاطمیان مصر ساخته شد، دانشگاهی برای تعلیم اصول مذهب شیعه بوده است. جامع الازهر هم اینک نیز پس از گذشت حدود هزار سال محل برگزاری برخی دروس نظری اسلامی است.



۱۰-۷- مسجد ابن طولون ، فسطاط ، نمای کلی ، ۲۶۶ هجری



۱۱-۷- مسجد الازهر ، قاهره ، نمای کلی

معماری اسپانیا

معماری مساجد اسپانیا در دوران اسلامی شامل حیاطی کم عمق، شبستانی عمیق همراه با ستون‌های متعدد در جهات گوناگون، سقف‌های شیروانی و رواقی (همچون راهروهای سقف دار) که سه سوی حیاط را دربر گرفته است. از دیگر ویژگی‌های معماری اسلامی اسپانیا، وجود قوس‌های دالبری (شبدری) و استفاده از عناصر تزئینی گوناگون به میزان بسیار زیاد است. مقرنس‌های آویخته و گچبری‌های پرکار در بیشتر بناهای این دوران به چشم می‌خورد. از بناهای مهم اسپانیای اسلامی می‌توان به "مسجد جامع قرطبه" (کوردوبا) (تصویر ۱۲-۷) و "کاخ سرخ" (الحمرا) در غرناطه (گرانادا) (تصاویر ۱۳-۷) اشاره کرد.



۱۲-۷-کوردوبا (قرطبه)، مسجد جامع مقصوره، شروع ساخت ۱۶۸ هجری، پایان الحاقات ۳۷۷ هجری



۱۳-۷- کاخ سرخ (الحمراء)، گرانادا (غرناطه)

معماری ترکیه

اوج معماری دوران عثمانی پس از فتح قسطنطنیه (اسلامبول)، در قرن نهم هجری (۱۵ میلادی) شکل می‌گیرد. مساجد این دوران دارای خصوصیات منحصر به فردی است که از معماری بیزانس و به ویژه کلیسای "ایاصوفیا"^{۳۷} الهام گرفته است (تصویر ۱۴-۷). نمای بیرونی در مساجد سبک عثمانی از ابهتی چشمگیر برخوردار است. حضور تعداد فراوان گنبد های فرعی، نیم گنبدها و قوس ها در نمای خارجی ساختمان، نیمرخی موجدار را در مساجد عثمانی ایجاد کرد. در رأس بنا، گنبد اصلی در اندازه‌ای بزرگ جای می‌گیرد و همچون نقطه‌ای اوج مسجد جلوه می‌کند.

از بناهای معروف مکتب عثمانی که همگی به دست "سنان" معمار برجسته‌ی این دوران ساخته شده می‌توان از "مسجد شهزاده محمد" (تصویر ۱۵-۷)، "مسجد سلیمانیه" (تصویر ۱۶-۷) و "مسجد سلیمیه" (تصویر ۱۷-۷) نام برد.

۲۷. این کلیسا با اضافه کردن چهار مناره به مسجد تبدیل و در حال حاضر به عنوان موزه مورد استفاده قرار می‌گیرد.



۱۴- مسجد ایا صوفیه ، استانبول ، تبدیل به مسجد در سده ۹ و ۱۰ هجری



۱۵- مسجد شهزاده ، استانبول ، ۹۵۵-۹۵۲ هجری



۷-۱۶- مسجد سلیمییه، ادرنه، ۹۸۳-۹۷۶ هجری نمای کلی



۷-۱۶- مسجد سلیمانییه، استانبول، ۹۵۷-۹ هجری، نمای کلی

معماری هند

معماری اسلامی هند به دو دوره سلاطین دهلی و سلاطین مغول تقسیم می‌شود. "سلاطین دهلی" (سده‌های ۶ تا ۱۰ ه. ق) مسلمانانی بودند که قریب چهار سده در دهلی حکومت کرده و در معماری شیوه‌ای خاص ایجاد کردند که به "هندو اسلامی" شهرت دارد. این شیوه تلفیقی از دستاوردهای میراث کهن معماری هندو (برای مثال استفاده‌ی یکپارچه از سنگ در ساخت بنا و تزیینات سنگی) و ویژگی‌های معماری اسلامی (برای مثال ویژگی‌هایی چون قوس‌های جناغی و کتیبه‌هایی از آیات قرآن مجید) است. از مهم‌ترین آثار این دوران می‌توان به مسجد "قطب الدین ایبک" (تصویر ۱۸-۷) اشاره کرد. در دوران سلاطین مغول هند آثار برجسته‌ی هنری در عرصه‌های معماری، نقاشی و کتابت آغاز می‌شود. در حقیقت معماری مغولی هند، نشانی از جذب عمیق دستاوردهای معماری ایرانی است. این ویژگی‌ها بخصوص در یکی از زیباترین آثار معماری این دوران یعنی "تاج محل" (تصویر ۱۹-۷) قابل مشاهده است. این بنا که در شهر "آگرا" واقع است، مقبره‌ی "ممتاز محل" (ارجمند بانو) همسر محبوب شاه جهان است که بعدها خود نیز در آن مدفون گشت. این بنا که به نمادی از عشق شهرت دارد، یکپارچه از سنگ مرمر سفید با تزیینات سنگ‌های قیمتی ساخته شده، از تاثیر عمیق هنر معماری ایرانی بر معماری بومی هند حکایت می‌کند.



۱۹-۷- تاج محل آگرا، ۱۰۵۷-۱۰۴۱ هجری، هند



۱۸-۷- مسجد قطب الدین ایبک، دهلی، سده ششم هجری، سنگ سرخ و مرمر

معماری اسلامی ایران

سده های اول تا سوم هجری

پس از ساسانیان با شروع دوران اسلامی، ساخت مساجد در ایران آغاز شد. در سه سده نخستین حکومت اسلامی در ایران، مساجد به شیوه‌ای بسیار ساده و به پیروی از معماری ساسانی ساخته می‌شد. اولین نمونه‌های معماری اسلامی ایران به صورت شبستانی یا چهل ستونی و گنبدخانه‌ایی ساخته شده‌اند. در مساجد شبستانی این تعداد ستون (چهل ستون) تنها به معنای کاربرد ستون‌های متعددی است که گرداگرد حیاط مرکزی قرار می‌گیرند که شبستان‌ها و یا رواق‌ها را می‌سازند.

در روش گنبدخانه‌ای قوس‌های بکار رفته به صورت بیضی و تخم‌مرغی است که کاخ‌های ساسانی "فیروزآباد" و "طاق کسری" از نمونه‌های پیشین آن می‌باشد (تصاویر ۲۰-۷ و ۲۱-۷).

بطور کلی این بناها، با طرح اولیه مساجد صدر اسلام و ترکیب با عناصر معماری ایرانی ساخته می‌شده که به شیوه‌ی خراسانی نیز شهرت یافته‌اند.

قدیمی‌ترین بنای به جای مانده از صدر اسلام در ایران، «مسجد جامع فهرج» (تصویر ۲۲-۷) است. این مسجد که احتمالاً در نیمه نخست سده اول هجری ساخته شده، دارای طرحی بسیار ساده و بی‌پیرایه است.

حیاط کوچک مسجد از جنوب به سه دهانه شبستان با قوس های بیضی شکل ختم می شود. طاق های این مسجد به پیروی از بناهای ساسانی به صورت نیم استوانه ای ساخته شده است.^{۲۸} مصالح به کار رفته در این بنا خشت خام است، قوس ها گچی و دیوارها با گل پوشیده شده است.

از دیگر بناهای معروف "مسجد تاریخانه"^{۲۹} دامغان (تصویر ۲۳-۷) است که در اواسط سده دوم هجری ساخته و در دوره های بعد تکمیل و در نقشه اولیه آن تغییراتی صورت گرفت. این بنا که بزرگتر از مسجد جامع فهرج ساخته شده، ساده و با شکوه است و تمامی ویژگی های مساجد خراسانی نیز در آن مشهود است.



۲۱-۷- طاق کسری، نزدیک بغداد، دوره ساسانی، سده پنجم میلادی



۲۰-۷- کاخ اردشیر اول، فیروز آباد، دوره ساسانی، سده سوم میلادی



۲۳-۷- مسجد تاری خانه، دامغان، سده دوم یا سوم هجری



۲۲-۷- مسجد جامع فهرج، یزد، سده اول یا دوم هجری

۲۸. که در اصطلاح معماری به «طاق آهنگ» مشهور است.

۲۹. تاری در لفظ ترکی به معنای خدا است و تاریخانه به معنای خدای خانه یا خانه ی خدا به کار رفته است.

اواخر سده سوم تا هفتم هجری

در این شیوه نفوذ معماری کهن اشکانی و ساسانی در ساخت مساجد فزونی یافت. از این پس، ایوان و گنبد که ساخت آن از دوران اشکانی آغاز شده و در دوران ساسانی رواج یافته بود، به صورت اجزای اصلی بدنه ی مساجد درآمد. بنابراین با برداشتن ردیف‌هایی از ستون شبستان‌ها، ایوان و گنبد ساخته می‌شود و مساجد شبستانی به «ایوانی» تبدیل می‌شود و سرانجام در اواخر سده ی پنجم و اوایل سده ی ششم مساجد «چهار ایوانی» شامل یک حیاط مرکزی با شبستان‌هایی گرداگرد آن پدید می‌آید. در میان هر شبستان در چهار طرف مسجد، چهار ایوان قرار دارد که در آنها تزئینات گچ بری، آجرکاری و استفاده از قوس جناغی به چشم می‌خورد. این دوران که به شیوه رازی نیز شهرت یافته، ساخت «برج مقبره‌ها» و «میل منارها» رواج بیشتری یافت.

از نخستین نمونه‌های بارز این دوران آرامگاه امیر اسماعیل سامانی (تصویر ۲۴-۷) است که با بکارگیری درخشان آجر به عنوان عنصر اصلی، امکان نقش اندازی‌های سطوح تزئینی را فراهم آورده است.



۲۴-۷- مقبره امیر اسماعیل سامانی، بخارا، نمای خارجی، سده پنجم هجری

همچنین از نمونه الحاقات و تزئینات معماری این دوره می‌توان به مسجد جامع نایین اشاره کرد که مجموعه‌ای از گچ بری‌های پرکار و ظریف روی ستون‌ها و محراب آن دیده می‌شود (تصاویر ۲۵-۷). از بلندترین آرامگاه‌های برج‌دار ایران مقبره قابوس بن وشمگیر (گنبد کاووس) که ارتفاع آن به ۵۱ متر می‌رسد. ده ترک سه گوش در گرداگرد بدنه به چشم می‌خورد و دو کتیبه به خط کوفی در قسمت پایین و بالای بنا تاریخ ساخت بنا و نام سفارش دهنده را معلوم می‌سازد (تصویر ۲۶-۷).



۲۶-۷- مقبره ی قابوس بن وشمگیر ، گنبد کاووس ، سده پنجم هجری



۲۵-۷- مسجد جامع نایین ، سده پنجم هجری ، نمای داخلی

از دیگر بناهای این دوران می‌توان به گنبد کبود مراغه (تصویر ۲۷-۷) اشاره کرد، بنایی مکعب شکل شبیه مقبره امیر اسماعیل سامانی که دو طاق نما در هر ضلع دارد. در این بنا دو بازوی قوس، رو به بالا هدایت شده و تیزه‌ای را در نوک قوس تشکیل داده که همان قوس تیزه‌دار یا جناغی است.

مسجد جامع اصفهان (تصویر ۲۸-۷ الف و ب) از کامل‌ترین نمونه‌های مساجد چهار ایوانی در ایران است. این مسجد دارای بیست ساختمان کاملاً متمایز است که در دوره‌های مختلف تاریخی ساخته شده و بیش از سیزده سده معماری ایران را نشان می‌دهد. در هر یک از دوره‌های تاریخی پس از اسلام بخشی از این مسجد ساخته یا تعمیر شده است، از همین رو مسجد جامع اصفهان را موزه معماری ایران بشمار می‌آورند. از مهم‌ترین بناهای شیوه رازی در مسجد جامع اصفهان می‌توان از «گنبد نظام الملک» و «گنبد تاج الملک» یا «گنبد خاگی»^{۳۰} (تصویر ۲۹-۷) نام برد.

در طول تاریخ و در دوران مغول، ایلخانی، تیموری و صفویه آثاری در این مجموعه بزرگ معماری پدید آمده است. یکی از زیباترین واحدهای این مسجد محراب گچبری بسیار نفیسی است که در زمان الجایتو ایلخان مغول ساخته شد و از شاهکارهای هنر گچبری ایران محسوب می‌شود (تصویر ۳۰-۷).

۳۰. خاگی به معنای تخم مرغ می‌باشد.



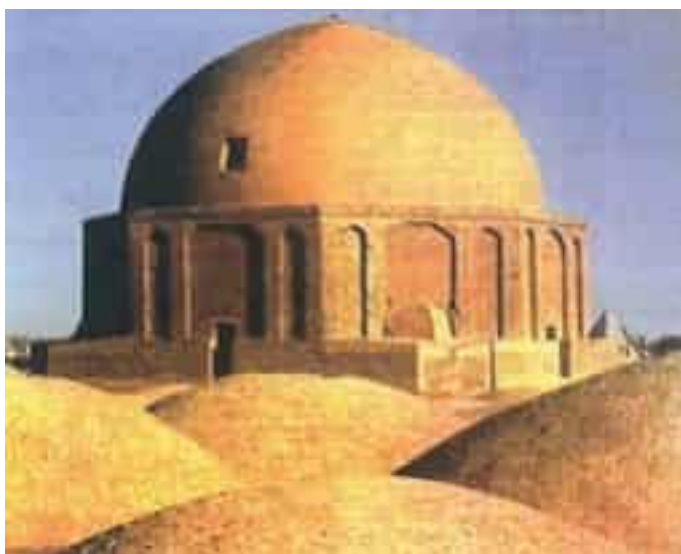
۷-۲۸- الف - مسجد جامع اصفهان، نمای کلی، سده ۵ و ۶ هجری به بعد



۷-۲۷- گنبد کبود، مراغه، ۵۹۳ هجری



۷-۲۸- ب - مسجد جامع اصفهان، نمای حیاط، سده ۵ و ۶ هجری



۲۹- مسجد جامع اصفهان ، گنبد خاکی



۳۰- محراب الجایتو ، مسجد جامع اصفهان ، سال ۷۱۰ هجری

سده هفتم و هشتم هجری

آثار فرهنگی و هنری ایران در دوران مغول به تدبیر و همت دانشمندان، هنرمندان و معماران ایرانی بار دیگر شکوفا شد و به شکوه و عظمتی والا دست یافت. در این دوران در ادامه سبک موفق رازی سبکی نوین در معماری معروف به شیوه "آذری" پدید آمد، که از دوران مغول آغاز و در دوره تیموری به اوج خود رسید. در این شیوه، معماری به نمایش هر چه رفیع‌تر بنا توجه شده است. از این روش‌هایی در ساخت بنا به کار برده می‌شود تا احساس ارتفاع را هر چه بیشتر القا کند.

مسجد جامع یزد (تصویر ۳۱-۷) یکی از نمونه‌های بارز شیوه‌ی آذری است. در سردر ایوان ورودی مسجد که یکی از بلندترین ایوان‌های ساخته شده در ایران است، روش‌هایی در ساخت به کار رفته تا ارتفاع آن را در چشم بیننده هر چه بیشتر جلوه دهد. برخلاف ایوان‌های پهن دوره سلجوقی، این ایوان بسیار باریک ساخته شده است و ارتفاع دهانه قوسی شکل، که ورودی بنا در قسمت پایین آن دیده می‌شود، تقریباً سه برابر عرض آن است. وجود طاق نماهای متعدد و کم عرض در دو سوی طاق یا دهانه قوسی شکل میانی، احساس کشیدگی را تشدید می‌کنند و دو مناره که بر بالای ایوان نصب شده، ارتفاعی غیر متعارف را بوجود آورده است

از دیگر آثار بجای مانده در زمان سلطان محمد خدابنده (الجایتو) شهر "سلطانیه" در حوالی زنجان امروزی است. "گنبد سلطانیه" یا مقبره الجایتو (تصویر ۳۲-۷ الف و ب) از مهمترین بناهای این مجموعه و یکی از با شکوه‌ترین بناهای سبک آذری است که همچنان باقی مانده است.

در دوران دوم معروف به شیوه تیموری ویژگی‌های متداول معماری، ساخت گنبد بر ساقه‌ای کشیده بصورت گلوگاه یا ساقه بلند برای نمایش هر چه بیشتر ارتفاع بنا پدید آمد که می‌توان به عنوان نمونه از مقبره امیر تیمور در سمرقند (تصویر ۳۳-۷) یاد کرد.



۳۱-۷- مسجد جامع یزد، ایوان ورودی، ۷۲۶ هجری



۷-۳۲-ب-مقبره الجایتو، سلطانیه، تزیینات داخلی



۷-۳۲-الف-مقبره الجایتو، سلطانیه، ۷۱۳-۷۰۷ هجری، زنجان



۷-۳۳-مقبره امیر تیمور، سمرقند، حدود ۸۰۷-۸۰۳ هجری

از دیگر آثار گرانبه‌های تاریخی که در این دوران بر جای مانده مسجد گوهر شاد (تصویر ۳۴-۷) است که در کنار مرقد امام رضا(ع) در مشهد و به همت همسر هنرپرور شاهرخ تیموری به شیوه چهار ایوانی ساخته شد. بخش‌های مختلف بنا از ایوان، گنبد و مناره از آجر لعابداری و کاشی‌های معرق نفیسی پوشیده شده است که در رنگ‌بندی و ترکیب‌های متوازن و مناسبی از آبی فیروزه‌ای، آبی لاجوردی، زرد و زعفرانی ارائه شده‌اند. در گرداگرد ایوان جنوبی کتیبه‌ای به خط بایسنقر میرزا فرزند هنرمند شاهرخ به چشم می‌خورد، معمار این بنای پر آوازه مانند بسیاری دیگر از بناهای عهد شاهرخ استاد "قوام الدین شیرازی" است.

مدرسه غیاثیه، در قریه "خرگرد" در سه کیلومتری "خواف" (تصویر ۳۵-۷) از نمونه‌های کم نظیر معماری مدارس در دوران تیموری است. مدرسه‌ای چهار ایوانی که بلندای هر چهار ایوان آن به یک اندازه است و کاشیکاری معرق آن در رنگ آمیزی و نقش از کامل‌ترین و متناسب‌ترین نوع کاشیکاری است. این بنا توسط دو معمار مشهور سده ی نهم هجری، یعنی استاد "قوام الدین" و استاد "غیاث الدین شیرازی" ساخته شد. در این دوره، ساخت بناهای مذهبی همچون مسجد، مدرسه و آرامگاه، بیش از بناهای غیر مذهبی مورد توجه قرار گرفت. از دیگر بناهای باقی مانده از شیوه ی آذری در این دوران می‌توان به "ارگ علیشاه" (تصویر ۳۶-۷) در تبریز، مجموعه بناهای "حرم امام رضا(ع)" (تصویر ۳۷-۷) در مشهد، مقبره "سلطان بخت آغا" در اصفهان و مزار "شیخ جام" (تصویر ۳۸-۷) در تربت جام و مسجد جامع ورامین (تصویر ۳۹-۷) اشاره کرد.



۳۵-۷- مدرسه غیاثیه، خردگرد، تزیینات داخلی



۳۴-۷- مسجد گوهرشاد، مشهد، ۸۲۱ هجری



۷-۳۶- مسجد علیشاه یا ارگ علیشاه ، تبریز ، حدود ۷۱۵ هجری



۷-۳۷- حرم مطهر امام رضا (ع) ، مشهد ، ۸۲۱-۸۱۹ هجری



۷-۳۹- مسجد جامع ورامین ، حدود ۷۲۶-۷۲۲ هجری



۷-۳۸- مزار شیخ جام ، تربت جام ، سده ۸ و ۹ هجری

پرسش

- ۱- قدیمی ترین مسجد به جای مانده از صدر اسلام در ایران را نام ببرید و در مورد آن توضیح دهید.
- ۲- چگونگی تبدیل مساجد شبستانی به مساجد ایرانی را بیان کنید.
- ۳- در چه دورانی ساخت «میل مناره‌ها» و «برج مقبره‌ها» رواج یافت؟
- ۴- بلندترین آرامگاه برج‌دار ایران را نام ببرید و ویژگی‌های آن را بنویسید.
- ۵- شاهکار هنر گچ‌بری ایران متعلق به کدام بناست و در چه دوره‌ای ساخته شده است؟
- ۶- ویژگی بناها در دوره تیموری چیست؟
- ۷- گنبد سلطانیه متعلق به چه دورانی است و به چه شیوه‌ای ساخته شده است؟
- ۸- مدرسه‌ی «غیاثیه» مربوط به چه دوره‌ای است؟

سده ی نهم هجری تا عصر حاضر

دوره صفویه

آغاز حقیقی معماری صفویه را باید از دوران پایتختی اصفهان و حکومت شاه عباس اول دانست. از این پس ساخت ابنیه زیبا و تکامل یافته و تلاش برای آبادانی، نه تنها در اصفهان که در دیگر شهرها و نقاط ایران در دستور کار قرار گرفت. کاخ‌ها، مساجد، میادین، خیابان‌ها، پل‌ها، بازارها، گردشگاه‌ها و یکی پس از دیگری ساخته شد و بویژه چهره شهر اصفهان دگرگون گشت. از این رو این شیوه ی معماری به شیوه ی اصفهان شهرت یافته است.

از نخستین نمونه‌های دوره صفویه شاهکارهای معماری و هنرهای تزئینی پای می‌گیرد و کیفیت اصیل، شفاف و غنی رنگ‌های درخشان در کاشیکاری‌ها بسیار دلپذیر می‌شود. کیفیت مصالح به کار رفته بویژه در معماری پایتخت، هنوز مرغوب و مقاوم است. از شاخص‌ترین آثار به یادگار مانده از دوره صفویه میدان نقش جهان است.

میدان امام: میدان نقش جهان اصفهان یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های جهان است که به فرمان شاه عباس و در ابعادی حدود ۵۰۰ در ۱۶۰ متر ساخته شد (تصویر ۴۰-۷ الف و ب). در چهار سوی این میدان چهار بنای معروف و با شکوه قد علم کرده است. در محور شمالی جنوبی میدان، سردر قیصریه و مسجد امام قرار دارد و در محور شرقی غربی، مسجد شیخ لطف الله و کاخ عالی قاپو واقع است. در میانه میدان در روزگار صفویه مسابقات چوگان و تیراندازی انجام می‌گرفت.



۴۰-۷-ب- میدان نقش جهان ، اصفهان ، نمای کلی



۴۰-۷-الف - میدان نقش جهان ، اصفهان ، دور نمای هوایی ، سده نهم هجری

مسجد امام: یکی از زیباترین و برجسته‌ترین آثار شیوه‌ی اصفهانی در معماری مسجد امام اصفهان

(تصویر ۷-۴۱) است. ساخت این بنا که در ضلع جنوبی میدان نقش جهان واقع است در عصر شاه عباس

اول آغاز و اتمام بخش‌های داخلی مسجد تا دوران شاه عباس دوم به طول انجامید. نام یکی از برجسته‌ترین معماران ایرانی یعنی استاد علی اکبر اصفهانی به عنوان معمار مسجد در بخش ورودی در سر در باشکوهی که با کاشیکاری معرق نفیسی آذین شده و در کتیبه‌ای که به خط ثلث بر زمینه‌ای لاجوردی نگاشته شده، به چشم می‌خورد.

جهت اصلی مسجد رو به سوی قبله و در جنوب غربی است لیکن سر در اصلی بنا که مشرف بر میدان نقش جهان است در جهت جنوب واقع است. این تغییر جهت و انحراف به گونه‌ای ماهرانه توسط ورودی بنا اصلاح شده است بی آنکه بازدیدکنندگان متوجه این تغییر جهت از سر در ورودی به صحن یا حیاط اصلی مسجد باشند (تصویر ۷-۴۲).

ساخت مسجد به شیوه‌ی چهار ایوانی است. در دو سوی شبستان اصلی در جنوب مسجد، دو مدرسه قرار دارد. گنبد زیبای آن ۵۴ متر ارتفاع دارد، که دارای گلوگاهی کشیده بوده و از دو لایه، یا دو پوسته مجزا تشکیل شده است (تصویر ۷-۴۳).

کتیبه‌های متعددی از خوشنویسان به نام عهد صفویه چون: "علیرضا عباسی"، "محمد رضا امامی"، "عبد الباقی تبریزی" و "محمد صالح اصفهانی" در مسجد امام اصفهان به چشم می‌خورد (تصویر ۷-۴۴).



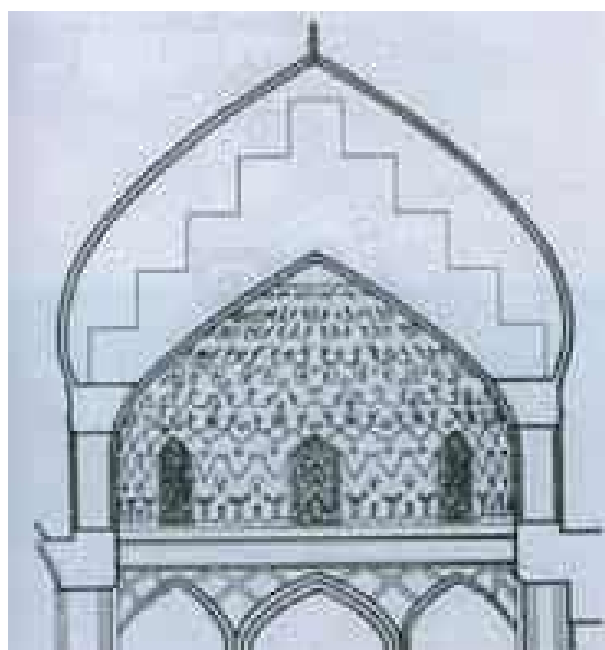
۷-۴۱- مسجد امام، اصفهان، ۱۰۴۸-۱۰۲۰ هجری



۷-۴۲- مسجد امام، مجموعه میدان نقش جهان، اصفهان



۴۴-۷- مسجد امام ، کاشیکاری و کتیبه خطی



۴۳-۷- مسجد امام ، طرح برش گنبد دو پوسته

مسجد شیخ لطف الله: بنایی با اندازه‌های کوچک، بسیار ظریف و بدون حیاط مرکزی است. گنبد زیبایی این مسجد به شیوه‌ی ساسانی بر روی یک اتاق چهار گوش استوار شده است. این بنا برای شیخ لطف الله عالم دینی بنام عهد صفویه ساخته شده است. در این مسجد، بار دیگر به دلیل موقعیت قرار گرفتن سر در ورودی در ضلع شرقی میدان، تغییر جهتی به سوی جنوب انجام گرفته تا گنبد خانه، رو به سوی قبله داشته باشد. کاشی‌کاری‌های درون مسجد شیخ لطف‌الله که رنگ آبی لاجوردی در آن بیشتر به چشم می‌خورد، به دو شیوه‌ی معرق و خشتی هفت‌رنگ است. درپچه‌های مشبکی که به صورت بسیار ماهرانه در زیر ساق یا گلوگاه گنبد تعبیه شده، نور وارده به گنبدخانه را تنظیم و تلطیف می‌کند. سطوح داخلی گنبد، دارای نقوش کم نظیر ترنجی است و سطح بیرونی گنبد پوشیده از اسلیمی‌های آبی و سفیدی است که بر زمینه‌ای نخودی رنگ، جلوه‌های خارق العاده یافته است (تصاویر ۴۵-۷ و ۴۶-۷).

در این بنا بیشتر کتیبه‌های به کار رفته در سطوح داخلی و خارجی به خط خوشنویس نامی عهد صفویه

یعنی علیرضا عباسی است.



۷-۴۶-مسجد شیخ لطف الله، اصفهان، نمای داخلی، کاشیکاری زیر گنبد



۷-۴۵-مسجد شیخ لطف الله، میدان نقش جهان، اصفهان، ۱۰۲۹-۱۰۱۲ هجری

عالی قاپو: یکی از شاهکارهای معماری غیر مذهبی در شیوه ی اصفهانی کاخ رفیع عالی قاپوست که در غرب میدان واقع شده است (تصویر ۷-۴۷). این عمارت در شش طبقه با ارتفاعی در حدود ۴۸ متر ساخته شده است که هر طبقه آن با تزیینات خاصی پوشیده شده است (تصویر ۷-۴۸).
 طبقه ششم ویژه پذیرایی‌های رسمی و نغمه‌سرایی نوازندگان و خوانندگان بوده است. بر دیوار تالار میانی و اتاقهای اطراف، گچبری‌های تو خالی به شکل ظروف (تنگ بری)^{۳۱} (تصویر ۷-۴۹) گوناگون و انواع صراحی‌های کوچک و بزرگ به چشم می‌خورد. این شیوه تزیینی کم نظیر نه تنها به لحاظ بصری بسیار تاثیر گذار است، بلکه در کاهش انعکاس صوت و انتقال طبیعی نوای موسیقی نقشی به سزا داشته است.
 بخشی از نقاشی‌های کاخ عالی قاپو، به قلم نقاش معروف عهد صفویه، رضا عباسی و شاگردان او ست. متأسفانه بسیاری از این آثار بی‌همانند در اثر بی‌توجهی بازدید کنندگان و گذر ایام از میان رفته و یا شدیداً آسیب دیده است (تصویر ۷-۵۰).

سر در قیصریه و بازار بزرگ: این بازار در عصر صفویه محل ارائه کالاهای بازرگانان خارجی و فروش پارچه‌های نفیس و گران‌قیمت بوده است. بر سردر بازار مزبور صحنه‌هایی از جنگ شاه عباس و ازبکان

۳۱. نوعی تزیینات گچ بری به شکل ظروف است.

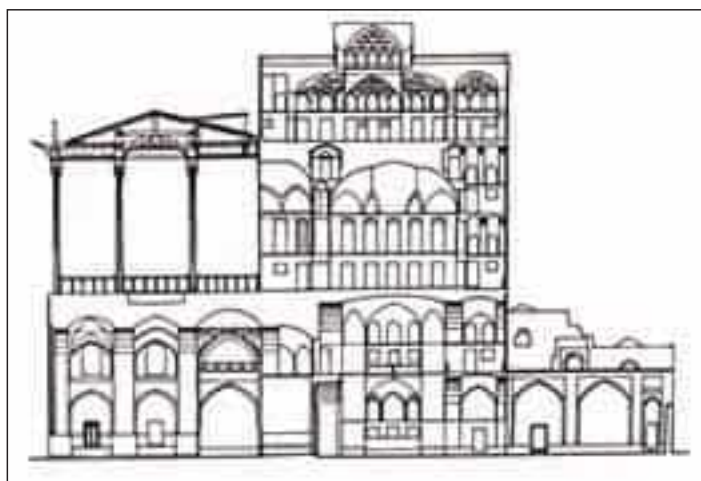
و نیز شکارگاه شاهی به قلم رضا عباسی نقش بسته بود که امروزه تنها بخشی از آن برجای مانده است (تصویر ۵۱-۷).

از دیگر آثار معروف این دوره در اصفهان می‌توان از "کاخ چهلستون"، "کاخ هشت بهشت" (تصویر ۵۲-۷)، "مدرسه چهارباغ"، "سی و سه پل" یا "الله وردی خان" و "پل خواجه" نام برد (تصویر ۵۳-۷) که هر یک بی‌تردید از شاهکارهای بی‌همتای هنر معماری ایران محسوب می‌شوند.

از دیگر بناهای به یاد ماندنی شیوه اصفهانی می‌توان به "مجموعه گنجعلی خان" در کرمان اشاره کرد که در دوران شاه عباس ساخته شده و شامل میدان، مسجد، مدرسه، کاروانسرا، حمام، آب انبار و ضرابخانه است. این شیوه معماری در دوره‌های بعد هم مورد استفاده قرار می‌گیرد.



۷-۴۷- عمارت عالی قاپو، میدان نقش جهان، اصفهان، ۱۰۷۱-۱۰۰۶ هجری



۷-۴۸- عمارت عالی قاپو، برش نمای جانبی



۵۰-۷- دیوار نگاره ، اثر رضا عباسی ، عمارت عالی قاپو



۴۹-۷- اتاق موسیقی ، عمارت عالی قاپو



۵۱-۷- بازار قیصریه ، میدان نقش جهان ، اصفهان ، ۱۰۳۰-۱۰۲۹ هجری



۵۳-۷- پل خواجه، اصفهان، سده ۱۱ هجری



۵۲-۷- نمای داخلی کاخ هشت بهشت، اصفهان، ۱۰۸۰ هجری

دوره افشاریه و زندیه

از نمونه‌های شاخص و بیاد ماندنی دوره افشاریه می‌توان به "کلات نادری" در خراسان و "عمارت خورشید" در درون کلات نادری اشاره کرد (تصویر ۵۴ - ۷).

در دوره زندیه، شیراز به پایتختی برگزیده شد و در این دوره ابنیه گوناگون مانند "باغ نظر"، "عمارت کلاه فرنگی" و "مجموعه وکیل" شامل: مسجد، بازار، حمام در شیراز و "ایوان تخت مرمر" و "خلوت کریم‌خانی" در تهران در زمان کریمخان زند ساخته شد. معماری این دوره ادامه شیوه اصفهانی است.



۷-۵۵- مسجد وکیل ، شیراز ، دوره زندیه ، اواخر سده دوازدهم هجری



۷-۵۴- کلات نادری ، خراسان ، سده دوازدهم هجری

مسجد وکیل: یکی از مهم‌ترین و زیباترین آثار به جای مانده از دوران زندیه است. سردر ورودی مسجد در قسمت شمالی قرار دارد و در مقابل آن در جنوب مسجد، شبستانی وسیع (۵۰ در ۱۰۰ متر) ساخته شده است که ۴۸ ستون سنگی یکپارچه ابهتی چشمگیر بدان بخشیده است. سراسر نمای مسجد، دو ایوان بزرگ شمالی و جنوبی و سردر ورودی دارای کاشیکاری‌های نفیس و رنگهای فریبنده و چشم نواز است (تصویر ۷-۵۵).

دوره قاجاریه

در دوره قاجاریه با تاثیرپذیری از هنر غرب عصر انحطاط هنر و فرهنگ ایران شکل گرفت. هر چند آثار درخشانی از این دوره بجای مانده است که می‌توان به مسجد آقا بزرگ و مجموعه ی کاخ گلستان شامل تالار آئینه (تصویر ۷-۵۶ الف)، تالار عاج، سفره خانه و تالار برلیان اشاره کرد. از بخش‌های کاخ گلستان تالار موزه است که به تقلید از موزه‌های بزرگ اروپا ساخته شد. بدین ترتیب، نخستین موزه دولتی ایران شکل گرفت. از دیگر بناهای موجود در این کاخ می‌توان به شمس‌العماره در ضلع شرقی و کاخ ابیض در ضلع جنوب غربی باغ اشاره کرد (تصویر ۷-۵۶ ب).

مسجد و مدرسه سپهسالار (دانشگاه شهید مطهری): این بنا به همت میرزا حسین خان سپهسالار جنب کاخ سپهسالار ساخته شد. این مسجد که در زمان خود بزرگ‌ترین مسجد تهران قلمداد می‌شد، بنایی چهارایوانی، با ایوان‌هایی رفیع و گنبدی زیبا در جبهه جنوب غربی است. بر روی مناره‌های چندگانه مسجد، سطوح کاشی‌هایی با نقش‌های هندسی، در کنار کاشی‌هایی قرار دارند که اغلب تصاویری از مناظر گوناگون را تا قسمت فوقانی گلدسته‌ها پوشانیده‌اند. نقوش کاشی‌های این بنا بسیار متنوع و چشم نواز است و شامل



۷-۵۶- ب- کاخ ابيض، مجموعه کاخ گلستان، تهران، سده سیزدهم هجری



۷-۵۶- الف - تالار آینه، کاخ گلستان، تهران، سده سیزدهم هجری

نقوش هندسی، گلدانی، اسلیمی، گل و بته، شاخ و برگ و نقوش طبیعت گرایانه و مناظر و مراپا به شیوه نقاشی غربی می باشد (تصویر ۵۷-۷).

صحن وسیع مدرسه با چهار باغچه و حوض بزرگ، در میانه ساختمانی دو طبقه قرار دارد که با کاشی های معرق و حجاری های سنگی مزین شده است. حجره ها، مناره ها، کتابخانه، مکتب خانه، آب انبار و دیگر قسمت ها این مجموعه را در زمره یکی از بزرگ ترین و زیباترین بناهای عهد قاجار در تهران قرار داده است. از دیگر بناهای مهم این دوره در تهران می توان به "قصر قاجار"، "قصر فیروزه"، "نگارستان"، "مسجد سلطانی"، "مدرسه دارالفنون"، "قصر دوشان تپه"، "بازار بزرگ" و "تکیه دولت" اشاره کرد (تصویر ۵۸-۷).

در دوره های معاصر و به واسطه علاقه وافر به شیوه زندگی غربی، الگوبرداری های عمیق تری از شیوه شهرسازی و معماری غرب آغاز شد و بویژه تهران چهره اروپایی به خود گرفت. از این پس با ورود مهندسین اروپایی، بناهای مدرن رشد یافت و بیمارستان ها، بانک ها، وزارتخانه ها، مراکز و سازمان های دولتی و سرانجام خانه های مسکونی به شکل و روش معماری غربی ساخته شد.

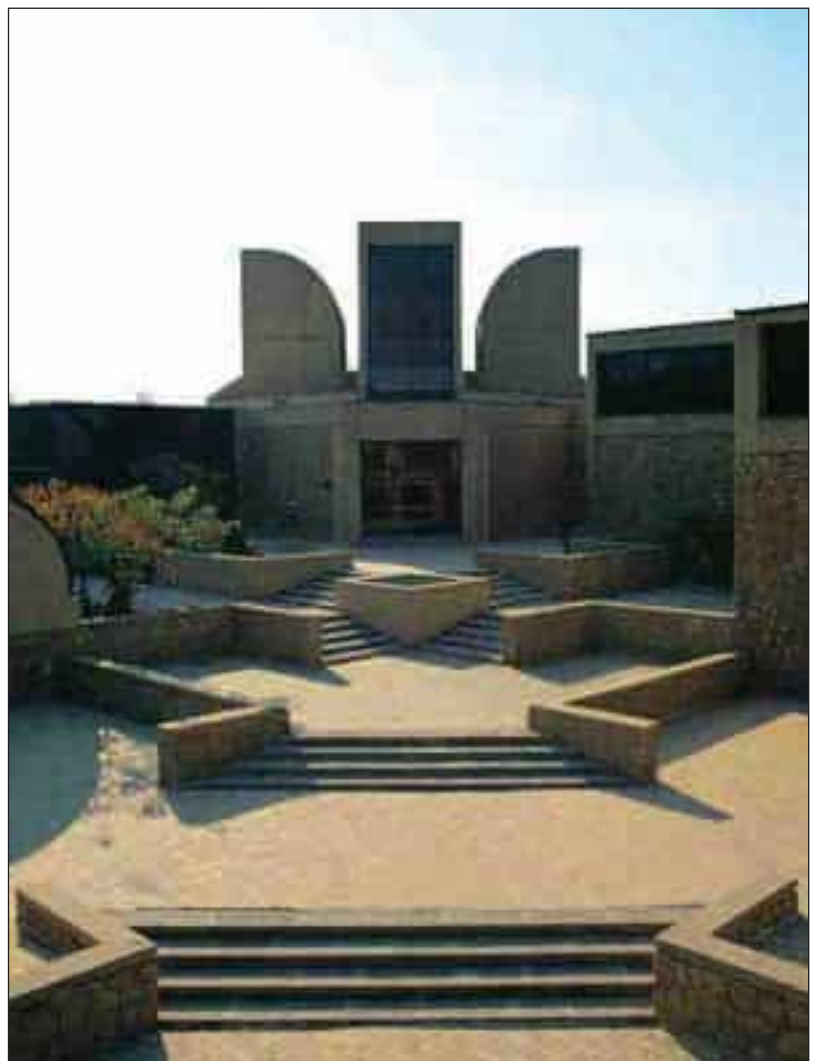
اما در این میان می توان از بناها و آثار شاخصی نام برد که توسط معماران ایرانی و با توجه به میراث گذشتگان پدید آمده اند. از جمله می توان به میدان آزادی، ساختمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، موزه هنرهای معاصر، ساختمان تئاتر شهر و موزه فرش و..... اشاره کرد (تصویر ۵۹-۷).



۷-۵۸- بنای تکیه دولت ، تهران دوره قاجاریه ، سده سیزدهم



۷-۵۷- مسجد ومدرسه سپهسالار (دانشگاه شهید مطهری) ، تهران ، سده سیزدهم هجری



۷-۵۹- موزه هنرهای معاصر ، تهران ، دوره معاصر

پرسش

- ۱- معماری صفویه از چه دورانی آغاز شد؟ در این دوران چه تغییراتی در معماری صورت گرفت؟
- ۲- مسجد امام اصفهان به چه شیوه‌ای ساخته شده است؟ توضیح دهید.
- ۳- خصوصیات اصلی مسجد شیخ لطف الله را توضیح دهید.
- ۴- یک خوش نویس و یک نقاش نامی عهد صفویه را که هنرشان در بناهای این دوران دیده می شود نام ببرید.
- ۵- یکی از بناهای غیر مذهبی معروف دوره‌ی زندیه را نام ببرید و توضیح دهید.
- ۶- یکی از بناهای مذهبی معروف دوره‌ی زندیه را نام ببرید و توضیح دهید.
- ۷- نخستین موزه‌ی دولتی ایران در چه بنایی واقع شده است و در چه دوران شکل گرفت؟
- ۸- نقوش کاشی‌های مسجد سپهسالار را چه چیزهایی تشکیل می دهد؟
- ۹- مهم ترین بناهای عصر قاجار را نام ببرید.
- ۱۰- چند بنای دوره‌ی معاصر را که توسط معماران ایرانی و با توجه به میراث گذشتگان ساخته شده است نام ببرید.
- ۱۱- در مورد آثار تاریخی استان محل زندگی خود تحقیق کنید و در مورد آن در کلاس گفت و گو نمائید.

نگارگری

جمهوری اسلامی

ح سده چهاردهم ه. ق (۱۹۷۹ م)

پهلوی نقاشی نوین

ح سده سیزدهم ه. ق (۱۹۲۵ م)

قاجاریه مکتب تهران

ح سده دوازدهم ه. ق (۱۷۹۴ م)

زندیه مکتب شیراز (گل)

ح اوایل سده دوازدهم ه. ق (۱۷۵۰ م)

افشاریه

مکتب اصفهان

مکتب قزوین

مکتب مشهد

مکتب بخارا

مکتب تبریز ۲

صفویه

ح سده نهم ه. ق (۱۵۰۸ م)

تیموری و

مکتب تبریز متقدم

مکتب هرات

مکتب سمرقند - هرات

مکتب شیراز تیموری

مکتب جلایری

مکتب شیراز

مکتب تبریز ۱

مغول

ح سده هفتم ه. ق (۱۲۵۸ م)

عباسیان

مکتب بغداد

مکتب سلجوقی

ح سده دوم ه. ق (۷۵۰ م)

امویان

سنت شرقی

سنت غربی

ح سده اول ه. ق (۶۶۱ م)



نگارگری

هنر نقاشی و نگارگری در جهان اسلام به دوران گذشته سنت ایرانی در دیوارنگاره‌های، صخره نگاری‌ها، تزئینات سفالینه و کتاب‌آرایی دوران ساسانی، به‌ویژه هنر مانوی (ارژنگ یا ارتنگ)^{۳۲} باز می‌گردد (تصویر ۶۰- الف و ب).

اولین آثار باقیمانده در صدر اسلام را می‌توان در فارس، خراسان، بر دیوار کاخ‌های امویان در سوریه، کاخ‌های عباسیان در عراق و کتاب‌های مصور مشاهده کرد. این آثار به لحاظ رعایت ویژگی‌های منسجم زمینه‌ساز شکل‌گیری مکاتب نقاشی و نگارگری شدند که به اختصار به آنها می‌پردازیم.



۶۰-۷- ب - برگه‌هایی از کتاب مصور ارژنگ، ناحیه‌ی تورفان در غرب ترکستان چین، سده دوم و سوم هجری



۶۰-۷- الف - برگه‌ی از ارژنگ، تورفان، سده‌ی دوم و سوم

هجری

مکتب بغداد یا بین المللی عباسی (سده سوم تا ششم هجری)

سنت نقاشی در دوران عباسی بر پایه‌ی هنر ساسانی و هنر بیزانس (روم شرقی) شکل گرفته است که در دو شیوه‌ی دیوارنگاری و کتاب‌آرایی به نام مکتب بغداد شهرت می‌یابد. این نقاشی‌ها بسیار ساده و زیبا با تعداد محدود پیکره‌ی انسانی، درخت و شاخه‌ای به نشانه‌ی طبیعت بر زمینه‌ی کاغذ یا پوست (بدون رنگ آمیزی زمینه) و بدون تفکیک نقاشی از متن نوشتاری و تأثیرات مستقیم هنر مانوی به صورت هاله‌های

۳۲. قدیمی‌ترین نمونه‌های یافت شده در تورفان چین حدود سده‌ی سوم هجری قمری / نهم میلادی

دوره‌ی سر، گیاهان ساده شده، لباس‌های منقوش، رنگ تخت و خطوط مرزی و تأثیرات بیزانسی با سایه روشن در چهره‌ها انجام می‌شد.

کتاب‌های مصور مکتب بغداد را به طور کلی می‌توان به دو گروه تقسیم بندی کرد: ۱- کتاب‌های علمی (پزشکی، نجوم و فیزیک) مانند کتاب خواص الادویه (تصویر ۶۱-۷)، فیزیک الجزری، فی معرفه الخیال الهندسه ۲- کتاب‌های ادبی (شعر و حکایت) مانند «مقامات حریری» (تصویر ۶۲-۷) و «کلیله و دمنه»^{۳۳}.



۶۲-۷- نسخه مقامات حریری، اثر محمود بن یحیی بن واسطی، سال ۳۳۴ هجری، بصره



۶۱-۷- نسخه خواص الادویه، نسخه ترجمه یونانی، سال ۶۲۷ هجری، مکتب بغداد

مکتب فارس و خراسان - سلجوقی سده‌ی پنجم و ششم هجری قمری (۱۱ و ۱۲ میلادی)

در مناطق مرکزی و شرقی ایران عناصر کهن نقاشی مانوی و میراث هنر ایرانی بار دیگر در نگاره‌های ظروف سفالین و نقاشی کتاب‌های خطی ظاهر شد و آثاری پرارزش برجای گذاشت. این دوران مهم‌ترین دوره‌ی همگامی هنر اسلامی و ادبیات فارسی است (سروده شدن خمسه‌ی نظامی).

نقاشی‌های این مکتب بر روی زمینه‌ی سرخ رنگ همراه با نقوش روی زمینه برای اولین بار در دوران اسلامی (به صورت پیچک‌های ریز) و نیز پیکره‌های کوتاه قامت با موضوع‌های بزم و رزم و پوشش لباس‌هایی

۳۳. نام اصلی کتاب پنج تنتره که در دوره‌ی ساسانی برزویه ی طبیب آن را از سانسکریت به پهلوی ترجمه و در سده‌ی دوم هجری قمری عبدالله بن مقفع آن را به عربی و نصرالله منشی در سده‌ی چهارم (دوره‌ی سامانی) به فارسی ترجمه کردند و سرانجام رودکی آن را به نظم در آورد.

بدون چین و چروک همراه با تزئینات اسلیمی است. از مهم‌ترین آثار این دوران می‌توان به اولین کتاب مصور به زبان فارسی یعنی ورقه و گلشاه (تصویر ۶۳-۷) و نیز به کتاب الاغانی (تصویر ۶۴-۷)، سمک عیار، کتاب التریاق (زکریای رازی) (تصویر ۶۵-۷)، شاهنامه‌ی کاما^{۳۴}، اندرزنامه، صورالکواکب، مفید الخاص، خواص الاشجار و طب جالینوس اشاره کرد.



۶۳-۷- ورقه و گلشاه، اثر عیوقی، سده هفتم، مکتب سلجوقی



۶۵-۷- کتاب التریاق، زکریای رازی، مکتب سلجوقی، سده ششم یا هفتم هجری



۶۴-۷- کتاب الاغانی، حاکم نشسته، مکتب سلجوقی، موصل، سالهای ۶۱۶-۶۱۲ هجری

۳۴. قدیمی‌ترین شاهنامه‌ی مصور با ۴۵ تصویر حدود سده‌ی ششم و اوایل سده‌ی هفتم

مکتب تبریز ۱- ایلخانان مغول (سده هفتم و هشتم هجری)

در سده هفتم هجری دوران حکومت ایلخانان مغول در ایران، سنت های هنری و فرهنگی با حمایت

دانشمندان و فرهیختگان ایرانی همچون خواجه رشیدالدین فضل الله حیاتی دوباره یافت. با بوجود آمدن شیوه های مختلف نقاشی، چون هنر چینی^{۳۵}، هنر بیزانسی^{۳۶}، هنر مغولی^{۳۷}، هنر بغدادی و بودایی، با شیوه های مرسوم در هنر ایران شکل گرفت.

از مهم ترین ویژگی های این مکتب بدعت در ترکیب بندی های عمودی و کتیبه وار، متداول شدن کادر و جدول کشی، نمایش همزمان خارج و داخل بنا، منظره پردازی^{۳۸}، تنوع رنگی، اختصاص یافتن یک صفحه مستقل کتاب به تصویر، استفاده از رنگ های روحی و جسمی^{۳۹} می باشد.

محل ظهور این مکتب، تبریز و مراغه است. کتابهای مصور شده در این مکتب عبارتند از: منافع الحیوان (تصویر ۶۶-۷)، جامع التواریخ رشیدی^{۴۰} (تصویر ۶۷-۷)، و شاهنامه فردوسی^{۴۱} (تصویر ۶۸-۷) است که بخش عمده ای آنها در ربع رشیدی^{۴۲} کار شده است.



۶۶-۷- منافع الحیوان ، نبرد قوچ کوهی ، اثر ابن بختیشوع ، مراغه ، سده هفتم هجری

۳۵. دقت در جزئیات، کوه به شکل لایه لایه، ابر پیچان، هاشور زنی یا پرداز، آب بصورت پولک پولک

۳۶. استفاده از رنگ نقره ای و عمق نمایی

۳۷. پوشاک سر و انواع کلاه خود، لباس، زره و جنگ افزار و بیرق ها و اسب های مغولی

۳۸. منظره پردازی در این مکتب به احمد موسی نسبت داده شده است.

۳۹. رنگ های تند با لایه های ضخیم (جسمی)، رنگ های ملایم با لایه های نازک (روحی)

۴۰. دارای ۱۲۰ تصویر که بیشترین تأثیر از چین و بیزانس دارد.

۴۱. دارای ۵۵ یا ۵۸ تصویر که متأثر از عناصر چینی و بیزانسی می باشد.

۴۲. این مرکز فرهنگی هنری به همت و سرمایه شخصی خواجه رشید الدین فضل الله، مورخ و نویسنده کتاب چهار جلدی جامع التواریخ و وزیر فرهیخته غازان خان و الجایتو در تبریز ساخته شد. (ربع : محله، سرا، خانه، مجموعه آبادی ، خاندان و ایل)



۶۸-۷- نسخه شاهنامه فردوسی ، تبریز ، سده هفتم هجری (۷۲۶-۷۲۶ هجری)



۶۷-۷- نسخه عربی جامع التواریخ ، رشیدالدین فضل الله، حمله ی محمدبن سبکتکین به زرنگ سیستان، تبریز، سال ۷۱۴ هجری

مکتب شیراز (سده هفتم ه. ق / ۱۳ م)

شیوه نقاشی مکتب شیراز در ادامه هنر کهن ایرانی و ابداعات جدید آن است. این مکتب با نوآوریهای خام دستانه و ابتدایی، تداوم دهنده سنت کتاب آرایبی و نقاشی سده پنجم و ششم هجری شد که در طول دو سده بعدی تکامل یافت و به خصوصیات ویژه مسلط نقاشی ایرانی بدل گردید. (تصویر ۶۹-۷)



۶۹-۷- شاهنامه قوام الدین حسن ، بهرام گور در کلبه دهقان ، مکتب شیراز ، ۷۴۱ هجری

مکتب بغداد - تبریز (جلایری سده هشتم ه. ق ۱۴ م)

در سده هشتم هجری در دوران جلایریان حکومت در دو مرکز تبریز و بغداد به کار خود ادامه داد و یکی از مهم‌ترین مکاتب نقاشی پدیدار گشت که به مکتب جلایری شهرت یافته است. این مکتب متعالی مجموعه‌ای بر گرفته از دستاوردهای مکتب بغداد، شیراز و تبریز است. این مکتب با حضور نقاشان برجسته‌ای چون جنید بغدادی معروف به سلطانی و دیگر هنرمندان شکل گرفت. تصاویری از دیوان خواجه کرمانی (مجموعه همای و همایون) (تصویر ۷۰-۷) که در موزه بریتانیا نگاهداری می‌شود به خط نستعلیق میر علی تبریزی و از آثار برجسته جنید نقاش است (تصویر ۷۱-۷).



۷۱-۷- دیوان خواجه کرمانی، دادخواهی پیرزن از ملک‌شاه، بغداد، مکتب جلایری، سال ۷۹۹ هجری



۷۰-۷- دیوان خواجه کرمانی (مجموعه همای و همایون)، دوران جلایری، سده هشتم هجری



۷۲-۷۰- دیوان سلطان احمد جلایر ، تشعیر ، بغداد ، حدود ۸۰۶-۸۰۳ هجری

ویژگی‌های مهم مکتب جلایری شامل فضای بیکرانه و نمایش طبیعت شاعرانه ، تصویر سازی از جهان خیالی ، هماهنگی پیکره و منظره‌سازی ، ترکیب بندی دایره وار، تزئینات ماهرانه، تفکیک فضا^{۴۳} و هندسه ترسیمی و پرسپکتیو آکسومتری^{۴۴} است.

در این دوره برای اولین بار می‌توان کاربرد تشعیر (دیوان سلطان احمد جلایر) و رقم و امضا^{۴۵} مشاهده کرد. تمامی این دستاوردهای نوین زمینه را برای ظهور مکتب هرات ، فراهم ساخت (تصویر ۷۲-۷۰).

مکتب شیراز (سده هشتم هجری - قمری/۱۴ م)

دوران تیموری امکان یکپارچه کردن دستاوردهای مکاتب گوناگون نقاشی ایرانی را بوجود آورد. تیمور نخبه‌ترین هنرمندان و صنعتگران را از شهرهای گوناگون به سمرقند پایتخت مورد علاقه‌اش فرا خواند. بعد از وی شاهرخ و سپس فرزندان شاهرخ^{۴۶} در مناطق مختلف شیوه‌های هنری را گسترش دادند^{۴۷} در همین زمان، نسخ فراوانی در شیراز و دیگر مناطق به تصویر درآمد که به طریقی پر قدرت، امکانات تصویری مکاتب پیشین را بکار برد. از مهم‌ترین ویژگی‌های این مکتب توجه به طبیعت (با نگاه واقع‌گرایانه)، رفتار و کردار انسان با حداقل تأثیرپذیری از بیگانگان (به ویژه چین و بیزانس) است. هم چنین توجه به افق رفیع، بکارگیری بیش از حد نقوش گیاهی ، توجه به مضامین عارفانه و عاشقانه، قرار گرفتن پیکره سواران بصورت مورب و هماهنگی خط و رنگ و غالب بودن رنگ قرمز از ویژگی‌های دیگر این مکتب است.

از آثار معروف این دوران "گلچین اسکندر سلطان" (تصویر ۷۳-۷۰)، "شاهنامه ابراهیم سلطان"^{۴۸} (تصویر ۷۴-۷۰) و "خاوران نامه"^{۴۹} در شیراز مصور شده اند و به خوبی نشان می‌دهند که دستاوردهای مکتب جلایری چه تأثیرات عمیقی در اعتلای نقاشی این دوران داشته است. این مجموعه کتاب‌های مصور که به لحاظ سبک و شیوه بی‌تردید با نقاشی‌های مکتب هرات اشتراکاتی می‌یابند ، شاهد گونه‌ای ارتباط و یکپارچگی سبک در دوران تیموری هستند .

۴۳. زمین، نمای کف بصورت سنگفرش، دیوار عقب با پنجره، کف دیوار جانبی بصورت مورب، در سفید نیمه باز، حیاط مرکزی و عناصر اصلی در مرکز صحنه، شاهد و اندرونی

۴۴. هندسه ترسیمی دو بعد نمایی با رعایت محور افقی و عمودی و خطوط مورب بدون در نظر گرفتن نقطه گریز

۴۵. امضای جنید در دیوان خواجوی کرمانی مجموعه‌های و همایون

۴۶. ۱- الغ بیک در سمرقند ۲- بایسنقر میرزا در هرات ۳- اسکندر سلطان و ابراهیم سلطان در شیراز

۴۷. اگر چه هیچ نسخه خطی نقاشی شده‌ای در این دوره از سمرقند بدست نیامده است.

۴۸. مشهور به شاهنامه کوچک با ۵۲ تصویر بدون صحنه‌های عاشقانه

۴۹. نوشته ابن حسام مربوط به زندگی حضرت علی (ع) با ۱۱۵ تصویر و نقاشی فرهاد



۷۴-۷- شاهنامه‌ی فردوسی، رستم و سهراب، مکتب شیراز، دوره تیموری، ۷۷۳ هجری



۷۳-۷- گلچین اسکندر سلطان، بهرام گور در قصر هفت گنبد، مکتب شیراز، دوره تیموری، سده هشتم هجری

مکتب هرات - تیموری (سده ی هشتم هجری / ۱۴ م)

شاهرخ پسر تیمور، هرات را مرکز حکومت خود قرار داد و به اتفاق فرزند خود "بایسنقر میرزا" که خود یکی از خوشنویسان به نام این دوران است، هنرمندان و صنعتگران فراوانی را به هرات دعوت کرد. کتابخانه بایسنقر میرزا بزرگترین کارگاه هنری پررونق دوران خود به شمار می‌رفت. در این کتابخانه به دعوت شاهزاده بایسنقر میرزا چهل هنرمند خوشنویس و کتاب آرازی‌ر نظر رییس کتابخانه یعنی "جعفر بایسنقری" خطاط به نام عصر تیموری به کار نوشتن نسخه‌های خطی مشغول و نفیس‌ترین نسخ خطی و برجسته‌ترین نقاشی‌ها را خلق کردند.

در این دوران شاهد تداوم سنت‌های هنری دوران جلایری هستیم و از مهم‌ترین ویژگی‌های نقاشی در این دوران می‌توان به ترکیب بندی متقاطع و غیر متقارن، واقع‌گرایی در ترسیم گل و گیاه، تنوع رنگ در قلم‌گیری، غالب بودن رنگ آبی در کل تصویر، مهارت در طراحی اندام، ریزه کاری در معماری، تراکم موضوع در مرکز صحنه و نمایش تداخل چند فضا در تصویر و فضای آرمانی در نقاشی اشاره کرد.

شاهنامه بایسنقری به خط جعفر بایسنقری، یکی از شاهکارهای این مکتب بشمار می‌رود (تصویر ۷۵-۷). کتاب‌های دیگر این دوره "کلیله و دمنه بایسنقری" و "کتاب جامع التواریخ" می‌باشند (تصویر ۷۶-۷).



۷۶-۷-کليله و دمنه ، نسخه بايسنقرى ، حمله شير به گاو مکتب هرات ، سدهى هشتم هجرى



۷۵-۷- شاهنامه‌ى فردوسى، نسخه بايسنقرى ، مکتب هرات ، سدهى هشتم هجرى

در نقاشی‌های مکتب اول هرات که ویژگی‌های کاملاً ایرانی را بازتاب می‌دهند همه چیز در کمال اختصار و صراحت ارائه شده است. نام آورترین نقاش ایرانی اواخر دوره تیموری یا مکتب هرات ۲ و تبریز ۲ (دوره صفوی) کمال الدین بهزاد^{۵۰} است (تصویر ۷۷-۷). وی در هرات به دنیا آمد و مکتبی نوین در نقاشی ایرانی پدید آورد که تأثیری شگرف در دوران خود و پس از خود بر جای گذاشت.

مکتب تبریز ۲ (دوران صفویه)

در آغاز حکومت صفویه، تبریز به پایتختی برگزیده شد. در این دوران مکتب هرات و شیوه بهزاد با جذب شاگردان بسیاری نگارگری رایج را تغییر داد. حاصل این تجربه اندوزی‌های تازه، ظهور سبکی نوین به نام مکتب صفوی یا تبریز ۲ است که با تلفیق سنت‌های هرات و میراث شیوه تبریز ۱ همراه با نقاشانی برجسته چون سلطان محمد، آقا میرک، مظفر علی و شیخ زاده شکل گرفت (تصویر ۷۸-۷).

مهم‌ترین ویژگی‌های این مکتب تنوع رنگ، استفاده فراوان از رنگ طلایی، توجه به موضوعات

۵۰. تحت تعلیم و تربیت استاد میرک اصفهانی مقدمات هنری را آموخت و همچون بسیاری از اساتید و هنرمندان هرات به تبریز پایتخت صفویان رفت (زمان شاه اسماعیل اول) و ریاست کتابخانه سلطنتی را بر عهده گرفت و به تربیت شاگردان بسیار پرداخت.



۷۸-۷-خمسہ نظامی (طهماسبی)، معراج حضرت محمد (ص)، اثر سلطان محمد، مکتب تبریز، سده دهم هجری (۹۵۰-۹۴۶ هجری)



۷۷-۷-خمسہ نظامی، ساختن کاخ خورنق، کمال الدین بهزاد، مکتب هرات، ۸۹۹ هجری

درباری، بکارگیری اشیاء مربوط به زندگی، شکست کادر^{۵۱}، پوشاک هماهنگ با رسم صفویه با کلاه قزلباش^{۵۲} (تصویر ۷۹-۷)، ایجاد صحنه‌های شکار با حالتی پر تحرک، صحنه‌های داخلی با حالتی خموش و متفکرانه و بزم با حالت یکنواخت و پیکره‌های محدود، بکارگیری نقوش نگارگری در بافت پارچه، توجه زیاد به چهره‌نگاری، رواج تشعیر بدون بکارگیری اسلیمی و مهارت در صحنه‌های چوپانی و به ویژه در نقاشی‌های بهزاد و شاگردان وی^{۵۳} ترکیب‌بندی حلزونی یا اسپیرال می‌باشد. از آثار معروف این دوره می‌توان به دیوان میر علیشیر نوایی، مجلس صنعان اثر شیخ زاده (تصویر ۸۰-۷)، خمسہ ی نظامی^{۵۴} (تصویر ۸۱-۷) و شاهنامه شاه طهماسب^{۵۵} (تصویر ۸۲-۷) اشاره کرد.

۵۱. تسخیر-که از دوران مکتب شیراز آغاز شده بود.

۵۲. با عمامه دوازده ترک با میله قرمز و سیاه- به نیت دوازده امام

۵۳. همچون میر سید علی، میر مصور، دوست مصور و خواجه عبدالصمد

۵۴. با ۱۴ تصویر، نقاشان: آقامیرک و سلطان محمد - خط شاه محمود نیشابوری

۵۵. معروف به شاهنامه شاهی یا هوتون با ۲۵۸ تصویر از نقاشانی چون سلطان محمد- آقا میرک- میرزا علی و...



۷-۷۹- دیوان حافظ، رؤیت هلال ماه پس از رمضان، مکتب تبریز، ۹۳۶-۹۳۲ هجری



۸۰-۷- دیوان میرعلیشیر نوایی، شیخ صنعان، اثر شیخ زاده، مکتب تبریز، سده دهم هجری



۷-۸۲- شاهنامه فردوسی (طهماسبی)، دربار کیومرث، اثر سلطان محمد، مکتب تبریز، حدود ۹۴۲-۹۳۲ هجری



۷-۸۱- خمسه نظامی، خسرو شیرین را نظاره می کند، اثر سلطان محمد، مکتب تبریز، سده دهم هجری

پرسش

- ۱- مکتب بغداد(عباسی) تحت تأثیر چه هنرهایی شکل گرفت و دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۲- کتاب‌های مصور مکتب بغداد به چند گروه تقسیم می‌شوند؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۳- همگامی هنر اسلامی و ادبیات فارسی در چه دوره‌ای بیش‌تر مشاهده می‌شود؟ با ذکر مثال ویژگی‌های این مکتب را بیان کنید.
- ۴- مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب تبریز ۱ (ایلخان مغول) را با ذکر نمونه توضیح دهید.
- ۵- خواجه رشیدالدین فضل‌الله که بود و چه کارهایی برای فرهنگ و هنر ایران انجام داد؟
- ۶- مکتب شیراز تداوم دهنده‌ی نقاشی کدام دوره بود؟
- ۷- مکتب جلایری مجموعه‌ای از دستاوردهای کدام مکاتب است؟ و زمینه‌ی ظهور کدام مکتب را فراهم آورد؟
- ۸- ویژگی‌های مهم مکتب جلایری را با ذکر نام چندتن از هنرمندان این مکتب بیان کنید.
- ۹- چه مواردی در نگارگری برای اولین بار در دوره‌ی جلایری به کار برده شد؟
- ۱۰- ویژگی‌های مکتب شیراز و هرات دوران تیموری را بیان کنید.
- ۱۱- شاهنامه‌ی بایسنقری از شاهکارهای کدام مکتب است؟ ویژگی‌های مهم این مکتب را بیان کنید.
- ۱۲- نام آورترین نقاش مکتب هرات ۲ را نام ببرید و کارهای مهم او را توضیح دهید.

مکتب مشهد و قزوین دوره ی صفوی (سده ۱۰هـ. ق / ۱۶ م)

مکتب مشهد با تلفیق مکتب تبریز و عناصر محلی شکل گرفت. مهمترین ویژگی این مکتب حضور انسان و اشیاء بدون ارتباط با موضوع داستانی، توجه به موضوعات روزمره و عادی، پیکره های بلند قامت با گردن بلند و صورت گرد، صخره نگاری های قطعه قطعه، درختان کهنسال با تنه و شاخه های گره دار و استفاده از رنگ سفید است. شاخص ترین اثر این دوره هفت اورنگ جامی^{۵۶} می باشد (تصویر ۷-۸۳).



۷-۸۳- نسخه ی خطی هفت اورنگ جامی (ابراهیم میرزا)، مکتب مشهد، بین سالهای ۹۶۴-۹۷۵ هجری

۵۶. با ۲۸ تصویر و خوشنویسی رستم علی و محب علی و نقاشی میرزا علی، مظفرعلی، شیخ محمد و آقامیرک می باشد.

مکتب قزوین به دلیل انتقال پایتخت از تبریز به قزوین شکل گرفت. از ویژگی های آن تغییر و تحول در مکتب مشهد، کاهش تنوع رنگ و تعداد پیکره ها، رواج طراحی و نقاشی مستقل از کتاب (مرقعات)، تصویر زوج های جوان با تذهیب و خوشنویسی، گسترش تک پیکره نگاری و دیوار نگاری کاخ ها^{۵۷} است. از آثار معروف میتوان به شاهنامه ی قوام ابن محمد شیرازی^{۵۸} اشاره کرد.

مکتب اصفهان

پس از انتخاب اصفهان به پایتختی در دوران شاه عباس اول، مکتبی تازه در نقاشی پدیدار شد که مکتب اصفهان نام گرفت. این شیوه که توسط نقاش نام آور عهد صفوی، رضا عباسی ابداع شد، نمایشی از دوری هر چه بیشتر از مصور سازی کتاب های ادبی و کسب استقلال صفحه نقاشی است (تصویر ۷-۸۴). در مکتب اصفهان، شیوه کهن نقاشی ایرانی در زمینه فضا سازی و نحوه ترکیب بندی پیکره های انبوه کم شده و نمایش تک چهره ها و تک پیکره ها با پوشاک فاخر، قوت گرفت. فضا سازیهای ساده، خطوط منحنی دلپذیر، استفاده از حداقل رنگ و گاه ساخت و ساز ماهرانه خز لباسها و ظرافت در طراحی موی سر و ریش مردان، شیوه خاص رضا عباسی است که هنرمندان بسیاری را تحت تاثیر قرار داد و در سه نقاشی نسبتا یکسان دیده می شود. تصویر (۷-۸۴) اثر رضا عباسی است که درویشی را با چوب دستی نشان می دهد و دو تصویر (۷-۸۵) و (۷-۸۶) دو نمونه از کار نقاشانی است که کار رضا عباسی را با تغییراتی جزئی نسخه پردازی کرده اند. از دیگر نقاشان مکتب اصفهان می توان به "معین مصور"، "محمد یوسف" و "محمد قاسم" اشاره کرد.



۷-۸۶- درویش جوان با چوبدستی، اثر محمد یوسف، مکتب اصفهان، ۱۰۵۰ هجری



۷-۸۵- درویش جوان با چوبدستی، اثر افضل اصفهانی، مکتب اصفهان، ۱۰۵۰ هجری



۷-۸۴- درویش جوان با چوبدستی، اثر رضا عباسی، مکتب اصفهان، ۱۰۴۰ هجری

۵۷. مانند چهل ستون قزوین

۵۸. (به خط خود وی با ۳۷ تصویر در زمان شاه اسماعیل دوم)

در این مکتب شاهد گرایش‌هایی با تحولاتی گوناگون در زمینه‌های نقاشی هستیم که می‌توان به رواج سنت دیوارنگاری در کاخ‌ها و بناهای خصوصی و عمومی^{۵۹} اشاره کرد (تصویر ۸۷-۷). هم‌چنین زمینه‌ی تداوم هنر گورکانی هند به واسطه‌ی مهاجرت هنرمندان ایرانی که پیشتر در دوران مکتب تبریز آغاز شده بود بوجد آمد.



۸۷-۷- دیوارنگاری کاخ چهل ستون، بزم شاه عباس اول در باغ، اصفهان، حدود ۱۰۵۷ هجری

۵۹. کاخ نائین، چهلستون، عالی قاپو، هشت بهشت، حمام نائین



۷-۸۸- خمسه نظامی ، دیدار مجنون ، اثر محمد زمان ، اصفهان ، سال ۱۰۸۶ هجری

حضور هنرمندان اروپایی و نقاشان ارمنی در اصفهان (میناس ارمنی نقاش دیوار نگاره های کلیسای وانک) و همچنین ورود گروه‌های اروپایی و شکل‌گیری سبک تلفیقی هنر ایران و اروپا به صورت نقاشی رنگ روغن و رعایت اندازه‌ی طبیعی انسان در آثار (مثل نقاشی کاخ‌ها) به صورت دو بعدی و سه بعد نمایشی و فرنگی سازی (مکتب ایتالیا و اصفهان) تاثیر مهمی در نقاشی این دوره دارد (تصویر ۷-۸۸).

از دیگر شیوه‌های رایج دوران آخر صفویه شیوه‌ی گل و مرغ با اسلوب نقطه پرداز و نقاشی زیر لاک است. مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب اصفهان تاثیر پذیری از نقاشی هلند، برتری طرح بر رنگ، کاهش مصور سازی کتاب، رواج سیاه قلم، رواج دیوار نگاره، گسست پیوند نقاشی و ادبیات، کاهش تعداد پیکره‌ها، از بین رفتن فنون و اسلوب‌های فضا سازی^{۶۰}، به وجود آمدن دستارهای (عمامه) بسیار بزرگ، انواع کلاه^{۶۱} و مهم‌ترین ویژگی آثار رضا عباسی استفاده زیاد از قلم مو برای پردازش، بازنمایی طبیعت، تک چهره سازی، محدود کردن رنگ و تزیینات، غلبه‌ی قلم‌گیری بر رنگ، تمایل به ثبت واقعیات، تمایل به بکارگیری رنگ‌های ترکیبی می باشد.

از شاهکارهای مکتب اصفهان می‌توان به قصص الانبیا و شاهنامه‌ی شاه عباسی اثر رضا عباسی نام برد (تصویر ۷-۸۹).



۷-۸۹- قصص الانبیا ، صحنه ذبح حضرت اسماعیل (ع) توسط حضرت ابراهیم (ع) ، اثر رضا عباسی، اصفهان، اوایل سده یازدهم هجری

۶۰. توجه به موضوعات روز مره، زوج‌های عاشق و سفیران خارجی

۶۱. پوستی، نوک تیز، تاج پرداز

دوره‌ی افشار و زند

مکتب اصفهان در دوره‌های بعد بویژه دوره افشاریه ادامه یافت و با به قدرت رسیدن زندیه و انتخاب شیراز به عنوان پایتخت تحولات هنر در این دوران پدید آمد که به مکتب شیراز یا مکتب گل معروف است. مهمترین تحول نقاشی در این زمان رواج نقاشی زیر لاک، نقاشی پشت شیشه و گل و مرغ می باشد (تصویر ۹۰-۷).

از هنرمندان می‌توان به محمد صادق، برجسته‌ترین نقاشان این دوره علی‌اشرف که در تصویر گل مهارت زیادی داشته اشاره کرد. مهمترین کتاب این دوره تاریخ جهان‌گشای نادری^{۶۲} است.



۹۰-۷- جلد آینه لاک، روغنی، تدریس رساله در شب، اواخر سده دوازدهم و اوایل سیزدهم هجری

۶۲. با ۱۴ تصویر به خط میرزا محمد مهدی استرآبادی و نقاشانی چون رضا عباسی و محمد قاسم تبریزی می‌باشند.

دوره‌ی قاجار

با به قدرت رسیدن قاجاریه و انتخاب تهران به عنوان پایتخت، میراث هنری شیراز و اصفهان و تجربیات فرنگی‌سازی به تهران منتقل گردید. در این مکتب توجه و علاقه به طبیعت‌نگاری، نمایش سایه روشن به ویژه سایه پردازی مختصر در چهره و لباس، تلفیق نقش‌مایه‌های تزئینی و تصویری، ترکیب بندی‌های متقارن و ایستا، رنگ‌گزینی محدود با تسلط رنگ گرم (به ویژه قرمز)، عمق‌نمایی و تقلید جهان مادی، گل و مرغ با پس‌زمینه‌سازی به شیوه‌ی اروپایی و پیکرنگاری درباری پدید می‌آید. مکتب قاجار را می‌توان به سه دوره‌ی کلی تقسیم کرد.

دوره اول، از آغاز تا مدرسه دارالفنون و دارالصنائع:



این دوره تداوم سنت‌های مکتب شیراز و اصفهان است که با تاکید بر نقاشی زیر لاک، نقاشی پشت شیشه‌ای، پیکرنگاری درباری و دیوارنگاری شکل می‌گیرد. همچنین در این دوره نقاشی روی بوم رواج یافت و نقاشان به کشیدن نقاشی با رنگ روغن پرداختند (تصویر ۹۱-۷). اگرچه تصویرگری کتاب بار دیگر در دوران قاجار آغاز می‌شود، اما هرگز به توانایی‌های پیشین دست نمی‌یابد. شیوه‌ی نقاشی رایج این دوران که برای تزئین قلمدان، قاب آینه، جعبه آرایش و دیگر اشیای تزئینی به کار می‌رفت، نقاشی زیر لاک است. در این شیوه، نقاشی را با قشری از روغن کمان^{۶۳} می‌پوشاندند تا از آسیب و پاک‌شدگی محفوظ مانده تا جلوه‌ای شفاف و براق به خود

۷-۹۱- پیکره‌نگاری، فتح‌علی‌شاه، رنگ روغن روی بوم، اثر میرزا بابا، تهران، ۱۲۱۴-۱۲۱۳ هجری

بگیرد (تصویر ۹۲-۷).

۶۳. روغن کمان ترکیبی از روغن جلا، بزرک و روغن سندروس است و معادل ورنی محسوب می‌شود.



۹۲-۷- قلمدان ، صحنه نبرد ، لاکه روغنی ، تهران ، ۱۲۶۷-۱۲۶۶ هجری

دوره دوم ، از مدرسه‌ی دارالصنایع صنایع الملک تا مدرسه‌ی صنایع مستظرفه کمال الملک:



۹۴-۷- نسخه هزار و یک شب ، اثر صنایع الملک ، تهران ، سده سیزدهم هجری

در این دوره با ورود دوربین عکاسی به ایران آثار نقاشی ایرانی هم تحت تاثیر قرار گرفت (تصویر ۹۳-۷). این پیروی کامل از عکس در بسیاری از موارد راه را بر خلاقیت از منشا عالم خیال بست. از این رو گرایش شیوه اروپایی و رنگ و روغن کاری شدت می‌یابد.

هم چنین در این دوران صنایع الملک با سفر و تحصیل در اروپا شیوهی نقاشی اروپایی همراه با تمایلات هنر ایتالیایی (طبیعت‌گرایی)، میراث هنر کلاسیک و شبه رمانتیک مورد توجه قرار می‌گیرد. در این دوران همچنین با گسترش چاپ سنگی ، نقاشی در مصور سازی کتاب و مطبوعات رونق گرفت . یکی از آثار پدید آمده به وسیله‌ی صنایع الملک مصور سازی مجموعه‌ی هزار و یک شب^{۶۴} (تصویر ۹۴-۷) است.



۹۳-۷- عکس و نقاشی ، ناصر الدین شاه ، تهران ، ۱۲۷۲ هجری

۶۴ . (ترجمه‌ی محمد حسین تهرانی) شامل ۱۱۳۲ تصویر

دوره سوم ، از مدرسه صنایع مستظرفه تا دوران نوگرایی:

محمد غفاری یا کمال الملک در خانواده‌ای هنرمند به دنیا^{۶۵} آمد. وی در دارالفنون زیر نظر مزین الدوله به تعلیم نقاشی پرداخت. در جوانی به دربار ناصرالدین شاه راه یافت و لقب نقاشباشی گرفت و سپس به کمال الملک ملقب شد. او در طی سفر اروپا با مکاتب نقاشی اروپایی آشنا شد و این آشنایی تاثیری عمیق بر نقاشی‌های او نهاد. از آثار معروف او می‌توان به تابلوهای تالار آینه، فالگیر بغدادی، غروب شمیران، تکیه دولت و جن گیر اشاره کرد (تصویر ۹۵-۷).

از دیگر هنرمندان این دوره محمود خان ملک الشعرا است که شیوه ی پرداز را با رنگ روغن و کلاژ تصویری^{۶۶} اجرا نمود. ادامه‌ی مکتب کمال الملک توسط شاگردان وی از جمله اسماعیل آشتیانی (که پس از وی به ریاست مدرسه‌ی صنایع مستظرفه رسید) شکل گرفت (تصویر ۹۶-۷).



۹۵-۷- تالار آینه ، اثر کمال الملک ، رنگ و روغن ، تهران ، سده سیزدهم هجری

۶۵ . عموی او ابوالحسن غفاری(صنیع الملک)از نقاشان به نام دوران قاجاربود.

۶۶ . از نظر زمانی قبل از اروپاییان و قبل از امپرسیونیست‌هاو کوبیسم شیوه پرداز (نقطه پرداز)در پرده استنساخ و پرده کلاژ تمبر به کار برده است.



۹۷-۷- نقاشی خیالی سازی (قهوه خانه ای) ، نبرد رستم و خاقان چین ، اثر حسین قوللر آقاسی ، رنگ و روغن ، سده سیزدهم و چهاردهم هجری



۹۶-۷- طبیعت بی جان ، اثر اسماعیل آشتیانی ، رنگ و روغن ، سده سیزدهم هجری

دوره‌ی معاصر از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی

همزمان با دوره مشروطه مکتب قهوه‌خانه‌ای شکل می‌گیرد که با تاثیر پذیری از مکتب قزوین و موضوعات مذهبی و حماسی در مکان‌های عمومی^{۶۷} با شیوه‌ی رنگ و روغن روی بوم، پرده و دیوار مورد استفاده قرار می‌گیرد و بعدها روی کاشی هم انجام می‌شود. این مکتب به واسطه حسین قوللر آقاسی (تصویر ۹۷-۷) و محمد مدبر آغاز شد و بعدها توسط شاگردانشان ادامه پیدا کرد.

نگارگری معاصر ایران

در سال ۱۳۰۴ شمسی با تفکیک مدرسه‌ی صنایع مستظرفه به ریاست حسین طاهرزاده بهزاد از شاگردان کمال‌الملک و هادی تجویدی (تصویر ۹۸-۷) اولین معلم نگارگری جدید و عیسی بهادری (تصویر ۹۹-۷) موسس هنرستان هنرهای زیبای اصفهان شکل گرفت.

نقاشان نوگرا

با تاسیس دانشگاه‌های هنری در کشور از جمله دانشکده هنرهای زیبا^{۶۸}، دانشکده هنرهای تزئینی^{۶۹} و تاسیس انجمن خروس جنگی^{۷۰} در سال ۱۳۲۸، نگارخانه‌ی آپادانا^{۷۱} و برگزاری نخستین بینال تهران در سال ۱۳۳۷ موج هنرمندان نوگرا شکل می‌گیرد.

۶۷. عموما قهوه‌خانه‌ها، امام زاده‌ها و تکایا

۶۸. هنرکده‌ی هنرهای زیبا ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ که در سال ۱۳۲۸ هنرکده به دانشکده هنرهای زیبا تغییر نام می‌یابد.

۶۹. در سال ۱۳۳۹ توسط هوشنگ کاظمی اولین گرافیست و پایه گذار رشته گرافیک تاسیس شد.

۷۰. توسط جلیل ضیاءپور

۷۱. توسط جوادی پور



۹۹-۷- طرح و بافت فرش، اثر عیسی بهادری، اصفهان، سده چهاردهم هجری



۹۸-۷- فردوسی در دربار سلطان محمود، اثر هادی تجویدی، تهران، ۱۳۰۴ شمسی

مکتب سقاخانه‌ای

همزمان با جریان نقاشی خط همراه با نقش مایه‌های سنتی و مذهبی، مواد و مصالح بومی و آشنایی با زبان هنر معاصر حدود ۱۳۴۱ شمسی و به‌طور رسمی در سال ۱۳۴۳ شمسی مکتب سقاخانه در ایران شکل می‌گیرد و در چهارمین بینال^{۷۲} سال ۱۳۴۳ به رسمیت شناخته می‌شود. از هنرمندان این مکتب حسین زنده رودی، پیل آرام، رضا مافی (تصویر ۱۰۰-۷)، ناصر اوپسی، منصور قندریز، و جعفر روحبخش را می‌توان نام برد.

گرایش‌های آزاد

هم چنین گرایشاتی با تأثیر پذیری از هنر خاور دور توسط سهراب سپهری (تصویر ۱۰۱-۷)، هنر مفهومی و پاپ ایرانی به عنوان گرایش‌های آزاد شکل می‌گیرد و پس از انقلاب اسلامی هنر با گرایش‌های انقلابی، اسلامی و آزاد ادامه پیدا می‌کند.

۷۲. دو سالانه



۱۰۰-۷- اثر رضا مافی



۱۰۱-۷- اثر سهراب سپهری

پرسش

- ۱- مکتب تبریز ۲ در کدام حکومت شکل گرفت؟ ویژگی مهم آن را توضیح دهید.
- ۲- با ذکر مثال، ویژگی مکتب مشهد و قزوین را بنویسید.
- ۳- مکتب قزوین دوره‌ی صفوی چه تغییر و تحولی در نگارگری به وجود آورد؟ توضیح دهید.
- ۴- مکتب اصفهان توسط چه کسی ابداع شد؟ و چه تغییراتی در هنر نگارگری به وجود آورد؟
- ۵- شیوه‌ی خاص رضا عباسی دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۶- در مکتب اصفهان شاهد چه تغییرات کاربردی در زمینه نقاشی هستیم؟
- ۷- دو شیوه‌ی رایج نگارگری دوران آخر صفویه را نام ببرید.
- ۸- مهم‌ترین تحول نقاشی در دوران آخر صفویه را نام ببرید.
- ۹- ویژگی آثار نگارگری دوره‌های جدید را بیان کنید.
- ۱۰- مکتب قاجاریه به چند دوره قابل تقسیم است؟ توضیح دهید.
- ۱۱- گسترش چاپ سنگی چه تأثیری در نگارگری دوران قاجاریه گذاشت؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۱۲- همزمان با دوره‌ی مشروطیت چه مکتب نگارگری شکل گرفت؟ توضیح دهید.
- ۱۳- مکتب سقاخانه‌ای را با ذکر نام چند هنرمند این مکتب توضیح دهید.

منابع فارسی

- گاردنر، هلن - هنر در گذر زمان، مترجم محمد تقی فرامرزی، انتشارات آگاه، ۱۳۸۷
- اتینگهاوزن، ریچارد - هنر و معماری اسلامی جلد ۱ و ۲ - مترجم دکتر یعقوب آژند - انتشارات سمت ۱۳۷۸
- ه.و. جنسن - تاریخ هنر - انتشارات علمی و فرهنگی - مترجم پرویز مرزبان - ۱۳۸۸
- تریگیر، مری - هنر چین - مترجم فرزانه طاهری - فرهنگستان هنر - ۱۳۸۴
- استنلی بیکر، جوان - هنر ژاپن - مترجم نسترن پاشایی - فرهنگستان هنر ۱۳۸۴
- گریشمن، رومن - هنر ایران - مترجم یعقوب آژند - انتشارات مولی ۱۳۸۲
- پوپ، آرتور - سیری در هنر ایران - گروه مترجمان سیروس پرهام - انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۸۸
- کوماروسوامی، آناندا کنیتش - هنر هند - مترجم دکتر امیر حسین ذکرگو - انتشارات فرهنگسرای هنر - ۱۸۷۷

منابع لاتین

- Dialogues In Art History, From Mesopotamian To Modern, ۲۰۰۹
National Gallery
- Poke, Grant ,Art History ,۲۰۰۷, Mcgraw-Hill
- Harris, Jonathan ,Art History ,۲۰۰۶, Routledge
- Gardner, Itelen ,Art Through The Ages, ۲۰۰۱, Havcourt Collrge
- Kuhrt, Amelie, The Persian Empire, ۲۰۰۷, Routledge
- Gutis, John, Nush-I Janiii, ۱۹۸۴, British Institute
- Sarkhosh Curtis, Vestis, Birth Of The Persian Empire, ۲۰۰۵, British
Museum
- Canby, Sheila ,The Golden Age Of Persian Art ,۲۰۰۰, Abrams

- Bahari, Ebadollah Bihzad, ۱۹۹۶, Tauris
- Bancroft, Hunt, Norman, Historical Atlas Of Ancient Mesopotamia, ۲۰۰۴,

Checkmark Books

- Frankfort, Groenewen, Art Of The Ancient World, ۱۹۷۱, Abrams
- Wolff, Walther, Erly Civilizations , ۱۹۸۹, Herbert
- Miller ,Hans Wolfgang, The Royal Gold Of Ancient Egypt, ۱۹۹۹
- Albanese, Marilia, Ancient India, ۲۰۰۱, White Star Taurus
- Chakravery, Anjan, Indian Miniature Painting, ۱۹۹۶, Tiger Books
- Steuber Jason, The Art Of China, ۲۰۰۷, Scriptum
- Paine, Robert Treat, The Art And Architecture Of Japan, ۱۹۸۱, Penguin

Books

- Grabar, oley , masterpieces of Islamic art , ۲۰۰۹
- Grabar, oley early Islamic art , ۲۰۰۵ yale university
- Rogers, j-m, the arts of islam, ۲۰۰۷

